H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
یکشنبه | ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ | شماره ۴۰۴۱
۱۲ صفحه
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

گزارش میدانی هفت‌صبح از تلاش رمال‌ها، طلسم‌فروشان و دعانویسان برای دسترسی به بقایای متوفیان در آرامستان‌ها

جادوگران گورستان

● گاهی بستگان نزدیک متوفی دنبال چیدن مو یا ناخن او بوده‌اند. این طلسم‌ها را سودجویان به قیمت گزاف به مردم می‌فروشند

● برخی افراد ناشناس از کارکنان بهشت زهرا درخواست ناخن و موی اجساد برای طلسم می کنند صفحه ۶

همه چیز درباره جام‌دار جدید فوتبال ایران

تراکتور چگونه قهرمان شد

صفحه ۱۱

تحقیقات جهانی می‌گوید نسل جدید غمگین‌تر از نسل‌های دیگرند

اضطراب و اندوه نسل زد

منحنی شادی دیرینه پس از سال‌ها عوض شده و این موضوع محققان را گیج کرده است

صفحه ۱۲

برآورد خسارت ۴ میلیارد دلاری در بندر رجایی

موسسه استرالیایی Baird Maritime بدون ارایه مستندات و جزئیات رقم خسارت اقتصادی انفجار در بندر شهید رجایی را ۴ میلیارد دلار برآورد کرده است. رقمی که از سوی مقامات کشورمان تایید یا رد نشده است

صفحه ۸

رونمایی از دیوارنگاره‌ای با تصویر محمدرضا لطفی در میدان فاطمی

هنرمندان سوژه دیوارنگاره‌ها

صفحه ۴

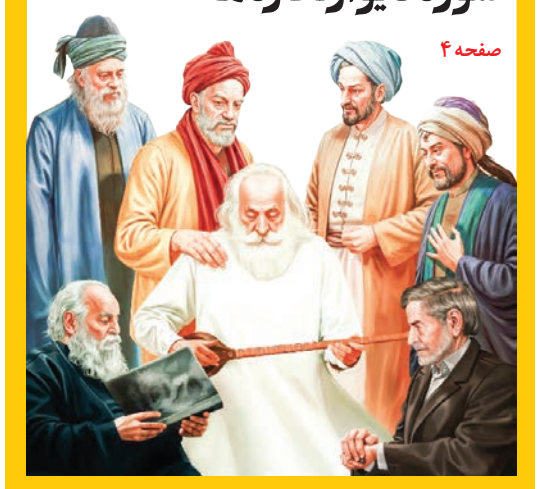

مرگ مهاجران ایرانی در غربت و انتقال جسد از کشورهای خارجی به داخل، چه چالش‌ها و هزینه‌هایی دارد؟

هزینه‌های میلیاردی تابوتی در پرواز

انتقال جسد از کشورهای خارجی نیازمند مجوزهای پزشکی، کنسولی و گمرکی است

صفحه ۸

گفت‌وگو با امدادگری که با گاری‌اش در بندرعباس سر زبان‌ها افتاد

ناجی در گودال

هر جنازه‌ای یا زخمی‌ای که از آن گودال وحشت بیرون می‌آوردیم، انگار بخشی از آن برای من و خانواده‌ام بود

صفحه ۶

مرد جوان که دختر مورد علاقه‌اش را به قتل رسانده بود شب قبل از اعدام با خواب مادر مقتول از قصاص نجات یافت

مادر داغدار: به حرمت امام رضا از خون دخترم گذشتم

شرط بخشش این بود که قاتل هزینه جهیزیه ۸ عروس و داماد و اعزام ۸ زوج به زیارت امام رضا را پرداخت کند

صفحه ۷

سلاحی به نام مهربانی؛ حیوانات شهری با غذای انسانی چاق، بی‌مهارت و در معرض خطر شده‌اند

گربه‌هایی که از موش می‌ترسند

● کلاغ‌ها و سگ‌های شهری با مشکلات گوارشی و ضعف ایمنی روبه‌رو هستند

● گربه‌ها با تغذیه دستی تا ۶۵ درصد توانایی شکار خود را از دست داده‌اند

صفحه ۹

این فقط یک قهرمانی نیست یک بیانیه است

لیست کسانی که باید از اسکوچیچ عذرخواهی کنند
فردوسی‌پور، تاج، طارمی و پسر معاون اول رئیس‌جمهور

صفحه ۱۱

گزارش هفت صبح از استیضاح وزیر راه با محورهای متعدد و ابهام در انگیزه‌های سیاسی

بازی با کارت صادق

استیضاح وزیر راه در حالی کلید خورد که هنوز زوایای حادثه بندر شهید رجایی مشخص نشده است

صفحه ۲

داستان شگفت‌انگیز آبرنگ نایاب ونگوگ که از تهران به مارینا پیکاسو، نوه پیکاسو رسید

زنی در جنگل، پرده‌ای از تاریخ

اثر ونگوگ پس از دهه‌ها خاموشی در نیویورک زیر نور درخشان حراج ساتبیز با قیمتی چندصدهزار دلاری آماده فروش است

صفحه ۴

گزارش

«فیروز» برگشت، قوی‌تر از همیشه

در سالروز تولد توله‌های ناکام «ایران» و «فیروز»، دامپزشک سرشناس آفریقای جنوبی برای ارزیابی سلامت تنها یوزپلنگ‌نر مرکز تکثیر توران به ایران آمد

همزمان با سالروز تولد سه توله‌یوزپلنگی که دو سال پیش چشم به جهان گشودند اما به دلایلی در همان روزهای نخست از دست رفتند، توران دوباره شاهد نشانه‌هایی از امید است. امیدی که نامش «فیروز» است و همچنان با غرور در خاک وطن قدم می‌زند.

در روزهای گذشته دکتر پیتر کالدول، دامپزشک شناخته‌شده اهل آفریقای جنوبی مهمان ذخیره‌گاه زیست‌کره توران در شرق استان سمنان شد. حضور او برای معاینه تخصصی، نمونه‌گیری از خون و اسپرم «فیروز» تنها یوز نر سایت تکثیر و انتقال واکسن‌ها و داروهای لازم برای یوزهای ایرانی، موجی از توجه و امیدواری را به‌دنبال داشت.

سعید یوسف‌پور، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان می‌گوید: «فیروز از نظر سلامت جسمی، وضعیت دهان و دندان، و شاخص‌های بدنی در شرایط بسیار خوبی قرار دارد. نمونه‌برداری‌ها انجام شده و نتایج نهایی به‌زودی اعلام خواهد شد.»

فیروز یوزی بالغ است که سال ۱۳۹۱ در همین منطقه شناسایی شد. او در حال حاضر تنها یوز نر مجموعه تکثیر در اسارت است. سال ۱۴۰۱، حاصل جفت‌گیری او با یوز ماده‌ای به‌نام «ایران»، سه توله بود که متأسفانه هر سه به دلایل پزشکی جان باختند. اما حالا با بهبود زیرساخت‌های نگهداری و حضور کارشناسان بین‌المللی، امید به تولد موفق نسل بعدی بیشتر از همیشه شده است.

یوسف‌پور همچنین از سرمایه‌گذاری ۶۰ میلیارد ریالی برای بهبود فضای اقامتی یوزها در مجموعه تکثیر توران خبر داد: «تعداد جایگاه‌های یوزها افزایش یافته و شرایط نگهداری آنها به استانداردهای بین‌المللی نزدیک شده است. هدف ما فراهم کردن محیطی امن و استاندارد برای زادآوری دوباره است.»

در حال حاضر، شش یوزپلنگ در اسارت در پارک ملی توران زندگی می‌کنند: «فیروز»، «ایران»، «دلبر»، «آذر»، «توران» و یوز ماده‌ای جوان به‌نام «ابریشم کنام» که تابستان گذشته با وضعیت جسمانی ضعیف به این مرکز منتقل شد.

ماجرای «آذر» و «توران»، دو یوز ماده‌ای که در آذر ۱۴۰۱ توسط چوپانی در توران پیدا شدند و پس از انتقال، واکسیناسیون و مراقبت‌های خاص به‌مرکز تکثیر بازگردانده شدند، یکی از نمونه‌های موفق مداخله به‌موقع برای نجات نسل یوزهاست.

این دستاوردها نتیجه تجربه‌ای است که از روزهای سخت گذشته حاصل شده؛ روزهایی که حتی تلف شدن توله‌ها نتوانست اراده تیم حفاظت را برای نجات یوز آسیایی بشکند. اکنون با حضور متخصصان داخلی و بین‌المللی، توسعه زیرساخت‌ها و آغاز فاز جدیدی از پایش و تکثیر نیمه‌طبیعی، این امید وجود دارد که یوز آسیایی دوباره در دشت‌های ایران بدود.

از سوی دیگر، یوسف‌پور می‌گوید تلاش‌ها تنها محدود به نگهداری در اسارت نیست: «کاهش تهدیداتی مانند چرای شترها، سگ‌های گله، کمبود طعمه و تغییر اقلیم از اولویت‌های ماست و پروژه زیستگاه فراجمعیتی نیز در دستور کار قرار دارد.»

امروز دیگر «فیروز» فقط یک یوز نیست. او نماد مقاومت و امید است. در جهانی که زیستگاه‌های طبیعی یکی پس از دیگری قربانی توسعه بی‌برنامه می‌شوند، حفظ او یعنی حفظ تکه‌ای از تاریخ و هویت زیستی ایران. حالا همه منتظرند؛ منتظر اعلام نتایج آزمایش‌ها، منتظر فصل جفت‌گیری، منتظر تولد دوباره در توران. شاید همین اردیبهشت، ماه تولد برای «فیروز» و هم‌نوعانش نقطه‌ای نو باشد. آغازی برای نسلی تازه.

ایرانشهر

پرواز بر سیم زمان

چهارمحال و بختیاری، سرزمین تلاقی طبیعت، سنت و آدرنالین
جَرّه‌های عشایری فرصتی نو برای گردشگری ماجراجویانه

در دل کوه‌های صعب‌العبور و رودخانه‌های خروشان چهارمحال و بختیاری، سازه‌ای ساده اما اسرارآمیز خودنمایی می‌کند. «جَرّه» نامی آشنا برای عشایر و ناشناخته اما جذاب برای گردشگران. این وسیله ابتدایی که سال‌ها تنها راه عبور کوچ‌نشینان از رودخانه‌ها بود، امروز به یکی از خاص‌ترین جاذبه‌های گردشگری ماجراجویانه ایران بدل شده است.

«اردشیر آخوندی»، کارشناس میراث فرهنگی استان، در گفت‌وگو با ایرنا می‌گوید: «قدمت جره‌ها به دورانی بازمی‌گردد که عشایر برای عبور از رودخانه‌ها چاره‌ای جز ابتکار نداشتند. جره‌هایی که امروز از سیم‌های بوکسل ساخته شده‌اند، احتمالاً از دوره قاجار و با ورود انگلیسی‌ها به منطقه برای ساخت پل در دوپلان ریشه گرفته‌اند.» او تاکید دارد که پیش از این، جره‌ها از طناب‌های نخی ساخته می‌شدند و تنها راه اتصال عشایر به دنیای بیرون بودند.

این کارشناس با اشاره به اینکه برخی از جره‌های امروزی ارزش ثبت ملی دارند، می‌افزاید: «نه‌تنها می‌توان جره را به‌عنوان یک میراث تاریخی حفظ کرد، بلکه باید آن را به‌عنوان یک عنصر زنده در گردشگری ماجراجویانه معرفی کرد.»

بنا بر گفته «نوید غریب‌شاهی»، کارشناس امور عشایر استان، ۱۶ جره فعال در شهرستان‌های کوهرنگ، اردل و لردگان در کوچ عشایر نقش دارند. اما نکته آنجاست که برخی از این جره‌ها به خدمت گردشگران درآمده‌اند. غریب‌شاهی با اشاره به جره منطقه «زرده‌لیمه» می‌گوید: «برای رسیدن به آبشار دیدنی زرده‌لیمه، گردشگران باید از جره عبور کنند؛ تجربه‌ای که هم ماجراجویی است، هم سفر در تاریخ.» وی که خود نیز از جامعه عشایری استان است، گردشگری را یکی از مهم‌ترین ابزارهای توانمندسازی اقتصادی عشایر می‌داند: «جره تنها یک کابل نیست؛ پلی است میان گذشته و آینده و می‌تواند با ساماندهی صحیح، به منبعی برای درآمد پایدار جامعه عشایری بدل شود.»

تاکنون ۲۰ طرح گردشگری عشایری در استان تدوین شده که برخی وارد مرحله اجرا شده‌اند. به گفته غریب‌شاهی، حمایت از این طرح‌ها و واگذاری بهره‌برداری جره‌ها به عشایر محلی می‌تواند آنها را به بازیگران اصلی گردشگری منطقه تبدیل کند.

اما برای تحقق این هدف، تنها انگیزه کافی نیست. «هادی قاسمی نافچی»، معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی چهارمحال و بختیاری، تاکید می‌کند که «مالکیت عرفی جره‌ها با عشایر است و اداره کل ما آمادگی دارد مجوزهای لازم برای بهره‌برداری رسمی و ایمن از این سازه‌ها را در اختیار عشایر قرار دهد.»

وی می‌افزاید: «برای تضمین ایمنی گردشگران، همان‌طور که بر زیپ‌لاین، بانجی‌جامپینگ و دیگر ابزارهای هیجانی نظارت می‌شود، جره‌ها نیز تحت بررسی کارشناسان اداره کل استاندارد قرار خواهند گرفت.»

گرچه چهارمحال و بختیاری از نعمت‌های طبیعی بی‌شمار، رودخانه‌ها، آبشارها و فرهنگ غنی عشایری برخوردار است، اما هنوز گردشگری آن به جایگاه شایسته اقتصادی نرسیده است. قاسمی نافچی با ابراز امیدواری به آینده می‌گوید: «اگر بتوانیم گردشگری عشایری و ماجراجویانه را با اصول توسعه پایدار هدایت کنیم، این حوزه می‌تواند نقشی کلیدی در اقتصاد استان بازی کند.» جره تنها وسیله‌ای برای عبور از رودخانه نیست؛ پلی است برای عبور از زمان، از گذشته‌ای دور به آینده‌ای هیجان‌انگیز. اگر جاده‌ها، مسیرهای مرسوم گردشگری‌اند، جره‌ها راهی‌اند برای کشف ناشناخته‌ها، تجربه بی‌واسطه زندگی بومی و لمس شور کوچ و سنت.

این روزها که گردشگران به دنبال تجربیات متفاوت و خاطره‌انگیز هستند، جره به‌عنوان جاذبه‌ای ترکیبی از تاریخ، فرهنگ و هیجان، می‌تواند نام چهارمحال و بختیاری را بر نقشه گردشگری ماجراجویانه ایران پررنگ‌تر از همیشه کند.

در حاشیه

سوال ۳۰ نماینده از وزیر امور خارجه درباره سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران

یک نماینده مجلس: سرمایه‌گذاری آمریکا نوعی تضمین است

بخشایش اردستانی، نماینده مجلس شورای اسلامی: سرمایه‌گذاری مشترک آمریکایی‌ها در ایران می‌تواند انجام شود، به نظرم چیز بدی نیست. این در واقع نوعی تضمین است

ایمان برین
هفت صبح

در حالی که اخبار امروز برخی رسانه‌ها از ارسال سوال ۳۰ نماینده مجلس از عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، به هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی حکایت دارد، پیگیری‌های «هفت صبح» نشان می‌دهد که این موضوع هنوز در مرحله ابتدایی خود است و حتی برخی از نمایندگان کمیسیون امنیت ملی نیز از جزئیات آن بی‌اطلاع هستند.

به گفته برخی رسانه‌ها سوال مطرح‌شده از سوی علی‌اصغر نخعی‌راد، نماینده خراسان رضوی، به موضوعاتی چون اظهارات اخیر وزیر امور خارجه درباره سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران و همچنین مباحث مربوط به گره‌زدن اقتصاد کشور به مذاکرات هسته‌ای مربوط می‌شود. این سوال تاکنون به امضای ۳۰ نماینده رسیده و طبق روال قانونی، برای بررسی بیشتر به هیأت رئیسه مجلس ارجاع شده است.

در همین راستا، خبرنگار «هفت‌صبح» با احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تماس گرفت تا نظر او را درباره این اقدام جویا شود. بخشایش با اظهار بی‌اطلاعی از موضوع گفت: «من در جریان محورهای این سوال نیستم و فعلاً صلاحیت اظهارنظر در این‌باره را ندارم. وقتی سوال به کمیسیون بیاید، ما بررسی می‌کنیم که آیا منطقی است یا خیر.»

او اما در واکنش به گمانه‌زنی‌ها درباره موضوعات مطرح‌شده در سوال نمایندگان گفت: «اینکه وزیر امور خارجه گفته سرمایه‌گذاری مشترک آمریکایی‌ها در ایران می‌تواند انجام شود، به نظرم چیز بدی نیست. این در واقع نوعی تضمین است. هنوز به جایی نرسیده‌ایم که بخواهیم این را مستمسک قرار دهیم برای بازخواست وزیر.»

احتمال توافق را هنوز مثبت می‌بینم

بخشایش اردستانی در ادامه درباره روند مذاکرات هسته‌ای و چشم‌انداز آن نیز گفت: «من هنوز نگاه مثبتی به آینده مذاکرات دارم. احتمال رسیدن به توافق زیاد است، هرچند چالش‌هایی پیش رو داریم. یکی از موضوعات مهم، تضمین خروج‌نکردن آمریکا از توافق است و دیگری عملیاتی‌شدن رفع تحریم‌هاست.»

او افزود: «ایران پیشنهاد داده که آمریکایی‌ها در پروژه‌هایی نظیر برق و انرژی خورشیدی در ایران سرمایه‌گذاری کنند. مثلاً اگر ۱۰۰ هزار مگاوات برق از انرژی خورشیدی تأمین شود، هم به نفع ایران است، هم نشان‌دهنده تعهد طرف آمریکایی. همچنین بحث‌هایی هم درباره مشارکت آمریکا در حوزه هسته‌ای نیز مطرح است.» عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در ادامه گفت: «بحث‌های بعدی بحث‌های فنی است. ممکن است کمی چالش برانگیز باشد اما چون هر دو هم ایران و هم آمریکا اراده بر این دارند که این مسئله را به یک جای مثبت برسانند من توافق را مثبت می‌بینم.»

تحریم‌های جدید ترامپ؛ فشار روانی و منطق اشتباه

در بخش دیگری از گفت‌وگو، نظر بخشایش را درباره تحریم‌های جدید اعلام‌شده از سوی دونالد ترامپ پرسیدیم. او با لحنی تند گفت: «این تحریم‌ها بی‌معرفتی محض است. منطق ترامپ این است من صلح پر قدرت می‌خواهم، او بر این باور است که فشار بیاورد تا ایران پای میز مذاکره بیاید. در حالی است که نمی‌داند که اگر زبان نرم‌تری به کار می‌برد، مذاکره هم آسان‌تر می‌شود. با این وجود در این سه دور آمریکایی‌ها با ایران همراهی داشتند به جای مذاکره اما زبان گفتمانشان در مذاکره خیلی متفاوت در رسانه و بحث پروپاگاندا هست. این رفتار یک کار تناقض‌آمیز است و وظیفه سیاست رفع این تناقض‌هاست.»

استیضاح وزیر و پیوند آن با منافع ملی؟

در پایان گفت‌وگو، موضوع استیضاح فرزانه صادق مالواجرد نیز مطرح شد که این روزها به طور جدی در مجلس دنبال می‌شود. بخشایش درباره ارتباط این اقدام با روند مذاکرات گفت: «این دو موضوع ربطی به هم ندارند. مجلس وظیفه نظارتی دارد. رأیی که در ابتدا به وزرا داده شد کلی بود، اما حالا که برخی وزرا عملکردشان را نشان داده‌اند، طبیعی است که مجلس پاسخ بخواهد.»

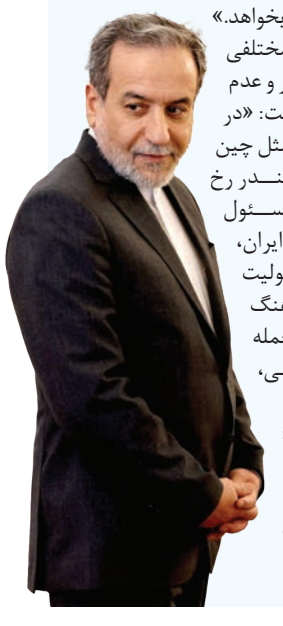

او با اشاره به موضوعات مختلفی از جمله حادثه در بندر و عدم مسئولیت‌پذیری گفت: «در بسیاری از کشورها مثل چین وقتی حادثه‌ای در بندر رخ می‌دهد، مقام‌های مسئول پاسخگو هستند. در ایران، متأسفانه کسی مسئولیت نمی‌پذیرد. باید فرهنگ مسئولیت‌پذیری، از جمله استعفا یا عذرخواهی، جا بیفتد.»

او در پایان تأکید کرد: «این اقدام مجلس، ربطی به مذاکرات ندارد و بیشتر از جنس انجام وظیفه نظارتی است.»

گزارش هفت‌صبح از استیضاح وزیر راه با محورهای متعدد و ابهام در انگیزه‌های سیاسی

بازی با کارت «صادق»

استیضاح وزیر راه در حالی کلید خورد که هنوز زوایای حادثه بندر شهید رجایی مشخص نشده است

گروه سیاست
هفت صبح

ساعت‌ها پیش از آنکه زنگ پایان جلسه علنی مجلس نواخته شود، خبر در راهروهای بهارستان پیچیده بود: استیضاح فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، رسما کلید خورد. طراح این اقدام محمدمنان رئیسی، عضو کمیسیون عمران است. طوفان سیاسی‌ای که با حادثه بندر شهید رجایی جان گرفت، حالا با فهرستی هشت‌محوری از «قصورها و ترک فعل‌ها» تبدیل به سیل شده است. سیلی که طبق اعلام منابع پارلمانی، دست‌کم ۴۱ امضا پای آن است.

استیضاح به خاطر سامانه‌ای که قبلا بسته شد

از جمله محورهای اصلی این استیضاح، بسته بودن سامانه ثبت‌نام نهضت ملی مسکن است؛ سامانه‌ای که به گفته خود وزارت راه، در دوره وزارت بذرپاش غیرفعال شده و دلیل آن کمبود منابع بانکی برای وام‌دهی به متقاضیان عنوان شده است. با این حال، بسیاری از نمایندگان معتقدند بسته بودن این سامانه محروم‌سازی مردم از حقوق قانونی‌شان است. نماینده‌ای که طراح این استیضاح است، در اظهاراتی تند گفت: «باید گند کار دربیاید تا استیضاح کنیم؟»

حادثه بندر؛ جرقه یا بهانه؟

ماجرا اما تنها به یک سامانه ختم نمی‌شود. انفجار در بندر شهید رجایی که بخشی از آن به سوءمدیریت در انتصابات نسبت داده می‌شود، آتش اعتراض‌ها را شعله‌ورتر کرد. گفته می‌شود انتصاب فردی با پیشینه‌ای نامرتبط به ریاست سازمان بنادر، بعد از کنار رفتن علی‌اکبر صفایی، در کانون انتقادات قرار دارد. در این میان، ویدیویی از حضور وزیر در محل حادثه که به‌صورت گسترده در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد نیز با واکنش منفی بخشی از افکار عمومی مواجه شد و فضای استیضاح را داغ‌تر کرد.

گروه سیاسی روزنامه هفت صبح تلاش کرد برای دریافت پاسخ‌ها و توضیحات، با تیم اطلاع‌رسانی وزارت راه تماس برقرار کند اما پیگیری‌ها بی‌نتیجه ماند. همین ناکارآمدی ارتباطی، به باور برخی ناظران، به پاشنه آشیل وزارتخانه‌ای تبدیل شده که زیر ذره‌بین انتقاد و بحران ایستاده است.

میان دوراهی تدبیر و تصمیم عجولانه

در میان فشار افکار عمومی، نابسامانی‌های زیرساختی و انتظاراتی که گاه از توان اجرایی فراتر می‌روند، وزارت راه و شهرسازی با چالش‌هایی بنیادین مواجه است. از عقب‌ماندگی در حوزه حمل‌ونقل و نیاز به نوسازی ناوگان، تا بحران در بازار مسکن و کاهش دسترسی دهک‌های پایین به خدمات شهری، هیچ‌کدام یک‌شبه حل نمی‌شود. با این حال، آیا تغییر وزیر می‌تواند مسیر را هموار کند؟ سخنگوی دولت، در واکنشی رسمی، گفت: «استیضاح حق مجلس است اما انتظار داریم از این ابزار استفاده سیاسی نشود.» این جمله شاید کلید تحلیل این واقعه باشد: آیا هدف از این استیضاح، اصلاح ساختارهاست یا صرفا بازتابی از رقابت‌های درون‌قدرت؟

پایان یک گزارش، آغاز یک تصمیم بزرگ

در میانه همه منازعات و ابهام‌ها، آنچه بیش از هر چیز به چشم می‌آید، گره خوردن عملکرد یک وزارتخانه با انتظارات و نگاه‌های متفاوت سیاسی و اجتماعی است. وزارت راه و شهرسازی، صرفا یک نهاد فنی یا اجرایی نیست؛ این وزارتخانه قلب زیرساختی دولت است. جایی که مسکن، حمل‌ونقل، تجارت و حتی رفاه اجتماعی به آن وابسته‌اند. بنابراین هر لرزشی در این ساختمان، بازتابی گسترده در زندگی میلیون‌ها ایرانی دارد. طرح استیضاح وزیر راه، بیش از آنکه به‌خاطر عملکرد چندماهه یک وزیر زن باشد، نتیجه انباشت سال‌ها ناکارآمدی، تصمیم‌های ناتمام، پروژه‌های بلاتکلیف و البته چرخش نگاه‌های سیاسی به سوی نقاط آسیب‌پذیرتر کابینه است. آنگونه که از متن اظهارات نمایندگان نیز برمی‌آید، بخش قابل توجهی از انتقادها به اموری برمی‌گردد که ریشه در دولت پیشین دارد. با این حال، فشار برای پاسخگویی، همواره متوجه مقامی است که اکنون بر مسند نشسته است، نه کسی که رفته.

همزمان، برخی معتقدند ناهماهنگی در تیم اطلاع‌رسانی وزارت راه نیز به تقویت فضای استیضاح دامن زده است. وقتی یک حادثه ملی مانند انفجار بندر شهید رجایی رخ می‌دهد و وزیر در محل حضور می‌یابد اما هیچ روایت رسمی و اقناع‌کننده‌ای از ماجرا به مردم ارائه نمی‌شود، افکار عمومی نه فقط نسبت به عملکرد که نسبت به نیت هم دچار تردید می‌شود. در این میان، نباید از واقعیت تلخ دیگری هم غافل شد؛ فقدان صبر راهبردی در نظام تصمیم‌گیری. گویی مجلس و حتی رسانه‌ها، گاه به جای مطالبه برنامه، در پی مطالبه معجزه هستند.

برخی معتقدند ناهماهنگی در تیم اطلاع‌رسانی وزارت راه نیز به تقویت فضای استیضاح دامن زده است

در چنین شرایطی، ابزار استیضاح می‌تواند تبدیل به شمشیری دولبه شود: هم مکانیزمی برای شفاف‌سازی و پاسخگویی باشد و هم بستری برای بازی‌های زودگذر سیاسی. سؤال محوری اما اینجاست: اگر فرزانه صادق امروز کنار برود، آیا چالش‌های بنادر، سامانه مسکن یا بی‌ثباتی مدیریتی در یک وزارتخانه عظیم با ده‌ها معاونت و سازمان تابعه، به خودی خود رفع خواهند شد؟ آیا وزیر بعدی در چنین زمینی که بذر بی‌اعتمادی در آن پاشیده شده، امکان رشد خواهد داشت؟ یا صرفا به تعویق انداختن یک بحران در قالب چهره‌ای تازه است؟ نقش مجلس، در این میان تعیین‌کننده است. اگر قرار است از ابزار نظارت استفاده شود، این نظارت باید هدفمند، ساختاری و فراتر از نمایش‌های مقطعی باشد. استیضاح، اگر به عنوان پایان یک گفت‌وگو باشد، بی‌ثمر خواهد بود. اما اگر آغازی باشد برای گفت‌وگویی ملی درباره زیرساخت، حکمرانی، پاسخگویی و مدیریت در ایران امروز، می‌توان آن را به فال نیک گرفت. وزارت راه و شهرسازی، به‌جای تغییر پی‌درپی مدیران، به ثبات، تفکر سیستمی، شفافیت رسانه‌ای و سرمایه‌گذاری واقعی نیاز دارد. آنچه در معرض رأی نمایندگان قرار گرفته، فقط سرنوشت یک وزیر نیست؛ بلکه قضاوتی است درباره کیفیت تصمیم‌سازی در نظام حکمرانی ما.

گفت‌وگو با دو نماینده؛ دو روایت از یک استیضاح

دو نماینده مجلس در گفت‌وگو با هفت صبح دیدگاه‌های متضادی را مطرح کردند

حمیدرضا گودرزی
عضو کمیسیون عمران و **مخالف** استیضاح:

برخورد با وزیر راه تسویه‌حساب یا نقد عملکرد؟

در گفت‌وگویی صریح با حمیدرضا گودرزی، عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، موضوع استیضاح وزیر راه و شهرسازی از منظر نگاهی متفاوت بررسی شد؛ روایتی که لایه‌های پنهان این تصمیم را از جنس سیاست و نه صرفا کارشناسی می‌بیند. گودرزی در واکنش به روند آغاز استیضاح، اظهار داشت: «از همان ابتدا که طرح از کمیسیون عمران کلید خورد، احساس کردم این موضوع بیش از آنکه مبتنی بر شاخص‌های فنی و اجرایی باشد، رنگ و بوی تسویه‌حساب شخصی دارد. به صراحت به اطرافیانم گفتم که این برخورد را سیاسی می‌دانم و معتقدم این حرکت در صحن علنی مجلس با شکست مواجه خواهد شد.»

وی در ادامه با انتقاد از منطق پشت دلایل مطرح‌شده برای استیضاح، تصریح کرد: «وقتی هنوز آتش حادثه بندرعباس خاموش نشده، چگونه می‌توان عملکرد وزیر را هدف گرفت؟ از سوی دیگر، وقتی رئیس بانک مرکزی اعلام می‌کند بودجه‌ای برای اجرای برخی طرح‌ها وجود ندارد، چگونه از وزیر راه انتظار می‌رود که بدون منابع، پروژه‌های جدید را عملیاتی کند؟»

او همچنین تأکید کرد: «در حالی که خودم طراح استیضاح وزیر نیرو هستم اما آنچه در آن پرونده پیگیری شد، بر پایه مستندات و شواهد روشن از ناکارآمدی وزارتخانه بود. نه عنصر غافلگیری در کار بود و نه نیت غیرشفاف.» در خصوص وزن مخالفان و موافقان در کمیسیون عمران، گودرزی معتقد است: «اکثریت اعضای کمیسیون با این استیضاح موافق نیستند. طرح بدون هماهنگی و به‌صورت ناگهانی در صحن مطرح شد؛ اتفاقی که نمایندگان را شوکه و فضای کمیسیون را نیز دچار حیرت کرد.»

این عضو کمیسیون عمران در پایان، نسبت به تأثیرات چنین تصمیماتی هشدار داد و گفت: «چنین اقداماتی، نه دولت را در مسیر اصلاح کمک می‌کند و نه به مردم امیدواری منتقل می‌کند. طرح‌های شتاب‌زده‌ای از این دست، بیش از هر چیز انسجام اجرایی کشور را هدف قرار می‌دهد.»

زهره سادات لاجوردی
نماینده مردم تهران و از **امضاکنندگان** استیضاح:

استیضاح وزیر راه تصمیمی برای حفظ منافع مردم است، نه یک حرکت سیاسی

زهره سادات لاجوردی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، از جمله امضاکنندگان استیضاح وزیر راه و شهرسازی است؛ تصمیمی که به گفته او از سر گرایش جناحی نیست و به دلیل انباشت مشکلات و بی‌پاسخ ماندن مطالبات مردم در حوزه‌ای حیاتی چون مسکن اتخاذ شده است.

لاجوردی در گفت‌وگویی صریح با ما تأکید کرد که مجموعه‌ای از ناکارآمدی‌ها، از جمله عملکرد ضعیف در سازمان بنادر، بی‌توجهی به تکالیف قانونی مرتبط با قانون جوانی جمعیت و تعطیلی ناگهانی سامانه ثبت‌نام مسکن، زمینه‌ساز این اقدام شده‌است. او با اشاره به اینکه بارها به وزیر هشدار داده شده بود، تصریح کرد: «پیش از اینکه بحث استیضاح جدی شود، بارها در جلسات رسمی و غیررسمی از وزیر خواستیم در شیوه‌های مدیریتی خود بازنگری کند اما با وجود فرصت‌های مکرر، تغییری حاصل نشد.» نماینده تهران، وضعیت نابسامان بازار مسکن را یکی از مهم‌ترین بحران‌های اجتماعی و اقتصادی کشور دانست و گفت: «افزایش بی‌سابقه اجاره‌بها و نبود برنامه عملیاتی در نهضت ملی مسکن، فشار سنگینی را به طبقات متوسط و پایین جامعه وارد کرده است.»

لاجوردی به انتقادات پیرامون استیضاح وزیر زن کابینه نیز پاسخ داد. او گفت: «از ابتدا از حضور بانوان در کابینه استقبال کرده‌ام و معتقدم زنان توانایی مدیریت در سطوح عالی را دارند. اما انتخاب برای پست‌هایی با بار سنگین تخصصی، باید بر اساس سابقه اجرایی و کفایت مدیریتی صورت گیرد. در این مورد، مسئولیت وزارت راه و شهرسازی با پیشینه اجرایی خانم صادقی همخوانی نداشت.»

در پاسخ به ادعاهایی مبنی بر سیاسی بودن استیضاح، لاجوردی تأکید کرد: «در بررسی عملکرد هر وزیری، معیار ما گرایش حزبی نیست و تنها اسناد و عملکرد عینی است. مردم نیاز به نتیجه دارند، نه حاشیه‌های سیاسی.» او در پایان گفت: «از ابتدا تمایلی به استیضاح نداشتم اما وقتی مسئولیتی سنگین به دوش وزیری گذاشته می‌شود و نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، چاره‌ای جز ورود به این فرآیند باقی نمی‌ماند. این یک تصمیم شخصی نبود؛ پاسخی بود به خواست عمومی و مصالح کشور.»

خبرخوانی

زارعی در توییتر: مذاکره تصمیم حکیمانه نظام بود

پاسخ تند به روایت‌رسایی از «شرافت»

مجتبی زارعی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، در واکنشی معنادار به بازنشر ویدیویی از سخنرانی حمید رسایی، موضعی متفاوت درباره مسئله مذاکره با ایالات متحده اتخاذ کرد. او در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) نوشت:

«با انتشار فیلمی از گذشته می‌خواهد بگوید: گفته بودم مذاکره شرافتمندانه نیست!

می‌گوییم مذاکره، تصمیم نظام بوده و حکیم ما نسبت به ذات آمریکا آگاه بوده است؛

وزارت خارجه هم امروز جواب محکمی به آمریکا داد؛

مهم این است که زودخیالاتی نشویم و وانمود کنیم بیشتر از امام جامعه می‌فهمیم»! زارعی این توییت را همراه با ویدیویی از سخنرانی حمید رسایی منتشر کرد که در آن گفته می‌شود: «مذاکره با آمریکا برخلاف عقل، هوش و شرف است.»

مجتبی زارعی
@MojtabaZarei50

باانتشارفیلمی ازگذشته می خواهد بگوید: گفته بودم مذاکره شرافتمندانه نیست!
می‌گوییم مذاکره، تصمیم نظام بوده وحکیم ما نسبت به ذات آمریکا آگاه بوده واست؛
وزارت خارجه هم امروز جواب محکمی به آمریکا داد؛
مهم این است که زودخیالاتی نشیم و وانمود کنیم بیشتر ازامام جامعه می فهمیدیم !

خبر تحلیل

توییت زارعی بیش از آن‌که دفاع صرف از مذاکره باشد، تذکری است به جناحی از اصولگرایان که با روایت‌های احساس‌محور و برخلاف روندهای رسمی نظام، سعی در مصادره تصمیمات کلان دارند. زارعی با تأکید بر آگاهی و حکمت تصمیم‌گیران عالی نظام، مرز خود را با این جریان مشخص کرده است.

هشدار از درون دولت:

تکرار مسیر خطا، نارضایتی را عمیق‌تر می‌کند

در واکنشی صریح از درون بدنه دولت، محمدرضا جوادی یگانه، مشاور اجتماعی و رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری، نسبت به تداوم سیاست‌های قهری در موضوع حجاب هشدار داد. او در توییتی نوشت: «قانونی که برای مردم وضع می‌شود، باید با رضایت اکثریت آنها باشد. تکرار چندباره یک شیوه اشتباه، در حالی که اکثریت مردم با آن مخالف هستند، تنها نارضایتی مردم را تشدید می‌کند.» جوادی یگانه با اشاره به تجربه‌های پرهزینه سال‌های اخیر، ارسال پیامک‌های هشداردهنده در مورد حجاب را اقدامی تکراری دانست که تبعات سنگینی در پی دارد. به گفته او، «ارسال پیامک‌های حجاب، تکرار مسیری است که انتهای آن اعتراضات سال‌های گذشته است، این‌بار، احتمالاً شدیدتر.» اظهارات او در شرایطی منتشر شده که فضای عمومی کشور نسبت به نوع مواجهه با مسئله حجاب همچنان ملتهب است. در چنین بستری، هشدار فردی که خود در ساختار رسمی دولت حضور دارد، نشان‌دهنده آن است که انتقاد به این رویه صرفا محدود به منتقدان بیرونی نیست. او با تأکید بر نقش رضایت عمومی در اعتبار قوانین، تلویحاً از لزوم بازنگری در رویکردهای سخت‌گیرانه سخن گفت؛ رویکردهایی که به گفته بسیاری، نه تنها نظم اجتماعی را تقویت نمی‌کند که پایه‌های اعتماد عمومی را نیز متزلزل می‌سازد.

جوادی یگانه Javadi Yeganeh
@javadimr

قانونی که برای مردم وضع می‌شود، باید با رضایت اکثریت آنها باشد. تکرار چندباره یک شیوه اشتباه، در حالی‌که اکثریت مردم با آن مخالف هستند، تنها نارضایتی مردم را تشدید می‌کند. ارسال پیامک‌های حجاب، تکرار مسیری است که انتهای آن اعتراضات سال‌های گذشته است، این‌بار، احتمالا شدیدتر.

شمشیر مجلس یا تیغ جراح؟

آذری جهرمی: آقای رئیس‌جمهور، خودتان پیشقدم شوید

در یکی از صریح‌ترین واکنش‌ها به تحولات اخیر دولت، محمدجواد آذری جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات، در یادداشتی تلگرامی از مسعود پزشکیان خواست تا بی‌تعارف، آغازگر اصلاحات در کابینه باشد. او نوشت: «پیشنهاد من به دکتر پزشکیان اینه: بدون رودربایستی، خودتون پیشقدم بشید برای اصلاح و ترمیم کابینه. شما جراح ماهر و دلسوز این ملتید، نه اونایی که تو مجلس فقط صداشون بلنده.»

آذری جهرمی، در تحلیل وضعیت دولت چهاردهم در هفت ماه نخست، از ترکیبی از فشارهای داخلی، ناترازی‌های مدیریتی و رقابت‌های سیاسی یاد کرد و تأکید داشت که رئیس‌جمهور در آغاز راه، در برابر فضای سنگین سیاسی و منطقه‌ای، چندان آماده نبوده است. با این حال، اکنون شرایط تغییر کرده است: «رئیس‌جمهور کم‌کم داره به معادلات سیاسی و اقتصادی کشور و منطقه مسلط می‌شه و شناخت بهتری هم از تیمش پیدا کرده.»

او در ادامه به فضای تقابلی مجلس نیز اشاره کرد: «جریان غالب تو مجلس، که انگار بیشتر دنبال رقابت سیاسیه، شمشیر اصلاح رو کشیده و می‌خواد با استیضاح وزرا، خودش رو قهرمان تغییر و ناجی مردم نشون بده.»

در پایان، آذری جهرمی این هشدار را به شکل پیشنهاد مطرح کرد: «آقای رئیس‌جمهور! به صلاح شماست که خودتون پرچم اصلاح و ارتقای اثربخشی و کارآمدی دولت رو بلند کنید.»

مذاکره نه هدف که ابزار است

مسئله هسته‌ای در مشت سیاست

در نشست «از فلسفه مطهری تا فلسفه مذاکرات» در دانشگاه شاهد که شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه برگزار شد، علی لاریجانی با نگاهی نقادانه به وضعیت پرونده هسته‌ای ایران، آن را نه موضوعی حقوقی که مسئله‌ای سراسر سیاسی توصیف کرد. به گفته او، «اگر حقوقی بود، آژانس نظر می‌داد. پس ذات حقوقی ندارد. ماهیت آن سیاسی است.»

او با تأکید بر اینکه مذاکره نه ارزش ذاتی دارد و نه تقبیح ذاتی، آن را تابعی از شرایط و منافع ملی دانست: «مذاکره یک ابزار است، یک مسئله هدفی نیست. وقتی فکر می‌کنید کشور از طریق مذاکره منافع را تأمین می‌کند، آنگاه مذاکره انجام می‌شود؛ وقتی منافع تأمین نمی‌شود، دلیلی برای مذاکره نیست.»

لاریجانی با اشاره به نگاه سلطه‌گرایانه قدرت‌های جهانی، گفت: «در دنیای امروز قلدرمابی وجود دارد. زور می‌گویند. ایران می‌گوید من دانش هسته‌ای نیاز دارم، چارچوب‌های NPT را پذیرفته‌ام و ضوابط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را رعایت می‌کنم. منتهی این‌ها زور می‌گویند.»

او همچنین افزود: «تحریم‌هایی که آمریکایی‌ها علیه ایران اعمال کردند فقط هسته‌ای نیست، طیف‌های مختلفی دارد.» از نگاه او، مذاکره فعلی نیز با اما و اگر همراه است: «شاید مذاکره‌ای که در حال انجام است به نتیجه برسد و شاید هم نرسد. بستگی دارد که چقدر انصاف در این مذاکرات و عقلانیت در اداره وضعیت جهانی وجود داشته باشد.»

لاریجانی در پایان، با اشاره به ریشه‌دار بودن ملت ایران گفت: «مردم ایران عمیق و متمدن بوده و زیر بار هر زورگویی نمی‌روند. این برای آنان قابل تحمل نیست.»

سراب گازی جدید

آیا آیین‌نامه جدید دولت، می‌تواند پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها را به سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی گاز مجاب کند؟

مهدی خاکی‌فیروز
دبیر گروه اقتصاد

پروژه‌های جدید پتروشیمی و فولاد، در حالی کلنگ می‌خورند و با تبلیغات رسانه‌ای به‌عنوان موتور محرک توسعه صنعتی کشور معرفی می‌شوند که هیچ تضمین واقعی و پایداری برای تأمین گاز مورد نیاز آنها وجود ندارد. این طرح‌ها عملا بر پایه «امید» به منابعی آغاز می‌شوند که یا هنوز در دل میادین توسعه‌نیافته خاک می‌خورند، یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، با سال‌ها تأخیر و سرمایه‌گذاری‌های پرریسک، ممکن است وارد مدار تولید شوند. این در حالی است که ایران چند سال است با ناترازی شدید گاز در فصول مختلف سال مواجه است؛ به‌گونه‌ای که حتی واحدهای قدیمی‌تر و باسابقه در صنایع انرژی‌بر کشور، تنها در هشت ماه از سال امکان فعالیت با ظرفیت واقعی را دارند و در ماه‌های اوج مصرف، به اجبار در حالت نیمه‌فعال یا تعطیل قرار می‌گیرند. در چنین فضایی، پرسش اساسی این است که این پروژه‌های جدید، دقیقا به امید کدام گاز کلنگ می‌خورند، مجوز می‌گیرند و سرمایه‌گذاری در آنها توجیه می‌شود؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال نه در منطق اقتصادی یا ظرفیت واقعی تأمین انرژی، بلکه در ترکیبی از ملاحظات سیاسی، فشارهای منطقه‌ای برای ایجاد اشتغال و امیدواری به آینده‌ای مبهم نهفته است. نتیجه آن، انباشتی از طرح‌های نیمه‌تمام، منابع قفل‌شده و سرمایه‌گذارانی است که روزبه‌روز چشم‌انتظار تأمین انرژی می‌مانند، بی‌آنکه بدانند اساسا این گاز وعده داده شده، قرار است از کجا و با چه مکانیزمی به آنها برسد.

آیین‌نامه‌ای خوب روی کاغذ، بی‌پشتوانه در عمل

با ابلاغ آیین‌نامه «توسعه و افزایش تولید میادین گازی با تخصیص گاز تولیدی به واحدهای صنعتی و پتروشیمی» از سوی معاون اول رئیس‌جمهور، بار دیگر امیدهایی برای حل بحران تامین گاز صنایع انرژی‌بر زنده شد. این آیین‌نامه وزارت نفت را موظف می‌کند تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی شرکت ملی نفت ایران و از طریق سازوکارهای رقابتی، توسعه میادین گازی را به سرمایه‌گذاران واگذار و گاز تولیدی را به پتروشیمی، صنایع و دیگر مصرف‌کنندگان بزرگ واگذار کند.

در نگاه نخست، این طرح به نظر منطقی می‌رسد. سال‌هاست صنایع بزرگ کشور درگیر بحران تامین پایدار گاز هستند و همزمان توسعه میادین گازی به دلیل کمبود منابع مالی متوقف مانده است. ایده این است که واحدهای صنعتی به جای آنکه صرفا مصرف‌کننده باشند، خود در توسعه منابع بالادستی مشارکت کنند اما این تصویر جذاب، در مواجهه با واقعیت‌های سخت صنعت گاز ایران، رنگ می‌بازد.

فناوری گمشده

اولین مشکل جدی در مسیر اجرای این آیین‌نامه، به توان فنی و دسترسی ایران به فناوری‌های بالادستی بازمی‌گردد. بخش زیادی از میادین گازی باقیمانده ایران یا در لایه‌های دشوار زمین‌شناسی قرار دارند یا بهره‌برداری از آنها نیازمند تکنولوژی‌های پیشرفته حفاری و توسعه است. تحریم‌ها و خروج شرکت‌های خارجی باعث شده که صنعت نفت ایران از فناوری‌های روز دنیا عقب بماند و به مرور دسترسی به همان تجهیزات پایه‌ای نیز برایش دشوار شود. البته تحریم‌ها باعث رشد شرکت‌های دانش‌بنیان در برخی از زمینه‌های عمدتا سرچاهی شده است ولی همچنان، توسعه میادین نفت و گاز به تکنولوژی وارداتی نیاز دارد. در چنین شرایطی، سپردن توسعه این میادین به شرکت‌های صنعتی مانند پتروشیمی‌ها و فولادسازان که اصولا برای چنین کاری طراحی نشده‌اند، عقلانی نیست و ریسک شکست پروژه‌ها را به‌شدت بالا می‌برد.

بازگشت مبهم سرمایه

از منظر اقتصادی نیز اجرای این سیاست با ابهامات جدی روبه‌روست. طبق آیین‌نامه، شرکت ملی نفت می‌تواند هزینه‌های سرمایه‌گذاری انجام‌شده توسط صنایع را از محل فروش گاز به آنها بازپرداخت کند اما با توجه به بی‌ثباتی‌های مزمن اقتصاد ایران، بازگشت سرمایه برای هیچ سرمایه‌گذاری روشن نیست. نرخ ارز، نرخ تورم، قیمت گاز، تعرفه‌ها و حتی سیاست‌های حمایتی دولت‌ها در طول زمان نوسان دارد و هیچ سازوکار تضمین‌شده‌ای برای حفاظت از سرمایه‌گذار در برابر این نوسانات دیده نشده است. نتیجه روشن است؛ حتی اگر شرکتی انگیزه ورود به این میدان را داشته باشد، در نهایت با حساب و کتاب دقیق، پا پس می‌کشد.

زیرساخت‌های فرسوده

مسئله زیرساخت نیز یکی دیگر از حلقه‌های مفقوده این زنجیره است. پالایشگاه‌های گاز کشور یا با ظرفیت کامل کار می‌کنند یا نیازمند نوسازی جدی هستند. شبکه انتقال گاز نیز سال‌هاست که از توسعه و بازسازی بازمانده است. در چنین وضعیتی، حتی اگر تولیدی اتفاق بیفتد، آیا می‌توان آن را به صنایع مصرف‌کننده رساند؟ آیین‌نامه پاسخ دقیقی به این پرسش نمی‌دهد و صرفا فرض را بر وجود ظرفیت مازاد گذاشته است؛ فرضی که با واقعیات میدانی تطابق ندارد.

غیبت ارزیابی محیط‌زیستی

از زاویه محیط زیست هم این آیین‌نامه کم‌مایه و شتاب‌زده است. بررسی زیست‌محیطی پروژه‌ها، طبق متن آیین‌نامه، باید ظرف یک ماه برای تصویب به شورای اقتصاد ارسال شود. این در حالی است که توسعه میادین گازی، آثار عمیق و بلندمدتی بر اکوسیستم منطقه، منابع آب، پوشش گیاهی و سلامت جوامع محلی دارد. تخصیص یک ماه برای بررسی چنین پروژه‌هایی بیشتر شبیه یک عبور اداری است تا ارزیابی واقعی محیط‌زیستی.

بدون شرایط اجرا

در مجموع، اگر بخواهیم صادقانه داوری کنیم، باید گفت ایده سپردن توسعه میادین گازی به صنایع مصرف‌کننده، در سطح مفهومی قابل دفاع است. اینکه یک کارخانه پتروشیمی برای تضمین خوراک بلندمدت خود، در توسعه یک میدان گازی سرمایه‌گذاری کند، منطقی است. اما این منطق در فضایی قابل اجراست که زیرساخت حقوقی و قراردادی، دسترسی به فناوری، ثبات اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری برقرار باشد. متاسفانه در فضای امروز ایران، هیچ‌کدام از این شرایط فراهم نیست. از همین رو، انتظار اینکه چنین آیین‌نامه‌ای به تحول در بخش گاز منجر شود، خوش‌بینانه و حتی ساده‌انگارانه است. این سیاست هم مانند ده‌ها سیاست دیگر، در بهترین حالت در اسناد و ویترین‌های دولتی باقی خواهد ماند. تا زمانی که ریشه‌های ساختاری چالش‌های صنعت گاز ایران حل نشود، تلاش برای دور زدن آنها از مسیرهای میانبر، تنها باعث اتلاف منابع، زمان و انرژی خواهد شد.

چرا اوراق کافی نیستند؟

اگر شرکت ملی نفت ایران یا مجموعه‌های مصرف‌کننده گاز بخواهند از طریق هر روش تامین مالی داخلی پروژه‌ها را اجرا کند:

- بازدهی سرمایه‌گذاری با ریسک نرخ بازگشت پایین مواجه است؛ زیرا گاز تولیدشده به قیمت یارانه‌ای به صنایع واگذار می‌شود.
- از سوی دیگر، بازار سرمایه ایران به‌دلیل عمق محدود و رقابت شدید با اوراق دولتی، توان جذب تأمین مالی پروژه‌های چند میلیارد دلاری گاز را ندارد.

در این نمودار، روند ناترازی گاز در ایران بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ نشان داده شده است. خط آبی مربوط به تولید گاز در کشور است که روند صعودی داشته اما در مقابل خط قرمز که تقاضای گاز را نشان می‌دهد، تفاوت فزاینده‌ای به‌ویژه از سال ۱۴۰۰ به بعد دیده می‌شود. این اختلاف شدید نشان‌دهنده ناترازی گاز در کشور است که به‌ویژه در فصول سرد سال با کمبود عرضه مواجه است. افزایش تقاضا برای گاز، به‌ویژه در صنایع بزرگ مانند پتروشیمی و فولاد و همچنین رشد مصرف خانگی، این شکاف را عمیق‌تر کرده است.

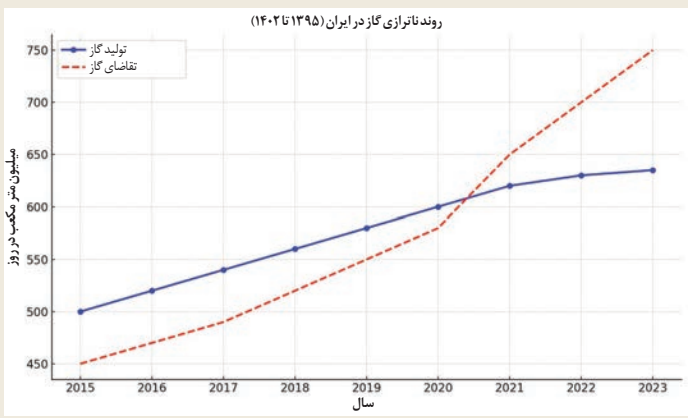

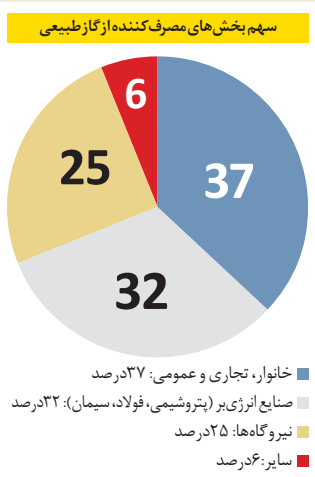

یادداشت

«مقررات‌زدایی»؛ نسخه نجات اقتصاد

بسیاری از کشورهای جهان با قوانین ساده‌تر، رشد اقتصادی سریع‌تری را تجربه کرده‌اند

مریم رضایی‌نایه
هفت صبح

مقررات زدایی یکی از پیش‌شرط‌های مهم بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش رقابت است که زمینه‌ای مناسب برای نوآوری و توسعه پایدار اقتصادی نیز فراهم می‌کند. کشورهایی که به این رویکرد توجه ویژه‌ای دارند، معمولا در جذب سرمایه و افزایش رفاه اقتصادی شهروندان خود موفق‌تر هستند. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که تغییرات مثبت در حوزه مقررات، تأثیر عمیقی بر رشد اقتصادی و توسعه کشورها دارد.

مقررات زدایی به‌عنوان یک استراتژی کلیدی در توسعه اقتصادی کشورها، نقش بسزایی در تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری ایفا می‌کند. در دنیای امروز، کشورهایی که به حذف یا کاهش مقررات دست و پاگیر پرداخته‌اند، به موفقیت‌های اقتصادی قابل توجهی دست یافته‌اند. این اقدام به کسب‌وکارها امکان می‌دهد که با سهولت بیشتری فعالیت کنند و موجب افزایش رقابت و نوآوری در بازار می‌شود.

به‌عنوان مثال، هنگ‌کنگ به عنوان یکی از نمونه‌های موفق در زمینه مقررات زدایی، با کاهش شدید بار مالی و اداری برای کسب‌وکارها، به یکی از مراکز مهم مالی و تجاری جهان تبدیل شده‌است. این کشور با ارائه قوانین ساده و شفاف، فضای کسب‌وکار را برای کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بسیار جذاب کرده است. همچنین سنگاپور نیز با اجرای سیاست‌های مقررات زدایی، به عنوان یکی از بهترین مقاصد برای سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی کسب‌وکار در جهان شناخته می‌شود. این کشور با کاهش موانع اداری و بهبود زیرساخت‌ها، رشد اقتصادی پایدار و مستمری را تجربه می‌کند.

در حوزه اروپا، کشورهایی مانند دانمارک و سوئد نیز به کاهش مقررات و تسهیل شرایط برای کسب‌وکارها پرداخته‌اند. این کشورها با ارائه تسهیلات مالی و کاهش مراحل اداری، به کارآفرینان این امکان را داده‌اند که با سرعت بیشتری به راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای خود بپردازند. نتایج این سیاست‌ها، به‌وضوح در افزایش نرخ اشتغال و رشد اقتصادی مشهود است.

مقررات زدایی، نرخ صادرات و جذب سرمایه‌های خارجی را نیز افزایش می‌دهد. وقتی که یک کشور به راحتی و با هزینه کمتر به تولید و صادرات می‌پردازد، جایگاه بهتری را در بازارهای بین‌المللی کسب می‌کند. به‌عنوان نمونه، نیوزیلند با اصلاحات عمده در قوانین مربوط به تجارت و کشاورزی، سهم خود را در بازارهای جهانی افزایش داده و به یکی از صادرکنندگان بزرگ محصولات کشاورزی تبدیل شده‌است.

ادامه روند مقررات زدایی و بهبود فضای کسب‌وکار، دستاوردهایی همچون کاهش فساد و افزایش شفافیت را به دنبال دارد. وقتی که قوانین و مقررات به‌صورت شفاف و ساده تدوین شوند، فرصت‌های سوءاستفاده کاهش یافته و اعتماد عمومی به نهادهای دولتی افزایش می‌یابد. به‌عنوان مثال، گرجستان در سال‌های اخیر با انجام اصلاحات اساسی در نظام اداری و کاهش سطح پیچیدگی مقررات، موفق به کاهش فساد و بهبود رتبه این کشور در شاخص‌های بین‌المللی شده‌است. این کشور با ایجاد یک محیط کسب‌وکار شفاف و عاری از فساد، توجه سرمایه‌گذاران خارجی را به خود جلب کرده و از این طریق، رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کرد. مقررات زدایی زیرساخت‌های فنی و نوآوری‌های تکنولوژیک را بهبود می‌بخشد. وقتی که بار مالی خنثی‌سازی مقررات اضافی و دست‌وپاگیر کاهش یابد، شرکت‌ها منابع بیشتری را به تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهند و در نتیجه، محصولات و خدمات نوآورانه‌تری را به بازار عرضه می‌کنند. به‌عنوان مثال، ایالات متحده به دلیل محیط نسبتا آزاد و عدم موانع جدی در زمینه نوآوری، به یکی از پیشگامان تکنولوژی در سطح جهانی تبدیل شده است. شرکت‌های بزرگ فناوری مانند اپل، گوگل و آمازون با ایجاد نوآوری‌های جدید، به راحتی بازارهای جهانی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

اهمیت مقررات زدایی در توسعه اقتصادی کشورها را نمی‌توان نادیده گرفت. کشورهایی که به این امر توجه کرده و از تجربیات موفق دیگر کشورها بهره‌برداری کنند، مسیرهای سریع‌تری را به سوی رشد اقتصادی پایدار و رفاه عمومی طی می‌کنند. بنابراین، به دولت‌ها توصیه می‌شود به‌منظور تسهیل فرآیندهای اقتصادی و افزایش شفافیت، به اصلاح مقررات و قوانین اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

طنز

داستانی از منوچهرخان و خرید ساعت جادویی

بهنام امینی | منوچهرخان، قهرمان نام‌آور دنیای خرید اینترنتی در ایران، مردی بود که در هر خرید اینترنتی خود، داستانی تازه می‌آفرید. گویا قانون نانوشته‌ای وجود داشت که خرید اینترنتی برای منوچهرخان همیشه با سفر به یک سرزمین عجیب و غریب همراه باشد. در این سرزمین، ساعت‌های مچی به اجناس معلق در هوا تبدیل می‌شدند و حتی کالای پستی هم روح خود را به جای دیگری می‌برد!

منوچهرخان و ساعت جادویی

منوچهرخان این‌بار تصمیم گرفت که در دنیای پر زرق و برق خرید اینترنتی یک ساعت مچی شیک و باکلاس از سایت «همه چیز بخر» خریداری کند. سایت پر از تبلیغات با نوشته‌های رنگی و جذاب بود: «ساعت‌هایی که زمان را هم مغلوب می‌کنند!» و منوچهرخان با خود گفت: «چه بهتر! من هم که قهرمان زمان‌گرا هستم!» پس کلیک کرد و ساعت مورد نظر را به سبد خرید اضافه کرد. این ساعت به نام «اکسپرس‌تایم» شهرت داشت، اما هیچ‌کس نمی‌دانست که این ساعت واقعاً به سرعت سفر می‌کند یا نه! منوچهرخان با افتخار سفارش را تایید کرد و پول را پرداخت. اما آنچه در انتظارش بود، چیزی بود که انگار از سیاره‌ای دیگر آمده بود! چند روز بعد، بسته به در منزل منوچهرخان رسید. او با دست‌های لرزان جعبه را باز کرد و در کمال ناباوری، به جای ساعت شیک «اکسپرس‌تایم»، یک ساعت پلاستیکی رنگ‌ورو رفته به نام «هاگوش» دریافت کَرد. این ساعت هیچ شباهتی به ساعت‌های شیک نداشت، بلکه به دلیل شباهت زیاد به یک گلابی گندیده، حتی منوچهرخان را دچار سردرگمی کرد که آیا باید از آن به عنوان ساعت استفاده کند یا به عنوان توپ بازی در پارک!

ماجرای بازگشت کالا و تلاش‌های نجات‌بخش

منوچهرخان که به شدت از این اشتباه خرید اینترنتی دلخور شده بود، تصمیم گرفت تا از طریق پشتیبانی سایت، وضعیت این ساعت را پیگیری کند. شماره پشتیبانی را گرفت و در حالی که به دیوار نگاه می‌کرد و سعی داشت آرامش خود را حفظ کند، شروع به صحبت کرد. «سلام، بله، من ساعت «اکسپرس‌تایم» سفارش دادم، اما ساعت «هاگوش» به دستم رسیده است. آیا این یک شوخی است؟»

پشتیبانی پاسخ داد: «سلام، بله، ممکن است که این ساعت یک مدل جدید باشد! شاید شما هنوز به «هاگوش» علاقه‌مند نشده‌اید و با کمی تمرین و ممارست، مسئله حل شود.» منوچهرخان از شدت عصبانیت با خود فکر کرد که شاید ساعت‌های «هاگوش» در یک دنیای موازی، نماد زمان‌اند و خود زمان در آنجا به دست خودش گوی سبقت را از همه ربوده است!

پشتیبانی ادامه داد: «لطفاً منتظر باشید. ساعت شما در حال برگشت است، ولی لازم است بدانید که بازگشت کالا به دلیل مسائل جغرافیایی چند هفته طول می‌کشد!» منوچهرخان که دیگر دچار بحران فکری شده بود، آهی کشید و گفت: «خب، شاید این کالاها واقعا از جای دیگری آمده‌اند. شاید از یک بعد دیگر زمان یا از سیاره‌ای که در آن، ساعت‌ها اصلاً نیازی به دقت ندارند!»

طلا و ارز

بازگشت حباب سیاسی به بازار طلا

ابهام در تداوم مذاکرات، بازار طلا را به روند افزایشی بازگرداند

اعظم پویان
روزنامه نگار

در روزهایی که فضای سیاسی کشور بار دیگر در هاله‌ای از ابهام فرو رفته و مذاکرات کلیدی در حوزه سیاست خارجی با کندی یا توقف مواجه شده، بازارهای مالی کشور، به شکل متفاوتی واکنش نشان داده‌اند. شاخص کل بورس تهران با کاهش ۱.۹۸ درصدی به ۳.۱۱۶.۸۰۷ واحد عقب‌نشینی کرد و از سطح حمایتی خود فاصله گرفت. در همین حال، بازار جهانی طلا نیز تقریبا بدون تغییر یا با کاهش بسیار اندکی در محدوده ۳۲۴۰.۸۸ دلار برای هر اونس باقی ماند.

با وجود افت در هر دو بازار بورس و انس جهانی طلا، بازار داخلی طلا روندی خلاف جهت در پیش گرفت. بهای هر مثقال طلا با جهشی ۵.۴۹ درصدی به ۲۹۳.۶۱۰.۰۰۰ ریال رسید که این افزایش، در نبود محرک‌های بنیادی، نشان‌دهنده ورود یک عامل روانی یا سیاسی به معادله قیمت‌گذاری است.

حباب سیاسی چگونه شکل گرفت؟

بازار طلا در ایران، همواره آینه‌ای از انتظارات تورمی، سیاسی و ارزی بوده است. در شرایطی که سیگنال‌های سیاسی مبهم یا منفی می‌شوند -چه در قالب اظهارات ضدونقیض درباره مذاکرات، چه در قالب تنش‌های منطقه‌ای- بازارها به سرعت واکنش نشان می‌دهند. جهش قیمت طلا در داخل، به‌رغم افت انس جهانی، نشان‌دهنده بازگشت حباب سیاسی به بازار است؛ حالتی که طی آن، قیمت‌ها از مسیر عوامل اقتصادی خارج شده و با ترس یا گمانه‌زنی‌های سیاسی بالا می‌روند.

سرمایه‌گریزی از بورس، پناه به طلا

روند کاهشی شاخص بورس تهران نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. در روزهایی که بازار نیازمند حمایت روانی و اعتماد به سیاست‌گذاران است، نبود چشم‌انداز روشن از توافقات خارجی یا چشم‌انداز اقتصادی، به فرار سرمایه از دارایی‌های ریسک‌پذیر به سمت دارایی‌های امن می‌انجامد. در این میان، طلا مهم‌ترین گزینه سرمایه‌گذاران برای حفظ ارزش دارایی در برابر تورم و تلاطم‌های سیاسی است.

جهش بدون پشتوانه، هشدار برای سیاست‌گذار افزایش شدید قیمت طلا در بازار داخلی، در شرایطی که بورس و انس جهانی هر دو افت کرده‌اند، نشان‌دهنده واکنش غریزی بازار به نااطمینانی سیاسی است. این وضعیت در صورت تداوم، به شکل‌گیری حباب‌های قیمتی و بی‌ثباتی‌های اقتصادی گسترده‌تر منجر می‌شود. اگرچه طلا برای بسیاری نقش پناهگاه امن را دارد، اما پناه بردن به آن از سر ترس، به‌جای تحلیل، نشانه‌ای از بحران اعتماد به چشم‌انداز سیاست‌گذاری در کشور به شمار می‌آید.

رشد پرسرعت صندوق‌های طلا

در کنار افزایش قیمت طلا در بازار فیزیکی، رشد قابل توجهی نیز در صندوق‌های مبتنی بر طلا مشاهده شد؛ رشدی که حتی از بازار واقعی نیز فراتر رفت و خود را به‌عنوان یک سیگنال مهم در فضای انتظاری این روزها نشان داد. صندوق طلای مفید با بیش از ۷ درصد رشد روزانه به قیمت ۱۸۷.۴۵۰ ریال رسید و در مقاطعی تا ۱۸۷.۸۶۰ ریال نیز معامله شد. صندوق طلای لوتوس نیز رشد ۶.۵ درصدی را ثبت کرد و به محدوده ۴۸۶.۶۰۰ ریال رسید. طلای مثقال با رشد ۷.۳۹ درصدی به قیمت ۵۵.۲۵۵ ریال و صندوق طلای گوهر نیز با رشد ۵.۹۳ درصدی به ۳۳۰.۶۴۳ ریال رسید.

این افزایش‌ها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاران نسبت به ادامه‌دار بودن روند صعودی طلا خوش‌بین هستند و رشد بیش از بازار نقدی، در واقع نوعی پیش‌خور کردن این انتظارات در بازار صندوق‌هاست. استقبال از این ابزارها حاکی از آن است که تقاضا برای طلا همچنان در حال تقویت است و فعالان بازار با وجود نبود تحول در قیمت جهانی انس، چشم‌انداز داخلی را تورمی و نااطمینان تلقی می‌کنند. رشد صندوق‌ها، برخلاف نوسان حدود صفر درصدی انس جهانی، نشان‌دهنده فشار روانی ناشی از تحولات سیاسی و ارزی داخل کشور است. بر همین اساس، می‌توان انتظار داشت که در صورت تداوم این فضای مبهم، جریان ورود نقدینگی به صندوق‌های طلا نیز ادامه یابد و به‌تبع آن، قیمت‌ها در بازار آزاد همچنان به روند افزایشی خود ادامه دهند.

آبشده نقدی	۲۹۳.۷۴۰.۰۰۰	۱۵.۲۹۰.۰۰۰ (٪۵.۴۹)
سکه بهار آزادی	۷۰۷.۲۰۰.۰۰۰	۳۱.۱۰۰.۰۰۰ (٪۴.۶)
دلار	۸۵۹.۸۵۰	۴۰.۴۰۰ (٪۴.۹۳)
مثقال طلا	۲۹۳.۷۲۰.۰۰۰	۱۵.۴۰۰.۰۰۰ (٪۵.۵۳)
گرم طلا ۱۸	۶۷.۵۲۸.۰۰۰	۳.۳۵۴.۰۰۰ (٪۵.۲۳)

داستان شگفت‌انگیز آبرنگ نایاب ونگوگ
که از تهران به مارینا پیکاسو، نوه پیکاسو رسید

زنی در جنگل پرده‌ای از تاریخ

● اثر ونگوگ پس از دهه‌ها خاموشی در نیویورک زیر نور درخشان حراج ساتبیز با قیمتی چندصدهزار دلاری آماده فروش است

بازدیدکنندگان از تابلوی «بر دروازه ابدیت» اثر ونسان ونگوگ دیدن می‌کنند

عسل آذرپور
دبیر فرهنگ وهنر

گاهی گنجینه‌ای در سکوت سال‌ها خاک می‌خورد، بی آنکه کسی بداند چه رازی در دلش نهفته است. داستان تابلوی آبرنگی نایاب از وینسنت ونگوگ نیز از همین جنس است. تابلویی کوچک و پررمزوراز که از تهران بی‌هیاهو به دست زنی رسید که خودش سایه‌نشین یکی از بزرگ‌ترین نام‌های تاریخ هنر بود. «مارینا پیکاسو» نوه نقاش افسانه‌ای، پابلو پیکاسو. این اثر هرگز در هیچ نمایشگاهی به نمایش درنیامد. در هیچ فهرست معتبری ثبت نشد و چشم هیچ هنرشناسی به آن نیافتاد. حالا پس از دهه‌ها خاموشی در نیویورک، زیر نور درخشان حراج ساتبیز با قیمتی چندصدهزار دلاری آماده فروش است. این اثر فارغ از اثر هنری و ارزش مادی، راوی قصه‌ای پنهان است. تابلوی «زنی در جنگل» نه فقط یکی از گم‌شده‌های ونگوگ بلکه نشانی است از تلاقی عجیب تهران، پیکاسو، ونگوگ و نیویورک. روزی از روزهای سال ۱۳۶۷، فروشنده‌ای در تهران این تابلو را به خریداری سوئیسی فروخت تا این آبرنگ از شهر لاهه زیستگاه ونگوگ به تهران و از تهران به دست نوه پیکاسو و حالا به قلب بازار هنر جهان برسد و از یکی از غریب‌ترین فصل‌های تاریخ هنر پرده بردارد.

حراج نیویورک با آبرنگ گمشده ونگوگ

این داستان فقط درباره ونگوگ نیست. بلکه از تهران و پیوندی عجیب میان او و خاندان پیکاسو سخن می‌گوید. چند روز پیش خبری در محافل هنری پیچید. مارینا نوه پابلو پیکاسو، صاحب یکی از آثار ونگوگ است و قصد دارد آن را در حراجی ساتبیز نیویورک که ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ برگزار می‌شود، به فروش برساند.

این اثر، آبرنگی به نام «زنی در جنگل»، زنی با شال را نشان می‌دهد که در بیشه‌زاری نزدیک لاهه شهری که ونگوگ نزدیک به دو سال در آن می‌زیست، قدم می‌زند. ارزش این اثر بین ششصد تا هشتصد هزار دلار برآورد شده است. اما این فقط یک روی سکه است. پشت این آبرنگ، طرحی ناتمام از قایقی ماهیگیری روی ساحل شِوِنینگن، شهری ساحلی نزدیک لاهه دیده می‌شود. این اثر با عنوان «قایق روی ساحل» چنان گمنام بود که در هیچ یک از فهرست‌های جامع آثار ونگوگ ثبت نشده بود.

میراث‌دار خاندان پیکاسو

مارینا که داستان زندگی‌اش به‌اندازه این اثر پررمز و راز است؛ دختر پائولو پسر پیکاسو و حاصل ازدواج او با اولگا خوخلوا، بالرین روس است. پیکاسو سال ۱۳۵۲ شمسی وقتی مارینا ۲۲ ساله بود درگذشت. مارینا گرچه زیر سایه عظیم پیکاسو بزرگ شد، اما مرگ پیکاسو نقطه عطفی در زندگی او ایجاد کرد. دعوای حقوقی طولانی بر سر میراث عظیم پیکاسو، شامل ده هزار اثر هنری، او را از فقر نسبی به ثروتی بی‌حد و حصر رساند. این ثروت، او را به سوی مجموعه‌داری کشاند.

مارینا نوه پابلو پیکاسو، قصد دارد یکی از آثار ونگوگ را در حراجی ساتبیز نیویورک ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، به فروش برساند

از تهران تا نیویورک؛ ونگوگ در مجموعه پیکاسو

سال ۱۳۶۶ شمسی (۱۹۸۷ میلادی)، مارینا از طریق دوستی سوئیسی به نام یان کروگیر، این آبرنگ ونگوگ را از یک مجموعه‌دار تهرانی خرید. تهران در آن سال‌ها، شهری بود با زخم‌هایی که هنوز از جنگ بر تنش مانده بود. در همین تهران زخمی اما بازار هنر، گرچه پنهان اما صاحب گنجینه‌های بسیاری بود. این که چگونه این تابلو از لاهه به تهران رسید، رازی است که شاید هرگز نتوان کشف‌اش کرد. این آبرنگ سال‌ها در مجموعه‌ای خصوصی در تهران و در سکوت خفته بود تا روزی به دست مارینا برسد.

مارینا در زندگی‌نامه‌اش «پیکاسو: پدربزرگ من» از ثروت تازه یافته‌اش می‌نویسد: «ابتدا غرق لذت‌های مادی شدم. اما بعد توانستم به کودکان محروم در آن سوی دنیا کمک کنم. حالا پول برایم ابزاری بود که آزادی می‌آورد.» شاید یکی از همین لذت‌های مادی بود گذر او را به مجموعه‌داری در تهران انداخت تا نقاشی آبرنگ ونگوگ را بخرد. او بعدها بخش بزرگی از ثروتش را صرف حمایت از یتیم‌خانه‌های ویتنام کرد و سه کودک ویتنامی را به فرزندی پذیرفت و به فرانسه برد.

سکوتی طولانی از بومی که زنان را تسلیم می‌کرد

کشف این تابلو فقط یک اثر گمشده را به دنیای هنر بازنگرداند، بلکه داستان زندگی مارینا را نیز در کانون توجه قرار داده است. او که سال‌ها در سایه نام پیکاسو زیست، حالا با این آبرنگ ونگوگ، نامی برای خود در تاریخ هنر رقم زده است. رابطه مارینا با پیکاسو پیچیده بود. او بیش از هر چیز از رفتار پیکاسو با زنان زندگی‌اش به ویژه مادربزرگش آزرده بود. او در کتابش می‌نویسد پیکاسو «زنان را تسلیم غریزه حیوانی‌اش می‌کرد. رام‌شان می‌کرد. مسحورشان می‌کرد. آنها را در خود فرو می‌برد و روی بوم نقاشی خردشان می‌کرد.» این زخم‌های روانی، که ریشه‌هایی کهن داشتند او را سال‌ها به اتاق‌های روان‌درمانی کشاند. شاید به همین دلیل بود که مارینا در تمام این سال‌ها هرگز از اثر ونگوگ سخنی نگفت. تا همین چند روز پیش، کسی نمی‌دانست این آبرنگ در اختیار اوست. این اثر که احتمالا در روزهای نخست ثروتش به عنوان یک «لذت زودگذر» خریداری شده، شاید برای او نمادی از رویایی بود که روزگاری دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید.

ونگوگ پنهان در گنجینه‌های موزه دولتی و خصوصی

داستان آبرنگ «زنی در جنگل» تنها نمونه‌ای از حضور آثار ونگوگ در ایران نیست. ایران با تاریخ غنی فرهنگی و علاقه دیرینه به هنر در دهه‌های گذشته میزبان گنجینه‌هایی از هنر غرب بوده است. یکی از برجسته‌ترین آثار ونگوگ در ایران، نسخه چاپ سنگی «نشسته بر دروازه ابدیت» (۱۸۸۲) است که در موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شود. این اثر که با امضای «ونسان» و عنوان «بر دروازه ابدیت» با جوهر مشکی مشخص شده، یکی از کارهای اولیه ونگوگ در لاهه است و پیش‌درآمدی بر نقاشی رنگ‌روغن مشهور او در سال ۱۲۶۹ شمسی (۱۸۹۰ میلادی) محسوب می‌شود.

نسخه چاپ سنگی این اثر، که در موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شود به دلیل امضای دست‌نوشت ونگوگ و عنوانی که خود او با جوهر نگاشته ارزشی استثنایی دارد. این تابلو که در دهه ۱۳۵۰ شمسی به مجموعه موزه اضافه شد، در نمایشگاه «چشم در چشم» (آبان ۱۴۰۳) در موزه هنرهای معاصر تهران بار دیگر به نمایش درآمد.

علاوه بر این اثر، گمانه‌هایی درباره حضور آثار دیگر ونگوگ در مجموعه‌های خصوصی ایران وجود دارد. در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی، بازار هنر ایران به ویژه در تهران شاهد تبادل آثار ارزشمندی بود. مجموعه‌داران خصوصی که اغلب در سکوت فعالیت می‌کردند، آثاری مطرح یا کمتر شناخته شده را خریداری کرده‌اند. از همین رو برخی کارشناسان معتقدند که شاید آثار دیگری از ونگوگ، همچنان در مجموعه‌های خصوصی ایران پنهان باشند.

موزه هنرهای معاصر تهران، پلی میان هنر شرق و غرب

موزه هنرهای معاصر تهران، غنی‌ترین مجموعه‌های هنر مدرن خارج از اروپا و آمریکای شمالی را در خود جای داده است. این موزه با بیش از سه هزار اثر شامل شاهکارهایی از ونگوگ، پیکاسو، گوگن، و... پلی میان شرق و غرب در دنیای هنر است.

سال ۱۳۶۶ شمسی (۱۹۸۷ میلادی)، مارینا از طریق دوستی سوئیسی به نام یان کروگیر، این آبرنگ ونگوگ را از یک مجموعه‌دار تهرانی خرید. این که چگونه این تابلو از لاهه به تهران رسید، رازی است که شاید هرگز نتوان کشف‌اش کرد. این آبرنگ سال‌ها در مجموعه‌ای خصوصی در تهران و در سکوت خفته بود تا روزی به دست مارینا برسد

رونمایی از دیوارنگاره‌ای
با تصویر محمدرضا لطفی در میدان فاطمی

هنرمندان سوژه دیوارنگاره‌ها

گروه فرهنگ و هنر | جمعه ۱۲ اردیبهشت‌ماه دیوارنگاره‌ای در میدان فاطمی قرار گرفت که مثل همیشه واکنش‌برانگیز شد. واکنش‌ها به این دیوارنگاره برخلاف گذشته نه سیاسی که از سر تعجب بود. دیوار شرقی ساختمان مرکزی ساختمان صندوق بازنشستگی کشور، محل نصب دیوارنگاره‌های سازمان فرهنگی و هنری اوج است. گرچه این دیوار همواره در حاشیه جنجال‌های دیوارنگاره‌های میدان ولیعصر قرار می‌گیرد، اما این‌بار توجه زیادی جلب کرد. روز جمعه تصویری از استاد محمدرضا لطفی روی دیوار میدان فاطمی قرار گرفت. درحالی که استاد لطفی در میانه نشسته است، چهار تصویر که نماینده شاعران بزرگ تاریخ ادبیات ایران هستند پشت سر او و هوشنگ ابتهاج و شهریار در کنار او دیده می‌شوند. انتخاب تصویر محمدرضا لطفی دلیلی شد تا گفت‌وگویی با رضا خان‌احمدی، مسئول خانه طراحان انقلاب اسلامی داشته باشیم. خانه طراحان انقلاب اسلامی، زیرمجموعه سازمان فرهنگی و هنری اوج ایده و اجرای دیوارنگاره‌ها را عهده‌دار است.

» چرا محمدرضا لطفی برای دیوارنگاره میدان فاطمی انتخاب شد؟

سالگرد درگذشت محمدرضا لطفی در تقویم، را بهانه‌ای قرار دادیم تا یادی از این استاد بزرگ موسیقی ایران کنیم. این تصمیم سال گذشته گرفته شد. ایده اولیه چنین بود که سراغ اساتید هنری کشور برویم و به بهانه مختلف به آنان بپردازیم. این طرح نویی بود که تاکنون به اجرا درنیامده بود. سال گذشته ایده کلی مطرح شد. جلسات ایده‌پردازی برای انتخاب اولین تصویر که استاد محمدرضا لطفی باشد و جلسات مشورتی برای سایر کاراکترهای کنار ایشان، برگزار شد تا نهایتا به این اثر رسیدیم.

در تمام سال‌هایی که دیوارنگاره‌های سازمان اوج به بخشی از تبلیغات شهری اضافه شده‌اند، مفاهیم و برداشت‌های متعدد از تصاویر اتفاق است. فارغ از جایگاه محمدرضا لطفی در موسیقی ایران دارد، چطور ایشان اولین انتخاب شدند؟

استاد لطفی هم در مسیر هنری و موسیقایی و هم نسبت به همکاران و هم‌دوره‌هایش، برجسته و بی‌حاشیه بود. در مورد هر کدام از اساتید نکته‌ای وجود داشت که کمی ماجرا را برایمان سخت می‌کرد، اما در مورد محمدرضا لطفی نکته بسیار کمتر وجود داشت. ضمن اینکه در میان تمام موسیقیدانان اجماعی وجود دارد که ایشان را استاد مسلم می‌دانند.

» این بدین معناست که شما در خصوص انتخاب تصویر محمدرضا لطفی نظرسنجی یا جستجویی برای رسیدن به این اجماع انجام داده‌اید؟

نه، نظرسنجی‌ای نداشتیم. درواقع از زمانی که دغدغه استفاده از تصاویر هنرمندان برجسته و مطرح فرهنگی بر دیوارنگاره میدان فاطمی برایمان ایجاد شد؛ برای نخستین ایده سراغ روز آواها و نواها در تقویم رفتیم. در نظر داشتیم شخصیت‌های مشهور این حوزه را در کنار هم ببینیم. ایده اولیه این طرح باید هم از لحاظ رسانه‌ای اثرگذار می‌بود و هم در میان جماعت هنری با مقبولیت مواجه می‌شد. وقتی به زمانبندی روز آواها و نواها نرسیدیم، به یک کاراکتر فکر کردیم، درخصوص آقای لطفی به عنوان نخستین شخصیت هنری اجماع نظر وجود داشت.

» کاراکترهایی که در کنار محمدرضا لطفی قرار گرفتند برچه اساسی انتخاب شدند؟

محمدرضا لطفی آهنگساز آثاری بود که اشعار شاعران بزرگ بر موسیقی او خوانده می‌شد. به همین خاطر چهار شاعر بزرگ تاریخ ایران، حافظ، سعدی، مولانا و فردوسی و شاعر معاصر هوشنگ ابتهاج و شهریار که با ایشان دوستی داشتند در کنار تصویر کار شد. مصرع استفاده شده در تصویر نیز از غزلی انتخاب شد که هوشنگ ابتهاج در وصف جناب لطفی گفته است.

» شما از ایده‌پردازی در اتاق فکر گفتید درحالی که در خبر نام ایده‌پرداز و طراح وجود داشت، نقش ایشان چیست؟

مصطفی کفایی مسئول استودیو گرافیک هستند. ایشان در جلسات اتاق فکر و تصمیم‌گیری‌ها حضور داشتند. مقصود از ایده‌پرداز، مسئولیت کنار هم قرار دادن ایده‌ها و اجرای آن است.

» مجموعه ایده‌هایی که بر دیوارنگاره‌های میدان ولیعصر و میدان فاطمی قرار می‌گیرد، حاصل اندیشه و تفکر اتاق فکر خانه طراحان انقلاب اسلامی است یا از ایده‌های خارج از مجموعه هم استقبال و استفاده می‌کنید؟

به تناسب تعدد تولیداتی که انجام می‌دهیم با افراد خارج از مجموعه هم به صورت برون‌سپاری همکاری می‌کنیم. مثلا در همین دیوارنگاره، آیلار قاسمی که کار تصویرسازی را انجام داده، عضو مجموعه نیست.

» تصویر محمدرضا لطفی سرآغاز استفاده از تصاویر هنرمندان است؟

بله به احتمال زیاد. با ایده‌ای که اشاره کردم، سراغ شخصیت‌هایی که به عنوان قهرمانان ملی ما شناخته می‌شوند خواهیم رفت. یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگی، موسیقی ملی است پس از چهره‌های هنری این عرصه بر دیوارنگاره استفاده خواهیم کرد.

» برای استفاده از چهره هنرمندان از افراد در قید حیات، یا وراث کسانی که از دنیا رفته‌اند، کسب اجازه می‌کنید؟

در تبلیغات شهری ملاحظاتی وجود دارد. هم اجازه از افرادی که از تصویرشان استفاده می‌شود و هم به تناسب ملاحظات، باید اجازه از مراجع مرتبط کسب شود. البته باید تأکید کنم که کار ما فرهنگی است و استفاده تجاری از چهره افراد انجام نمی‌شود؛ اما اجازه از شخص یا وراث بخشی از کار ماست. برای تصویر آقای لطفی هم تلاش کردیم که هماهنگی‌هایی داشته باشیم اما کسی را پیدا نکردیم.

» در شرایطی که بعد از رونمایی از دیوارنگاره شخص یا وراث نسبت به استفاده از تصاویر معترض باشند، تصویر از روی دیوار برداشته می‌شود؟

تجربه این اتفاق در دیوارنگاره ولیعصر وجود داشته است. واکنش به این اعتراض بستگی به دلیل آن دارد. معمولا مخالفت‌ها به دلایل مسائل سیاسی اتفاق می‌افتد. همان‌طور که پیش‌تر اتفاق افتاده و شخصی که از تصویرش بر دیوارنگاره استفاده شده، به تناسب سوگیری‌های سیاسی آن برهه زمانی مشخص نسبت به این استفاده مخالفت کرده است. بعضا هم شنیده شده که برخی از آنان به صورت قانونی اقدام کرده‌اند، اما با توجه به اینکه ما استفاده تجاری از تصاویر نمی‌کنیم، قانون امکان مخالفت یا حذف دیوارنگاره را به شخص معترض نمی‌دهد.

» پس حتی در شرایط اعتراض شخص به استفاده از تصویر، به دلیل عدم‌استفاده تجاری دیوارنگاره تغییر نمی‌کند؟

این افراد قهرمانان ملی هستند. تصاویرشان به صورت رایج در صدا و سیما و سایر رسانه‌ها استفاده می‌شود. نوع استفاده ما از تصاویر آنان نیز شبیه همین رسانه‌هاست. همان‌طور که برای پخش تصاویر افراد مشهور در صداوسیما اجازه‌ای گرفته نمی‌شود، ما نیز نیاز به اجازه‌ای نداریم.

به بهانه برگزاری نمایشگاه کتاب در میانه یأس و امید

قیام فرهنگی جهانی به رویدادی اقتصادی تبدیل شد

بسیاری از ناشران و کتاب‌فروشان با برگزاری نمایشگاه کتاب به این شکل موافق نیستند

مهسا کلانکی
هفت صبح

چهار روز دیگر نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران سی‌وششمین دوره را برگزار می‌کند. یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور که به همان اندازه که بوی خوش بهار را می‌توان اردیبهشت استشمام کرد، بوی خوش کتاب هم می‌رسد. بسیاری از مردم ماه‌ها برای دورهمی کتاب‌دوستی در نمایشگاه کتاب تهران انتظار می‌کشند. با این همه سال‌هاست که معادلات پیچیده، کتاب‌نخوانی یا کم‌خوانی جماعت ایرانی را بر هم زده است. همین نمایشگاه کتاب بارها بهانه خوبی شـــده که ما را دور هم جمع کند. با وجود نکات مثبتی که نمایشگاه کتاب دارد، بسیاری از ناشران نمایشگاه کتاب را آسیب بزرگی برای نشر می‌دانند و اعتقاد دارند ناشران ضعیف و گمنام در نمایشگاه کتاب آسیب‌های بسیاری می‌بینند.

مجید غلامی جلیسه که از مدیران فرهنگی، مدیرعامل اسبق خانه کتاب و ادبیات ایران که هم‌اکنون دســـتی در انتشار کتاب، به ویژه چاپ سنگی دارد، از جمله افرادی است که سال‌ها با برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب مخالفت کرده است. وی معتقد به (نه ـ به ـ نمایشگاه ـ کتاب)؛ «صحبت درباره چرایی تحریم نمایشـــگاه فروشگاهی کتاب تهران فراوان است، اما اگر بخواهم به اهم این دلایل، تیتروار بپردازم می‌توان این شش دلیل را ذکر کنم.»

» دلیل اول: برگزاری نمایشگاه وظیفه اصناف است نه دولت!

بگذاریـــد تکلیـــف را در همیـــن ابتدای صحبت روشـــن کنم. برگزاری نمایشگاه کتاب در بســـیاری از کشورهای توسعه‌یافته، یا رو به رشـــد و حتی کشورهای جهان سوم برعهده بخش خصوصی است. یعنی انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و شـــرکت‌های تعاونی کتاب، خود را ملزم می‌دانند که در راستای امور صنفی خود به برگزاری نمایشگاه اقدام نمایند. در ایران به جز کتاب در بسیاری از رسته‌ها چون خشکبار، فرش، مبل، صنعت ســـاختمان، موبایل و... این اصناف هستند که متولی برگزاری نمایشگاه هستند. در حالی که در کشور ما از همان سال ۱۳۶۶ که اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد، متولی و برگزارکننده دولت و وزارت ارشاد بود. تا امروز نیز در بر همان پاشنه می‌چرخد.

» دلیل دوم: دولت اهداف خود را دنبال می‌کند نه صنف را

طبیعی است که متولی برگزاری نمایشـــگاه، تعیین کننده اهداف آن است. یعنی وقتی صنف متولی برگزاری نمایشگاه باشد، می‌داند کـــه بایـــد ضمـــن پایبنـــدی به مقـــررات و اصول اساســـی صنفی منافع همه بخش‌های ذیل خود را تأمین و حفظ نماید و در قبال همه این بخش‌ها پاسخگو است. این در حالی است که دولت برنامه‌ها، اهداف و منافع خود را دنبال می‌کند و به هیچ روی توجهی به منافع صنفی و یا تضاد منافع اصناف ندارد یـــا کمتر این موضوع برایش اهمیت دارد. هدف دولت از برگزاری نمایشـــگاه یک قیام فرهنگی جهانی بود. آنچنان که صباح زنگنه رئیس اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب هدف از برگزاری نمایشگاه کتاب را اینچنین می‌نویسد: «تشکیل نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب، از بهترین و سالم‌ترین روش‌هایی است که می‌تواند زمینه‌ساز آشنایی مردمان و ملل گوناگون با افکار و احوال یکدیگر بوده، به تحقق آن قیام بزرگ فرهنگی در جهان مدد رساند. برگزاری اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز گامی است در جهت وصول به این هدف که تا به امروز نیز همچنان استوار است و دولت‌ها چه چپ و چه راست و چه میانه‌رو، نمایشگاه را ابزاری برای تبلیغ انقلاب و آرمان‌های آن می‌دانند. نعم المطلوب! اما آیا بعد از ســـی و شش سال و با وجود تغییرات و تحـــولات کوچک و بزرگ اقتصادی و فرهنگی و... همچنان می‌بایست بر همین هدف استوار بود».

» دلیل سوم: تضاد منافع صنفی در نمایشگاه کتاب تهران

نمایشگاه کتاب تهران مصداق بارز تعارض منافع و تضییع حقوق صنفی است. با توجه به تصریح ماده (۲) قانون نظام صنفی، هرگونه فروش کالا باید با مجوز صنفی انجام شود. هرگونه برگزاری فروش فوق‌العاده و نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالا براساس شیوه‌نامه ابلاغی خواهد بود و مجوز برگزاری نمایشگاه‌های عرضه مستقیم با گذراندن تشریفات مقرر در شیوه‌نامه مذکور، توسط «اتاق‌های اصناف» باید صادر شود.

این در حالی است که مطابق قوانین صنفی، ناشر تولیدکننده است و توزیع و فروش کالای تولید شده توسط ناشر برعهده دیگر بخش‌های این صنف یعنی موزعان و کتابفروشان است. برگزاری چنین نمایشگاهی بدون اخذ مجوز و یا شاید بهتر بگویم با رانت و حمایت دولت، بدون درنظر گرفتن حقوق حقه دیگر بخش‌های صنف، مصداق بارز تضییع حقوق دیگر اعضای صنف است.

جلیسه می‌افزاید: «موزعان و کتابفروشان طی ۳۶۵ روز سال با پرداخت مالیات، بیمه، حقوق و دستمزد، اجاره مکان و... هزینه دیگر امکان فروش مستمر و دائمی کالاهای تولید شده ناشران را فراهم می‌کنند و حالا این ناشران هستند که با استفاده از حمایت‌ها و رانت‌های دولتی یک بازار ده روز حمایتی با تبلیغات گســـترده را به دست می‌گیرند و بازار فروش کتابفروشان را یک ماه پیش و پس از نمایشگاه کساد کرده و دچار چالش می‌کنند».

> بخشی از مخاطبان کتاب به این نمایشگاه هجوم می‌آورند چون هرجا بخواهند آن‌جا در دسترس‌شان است بنابراین فروش در راسته انقلاب به خودی خود کم می‌شود

» دلیل چهارم: نگاه صرف فرهنگی ضربه به چرخه اقتصاد نشر

«آیا برگزاری نمایشـــگاه کتاب را می‌بایست کماکان یک رویداد صرف فرهنگی بدانیم یا مانند بسیاری از کشورهای دنیا در وهله نخست رویدادی اقتصادی؟ نشر پیش از آنکه یک مقوله فرهنگی باشد، در تمام دنیا یک مقوله اقتصادی و مبتنی بر درآمد و هزینه است. در دنیایی با اقتصاد آزاد اگر درآمدی وجود نداشته باشد هزینه کردی هم نخواهد بود. بنابراین هر ناشری پیش از آنکه یک مؤسسه فرهنگی باشد یک بنگاه اقتصادی است. در سایر حلقه‌های نشر هم وضعیت برهمین منوال است. یعنی توزیع‌کننده کتاب، کتابفروشی و یا نویسنده هم وضعیت‌شان بر همین منوال است.»

به اعتقاد این مدیر اســـبق فرهنگـــی ورود دولت‌ها در این اقتصاد به هر شکل مخرب و زیان‌آور است. «روزگاری را به یاد آورید که یکی از شیرهای نفت در عرصه کتاب و نشر باز بود. یارانه‌های خرید کتاب، یارانه کاغذ و انواع و اقسام دیگرش در این بازار جاری و ساری بود. تعداد ناشران رو به فزونی نهاد، چرا که حمایت‌های بی‌حساب و کتاب نفتی از نشر آن‌چنان زیاد بود که هر کسی حتی با کمترین سواد را هم تشویق به ناشر شدن می‌نمود. اما حالا در دوره عسرت و کمبود حمایت‌ها و از همه بدتر قیمت بالای کاغذ و هزینه‌های سرسام‌آور تولید کتاب تکلیف این همه ناشر که دهان‌شان باز و چشمان‌شان به حمایت دولت است چه می‌شود؟»

» دلیل پنجم: نمایشـــگاه کتاب تهران چوب لای چرخه اقتصاد نشر

او ادامه می‌دهد: «چرخه اقتصاد نشر متشکل از نویسنده، ناشر، چاپخانه، موزع، کتابفروشی و درنهایت خریدار است و هر کدام از اجزای این حلقه حذف گردد نه فقط آن حلقه حذف شـــده بلکه به تمامی حلقه‌های دیگـــر صدمه وارد خواهد شد. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از همان ابتدا با حذف دو حلقه توزیع (پخش کتاب) و کتابفروشـــی‌ها، حرکت چرخه اقتصاد نشر را مختل نمود. نمایشگاهی که در سال ۱۳۶۶ با ۱۸۲ ناشر داخلی برگزار شد، آهسته آهسته آن‌چنان متورم و نامتوازن شد که امروز در سی و ششمین سالگرد خود بیش از ۲ هزار ناشـــر داخلی را در خود جای داده است. از سال ۶۶ به بعد هدف‌گذاری اصلی وزارت ارشاد هرچه باشکوه‌تر برگزار نمودن این نمایشگاه بوده است و از این رو حمایت‌های کانالیزه ارشاد از بخش نشر، کار را به جایی رساند که امروزه ما بیش از ۲۵ هزار پروانه نشر صادر شده داریم. این در حالی است که تعداد کتابفروشی‌های کشور در ابتدای انقلاب بیش از ۱۰۰۰ کتابفروشی بود و حالا بعد از گذشت ۳۶ سال باز هم همین تعداد کتابفروشی فعال داریم. نتیجه آنکه سیاست‌های غلط دولتی و حمایت‌ها و رانت‌های بی‌حد و اندازه از طرفی موجب رشـــد نامتوازن حلقه نشر گردیده و از طرف دیگر حلقه توزیع و کتابفروشی را روزبه‌روز ضعیف‌تر و کوچک‌تر نموده است.»

» دلیل ششم: وظیفه دولت‌ها سیاستگذاری و ایجاد زیرساخت است نه دخالت در حوزه‌های اقتصاد نشر

در حالی که در بسیاری از نمایشگاه‌های خارجی این بخش خصوصی هســـت که با فروش غرفه و عرصه‌های تبلیغی هزینه‌های برگزاری نمایشگاه کتاب را عهده‌دار هست. اما در ایران این دولت است که با تخصیص یارانه و توزیع و پخش بی‌حد و حساب پول سعی کرده به نمایشگاه رونق بدهد.

> روزگاری را به یاد آورید که یکی از شیرهای نفت در عرصه کتاب و نشر باز بود. یارانه‌های خرید کتاب، یارانه کاغذ و انواع و اقسام دیگرش در این بازار جاری و ساری بود

مطابق آمار اعلام شده در سامانه شفاف‌سازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هزینه نمایشگاه سی و پنجم در سال ۱۴۰۳ دویست و بیست میلیارد اعلام شـــده است که البته در این میان بســـیاری از هزینه‌های پنهان نمایشگاه دیده و لحاظ نشده است. بدون شک این عدد صحیح و نهایی نیست اما با این حال سؤال اینجاست که پرداخت چنین مبلغی چقدر توجیه اقتصادی دارد؟

کل فروش نمایشـــگاه کتاب در ســـال ۱۴۰۳ در دو بخش حضوری و فیزیکی ۴۹۷ میلیارد تومان اعلام شده است. اگر هزینه‌های ناشران اعم از نیروی انسانی، حمل و نقل، اجاره غرفه، نهار، تبلیغات و... را لحاظ کرده و پولی که دولت برای برگزاری نمایشگاه هزینه کرده است را جمع کنیم می‌بینیم که در بهترین حالت نمایشگاه کتاب اگر ضرر نداشته سودی هم حاصل ننموده اســـت. یعنی دولت ۲۲۰ میلیارد هزینه نموده که مبلغی حدود دو برابرش کتاب فروخته شـــود؟! کاملا مشخص است که این رویداد ده روزه نتیجه اقتصادی درخشانی نداشته است.

» خب دولت با این پول چه کارهـــا و برنامه‌هایی می‌تواند انجام دهد؟

به اعتقاد جلیســـه در حال حاضر چند کتابخانه نیمه‌کاره و رها شده در سراسر کشور وجود دارد که منتظر حمایت‌های وزارت ارشاد برای تکمیل و راه‌اندازی است. «صدها کتابخانه است که از فقدان تجهیزات و امکانات و ازهمه مهمتر از به‌روز نبودن منابع رنج می‌برند و آیا ایـــن پول‌ها نمی‌تواند صرف به‌روزرســـانی کتابخانه‌هایی شود که کیلومترها تا پایتخت فاصله داشته و آرزوی داشتن چندین و چند کتاب انتشار روز را می‌کشند؟ چرا دولت به جای صرف صدها میلیارد تومان برای یک رویداد ده روزه آن هم تنها در پایتخت این پول و پول‌های مانند این را برای توســـعه ویترین دائمی کتاب در سراسر کشور هزینه نمی‌کند. ای کاش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یاد می‌گرفت که سطح خود را از یک نمایشگاه‌گردان که به باور من در آن هم موفق نیست به حد و اندازه‌های یک سیاستگذار فرهنگی بالا بکشد.»

» از ۲۵ تا ۴۰ ســـال بیشترین مشـــتریان راسته کتابفروشی انقلاب

داخل مغازه‌ای می‌شـــوم که کتاب‌هایش بیشتر تاریخی و رمان است. صاحب مغازه از باسابقه‌ترین این راسته است و از شرایط بازار چندان دلخوش نیست. می‌گوید: «اصلا وضع نشر و کتاب و کتابخوانی در کشور خوب نیست؛ به خصوص که با بالا رفتن کتاب‌ها کمتر شده است».

زمانی که سوال می‌کنم با برگزاری نمایشگاه کتاب موافق هستید؟ می‌گوید: «نه». وقتی می‌پرســـم چرا؟ می‌گوید: «چون شـــب عید و مهر و آبان فروش مـــا رونق می‌گیرد و دانش‌آموزان و دانشـــجویان به دنبال کتاب درســـی خود می‌آیند. اما نمایشـــگاه کتاب باعث می‌شـــود دانشجویان کتاب‌های خود را کپی کنند و تا زمان برگزاری نمایشگاه با استفاده از بن‌های کتاب آن را خریداری کنند».

از او درباره تاثیر نمایشگاه در روند فروش کتاب در مغازه‌اش می‌پرسم. با خونســـردی می‌گوید: «تأثیر زیادی ندارد. ما مشتری‌های خودمان را داریم. خیلی از افرادی که کتابخوان هستند، حتی سال گذشته هم به نمایشگاه نمی‌رفتند چون می‌دانند برای کتابی که می‌توانند در مغازه پیدا کنند نیازی ندارند دیگر به نمایشگاه بروند. بیشتر مخاطبان در این راسته دانشجو هستند و در رده سنی ۲۵ تا ۴۰ سال هستند».

» لذت پیاده‌روی در راسته کتابفروش‌ها و بی‌توجهی به قیمت

از یکی از کتابفروشـــان از وضعیت کتاب در این راستا و در آستانه نمایشگاه می‌پرســـم. می‌گوید: «بازار نشر ما وضع خوبی ندارد. بخشی از مخاطبان کتاب به این نمایشگاه هجوم می‌آورند چون هرجا بخواهند آن‌جا در دسترس‌شان است بنابراین فروش در راسته انقلاب به خودی خود کم می‌شود. عده‌ای از مشتریان اما هســـتند که مخاطب همیشگی این راسته‌اند و نمایشگاه را به این راسته ترجیح نمی‌دهند. آنان شلوغی و همهمه نمایشگاه را دوســـت ندارند و حاضرند تا حس حضور خود را در این راسته همچنان داشته باشند و به قولشان راحت خرید کنند». با برگزاری نمایشگاه کتاب خرید در این راسته از سکه نخواهد افتاد و هنوز هم خیلی آن حس نوستالژی را دارند و برای خرید کتاب به اینجا می‌آیند و برای خرید کتاب به اینجا می‌آیند.

شهرام اسدی، دانشجوی رشـــته حقوق ظاهرا از این دسته افراد است. او می‌گوید: «نزدیک ۱۵ سال است که با دوستانم برای خرید انواع کتاب به خصوص کتاب‌های کمیاب و نایاب به مغازه‌ها در راسته سر می‌زنیم. کتابخوانی عشقمان است و لذت می‌بریم در این اوضاع گرانی، هنوز هم افرادی هستند که پا به پا ما فرهنگ خرید کتاب را دارند و هم می‌خوانند و هم کتاب خوب را به دیگران معرفی می‌کنند».

شناسه آگهی : ۱۹۲۱۲۴۳

وزارت نیرو
شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور
(مادر تخصصی)
شرکت آب و فاضلاب
استان آذربایجان شرقی

آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)
شماره ۳۶ سال ۱۴۰۴

شـرکت آب و فاضـلاب اسـتان آذربایـجان شـرقی در نظر دارد عـملیات مربوط به موضوعات مندرج در جدول زیر را:

ردیف	شماره فراخوان	موضوع مناقصه و شماره مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	مدت اجرای کار (ماه)	مبلغ برآورد اولیه (ریال)
۱	۳۶	ویدئومتری – بهسازی (برس زنی – پیستون زنی – اسیدشویی – ایرشوک – خروج رسوبات) و اصلاح و ترمیم محل پارگی جدار بهمراه نصب جدار کمکی چاه‌های شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی به شماره ۲۰۰۴۰۰۱۴۰۳۰۰۰۰۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۲/۷	۴.۲۵۰.۰۰۰.۰۰۰	۱۲	۸۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰

را از محل اعتبارات غیرعمرانی و از طریق مناقصه (عمومی) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت ودارای رتبه آب یا تاسیسات و تجهیزات واگذار نماید. کلیه مراحل مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد بدیهی است هزینه آگهی از برنده مناقصه اخذ خواهد شد.

الف) به پیشنهادهای فاقد امضاء ، مشروط ، مخدوش ، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ب) سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

ج) پیشنهاد دهنده مکلف است معادل مبلغ سپرده ، تضمین های معتبر تسلیم یا مبلغ مذکور را به حساب بانکی شرکت واریز و حسب مفاد اسناد مناقصه ضمانت نامه یا رسید واریز وجه را بصورت اصل در وقت مقرر در اسناد به کارفرما تسلیم نماید به پیشنهادهای فاقد سپرده ، سپرده های مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مهلت فروش اسناد از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۹ مورخه ۱۴۰۴/۲/۱۸

آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات در سامانه ستاد ایران ساعت ۸ صبح مورخه ۱۴۰۴/۲/۳۱

زمان و تاریخ بازگشایی پیشنهادات در سامانه ستاد ایران ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۴۰۴/۲/۳۱

سایت www.abfaazarbaijan.ir

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی

۹۵

شناسه آگهی : ۱۹۲۲۱۸۶

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

« آگهی احضاریه »

با توجه به اینکه پرونده افراد مشروحه ذیل به علت غیبت در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در دست بررسی است و تاکنون جهت روشن شدن وضعیت خدمتی خود مراجعه ننموده اند ، به نامبردگان ابلاغ می¬گردد، حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی نسبت به ارسال دفاعیه خود به هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه به آدرس تهران ولنجک جنب بیمارستان طالقانی اقدام نمایند . بدیهی است پس از انقضاء مهلت مقرر برابر ماده ۱۸ آئین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری عمل خواهد شد .

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	کد ملی
۱	آقای حمیدرضا ثنائی	احمد	۴۸۶۰۱۴۰۹۵۸
۲	آقای سعید رحمانی نسب	محمد	۴۸۷۰۰۳۰۳۳۰
۳	آقای عباس میرزائی	شرف بگ	۴۱۹۰۲۰۳۵۷۲
۴	آقای حسین غفاری	مرتضی	۰۰۲۰۵۶۲۲۴۱
۵	خانم هلیا حقیقی	صابر	۴۹۰۰۵۰۷۶۳۶
۶	خانم مهرناز میرزائی	حسن	۴۹۰۰۵۲۷۳۶۱
۷	خانم سیده سمیه موسوی	سیدعلی کرم	۴۰۶۰۵۵۶۵۲۱
۸	خانم الهه اکبری	فرهنگ	۰۰۱۳۳۱۶۷۱۰
۹	خانم زینب پاریاب	محمدمراد	۰۰۸۰۷۳۵۲۲۳
۱۰	خانم خدیجه سیاه تیری	احمد	۴۲۱۹۸۰۹۶۸۶
۱۱	خانم ژانت مهجوری سیاهکل	جمشید	۰۰۵۲۳۳۷۸۳۹

م الف ۳۷۹

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

گزارش هفت‌صبح از تلاش رمال‌ها، طلسم‌فروشان و دعانویسان برای دسترسی به بقایای متوفیان درآرامستان‌ها

جادوگران گورستان

- گاهی بستگان نزدیک متوفی‌دنبال چیدن مو یا ناخن او بوده‌اند. این طلسم‌ها را سودجویان به قیمت گزاف به مردم می‌فروشند
- برخی افراد ناشناس از کارکنان بهشت زهرا درخواست ناخن و موی اجساد برای طلسم می کنند

مرضیه موسوی
هفت صبح

«حتما خواسته کسی را بدبخت کند»؛ کارگر فضای سبز سازمان بهشت زهرا این را می گوید و کاغذ و استخوانی که دور تادورش را با چیزی شبیه مو بسته‌اند، از باغچه کنار قبر بر می‌دارد. بازش نمی کند: «طلسم است دیگر! نوشته شده که یکی را بکشد یا دیگری را جوانمرگ کند! حتی باز کردن این کاغذها و خواندنشان هم معصیت دارد.» وقتی می‌پرسیم که اینجا کجا و طلسم و جادو و جنبل کجا؟ می گوید: «از این انسان دوپا هر چیزی ساخته است. ما آنقدر دیده‌ایم که چشممان عادت کرده. کارگرانی که قبر می کنند روزی نیست که فردی از آنها نخواهد کاغذ طلسمی را در قبر تازه بیندازند. یا ما که مسئول نظافت بهشت‌زهرا هستیم، هر روز بارها و بارها کاغذهای دعا را که از خاک بیرون افتاده‌اند پیدا می کنیم.» با ادامه جست‌وجوها، پای صحبت غسالان و کارگرانی می‌نشینیم که از هجوم هر روزه سودجویان برای دریافت تکه‌ای از کفن مرده، آب شست‌وشوی غسالخانه، ناخن و موی میت می گردند و حتی حاضرند برای تکمیل پازل‌های طلسم و دعایشان هزینه زیادی هم بپردازند.

باران باریده و خاک شسته شده، تکه‌های کاغذ تا خورده را به سطح خاک کشانده است. کارکنان خدمات شهری بهشت‌زهرا، به جمع کردن کاغذهایی که روی آن متن‌های عجیب و غریب نوشته شده عادت کرده‌اند؛ به خصوص در قطعات قدیمی که خلوت‌ترند. یکی از کارکنان قدیمی بهشت‌زهرای تهران می گوید: «پیدا کردن طلسم و جادو روی خاک بهشت زهرا برای ما که سال‌هاست در اینجا کار می کنیم اتفاقی عادی است. این موضوع نه فقط مختص بهشت زهرا، بلکه در هر قبرستان دیگری نیز قرن‌هاست که رواج دارد و قدمت آن به قدمت خلق خرافات در ذهن انسان است.» دو کیسه در دست دارد که داخل یکی زباله‌های روی زمین را جمع کرده و داخل دیگری کاغذهایی که با نخ سفید و مو پیچیده شده‌اند. دور می‌شود و با صدای نه چندان بلندی می گوید: «خدا می‌داند هر کدام از این کاغذها، برای کور کردن گره‌های زندگی کدام بی‌نوایی نوشته شده! می‌دانم که اغلب این دعاها شر هستند. آدم عاقل که خیر و برکت را پنهانی برای دیگران نمی‌خواهد و آن را در خاک گورستان نمی‌جوید!»

دست‌درازی به پیکر بی‌جان میت

نه اینکه پاتوق دعانویس‌ها و سرکتاب‌باز کن‌ها قطعات قدیمی بهشت زهرا باشد؛ آنها که به دنبال جمع کردن خاک مرده ۲۰ ساله می گردند یا آمده‌اند تا برگه طلسمی را در خاک گورستان دفن کنند، ترجیح‌شان انتخاب جایی خلوت است که مجبور به پاسخ به نگاه‌های پر سوال مردم نشوند. ولی ماجرا به همینجا ختم نمی‌شود و آنهایی که برای رفع مشکلشان دست به نوشتن طلسم زده‌اند، گاهی مجبور می‌شوند خودشان را به پشت در سالن‌های تطهیر برسانند تا مراحلی که دعانویس به آنها گفته را مو به مو انجام دهند؛ یا به دنبال گوشه‌ای از کفن میت آمده‌اند، یا می‌خواهند هر جور شده تکه‌ای از مو و ناخن یک میت به دستشان برسد، یا می‌خواهند بطری کوچکی را با آبی پر کنند که با آن جسدی را غسل داده‌اند.

کارکنان بهشت زهرا و به خصوص سالن‌های تطهیر به شنیدن این درخواست‌ها عادت کرده‌اند اما هنوز چیزی از عجیب و غریب بودن این درخواست‌ها برایشان کم نکرده است. یکی از کارکنان سالن تطهیر می گوید: «تقریبا همه افرادی که مدتی در اینجا مشغول به کار می‌شوند با درخواست‌های عجیب و غریب از سمت مردم روبه‌رو می‌شوند. بیشترین درخواست هم کندن بخشی از موی سر یا ناخن میت است که برای گذاشتن پیش طلسم می‌خواهند.» وقتی از او درباره نیت افراد درخواست کننده می‌پرسیم می گوید: «گاهی برای اینکه ما را راضی به این کار کنند، داستان‌هایی تعریف می کنند. مثلا یکی می‌خواهد دامادی که دخترشان را آزار و اذیت می کند، از زندگی این دختر بیرون برود. یا می‌خواهند بخت کسی را ببندند و گره در کار کسی بیندازند که در حقشان بدی کرده است. هر چه هست، مطمئنم که اتفاق خوبی نیست.»

پای کینه و انتقام در میان است

می گوید در سال‌های حضورش در غسالخانه یا سالن‌های تطهیر، قشرهای مختلفی از مردم به سراغش آمده‌اند و درخواست‌های عجیب و غریبی داشتند: «از هر قشری که فکرش را کنید در بین این افراد دیده می‌شوند که به دنبال مو و ناخن میت هستند؛ از افراد تحصیل کرده گرفته تا قشری که از ظاهرشان مشخص است چندان اعتقادات مذهبی سفت و سختی ندارند، افرادی با ریشه‌های مذهبی و حتی دانشگاهی.» می پرسم چه می‌شود که به سراغ دعانویسی و طلسم رفته‌اند؟ می گوید: «گاهی فکر می کنند در حقشان بی‌انصافی شده، یا می‌خواهند انتقام از کسی بگیرند و به هر حال پای دشمنی و کینه در میان است.» حالا که این‌ها را تعریف می کند صدایش از ناراحتی می‌لرزد: «خیلی از ما حال و روز افرادی که عزیزی را به تازگی از دست داده‌اند دیده‌ایم. چه آن زمان که مردم می‌توانستند سالن تطهیر را ببینند و چه امروز که چنین امکانی برای همراهان متوفی فراهم نیست، ما تمام سعی خودمان را می کنیم که با هر فرد متوفایی، فارغ از اینکه در زمان حیات که بوده و چه کرده، با احترام رفتار کنیم و همه مراتب دینی را برای این افراد مو به مو انجام دهیم. گاهی یکی از تطهیر کنندگان با صدای بلند برای یک متوفی مداحی می کند، یا صدای دعای زیارت عاشورا همیشه در سالن پخش می‌شود. در چنین فضایی، در حالی که پیکرهای بی‌جان را یکی پس از دیگری غسل می‌دهیم، ناگهان می‌شنویم که یک نفر بیرون از سالن تطهیر تکه‌ای مو یا ناخن می‌خواهد! برایمان خیلی تکان دهنده است که برخی برای اهداف دنیوی خودشان که احتمالا چندان هم خیر نیست، به جسم مرده ستم می کنند.»

سازمان بهشت‌زهرا تهران برای جلوگیری از سوء استفاده برخی مراجعان تدابیری دارد

ناظران شرعی، دست سودجویان را کوتاه کرده‌اند

با بهبود روند تطهیر افراد متوفی و کم شدن ارتباط مستقیم واحد تطهیر با مراجعه کنندگان، به نظر می‌رسد راه برای دسترسی افراد سودجو به خواسته‌های غیر اخلاقی‌شان بسته شده است. «فاطمه خیری» کارشناس فرهنگی سازمان بهشت‌زهرا که خود نیز چند بار در جریان این درخواست‌ها قرار گرفته می‌گوید: «در گذشته که مراجعان امکان بیشتری برای ارتباط گرفتن با همکارانمان در سالن تطهیر را داشتند، باعث مکدر شدن اوقات تطهیر دهندگان می‌شدند. در سال‌های گذشته هم با حضور ناظران شرعی در سالن تطهیر بهشت زهرا و هم با کم شدن ارتباط مستقیم مردم با این واحد، گزارش‌هایی از این دست نیز بسیار کمتر شده است.»

او درباره شیوع خرافات در جامعه و آسیب‌های آن می‌گوید: «این گونه خرافات راهی در دیانت و مذهب ندارد و فردی که به خدا ایمان داشته باشد، چطور می‌تواند خواسته‌اش را از غیر خدا طلب کند؟ این طلسم‌ها را افراد سودجو با تعیین شرط‌های عجیب و گاهی غیر قابل دستیابی می‌نویسند و به قیمت گزاف به مردم عامی می‌فروشند تا اگر طلسم اثری نکرد، آن را به راحتی به گردن اما و اگرها بیندازند.» او که بارها شاهد پیدا شدن طلسم‌های مختلف از خاک بهشت‌زهرا بوده می‌گوید: «در سال‌هایی که در اینجا بودم، چیزهای عجیبی به چشم دیدم. در برخی از گشت‌ها در قطعه‌های بهشت زهرا، با افرادی روبه‌رو می‌شویم که در حال دفن کردن چیزی در عمق ۱۰ سانتی‌متری خاک بودند؛ از کاغذ گرفته تا نعل اسب و پارچه و استخوان و شاخ قوچ و .... یک بار یکی از رفتگران بهشت‌زهرا را دیدم که یک کیسه پر و سنگین از این کاغذها در دست داشت و می‌گفت که نمی‌داند باید با آن چه کند؟ عجیب اینجاست که گاهی، هر چند به ندرت، من متوجه شده‌ام که بستگان نزدیک متوفی دنبال چیدن مو یا ناخن این فرد بوده‌اند. این کار بی‌حرمتی به متوفی است و ما توصیه‌های اکیدی در دین برای منع شدن از این کار داریم.»

خیری می‌گوید: «این موضوع تنها مختص بهشت زهرا تهران نیست و در هر آرامستان دیگری ممکن است اتفاق بیفتد. امیدوارم با اطلاع‌رسانی در این باره، مردم آگاه‌تر شوند. همچنین این اطمینان را می‌دهم که در سال‌های گذشته با مدیریت مراحل تدفین در بهشت زهرا تهران و همچنین حضور ناظران شرعی و دلسوزی همکاران واحد تطهیر، دست سودجویان از بی‌حرمتی به پیکر متوفیان کوتاه است.»

نقل قول روز

مهریه فقط ۱۴ سکه و تمام!

«محمد سراج» عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی: طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی از احکام مهریه در نوبت رسیدگی در صحن علنی مجلس قرار دارد. در طرح پیشنهادی حداکثر ۱۴ سکه به عنوان صداق یا مهریه در نظر گرفته شده است و همین میزان هم بسیاری از افراد توان پرداخت ندارند.

نظام رتبه‌بندی به کارکنان رسید

«علیرضا کاظمی» وزیر آموزش و پرورش: اجرای نظام جدید رتبه‌بندی از اول مهر برای همه کارکنان آغاز می‌شود و احکام مربوطه از همان تاریخ صادر خواهد شد. برای برخی از خدمات و مناطق از جمله مناطق مرزی و روستایی، شرایط خاصی در نظر گرفته شده است که به‌عنوان مثال، در مناطق مرزی و روستایی ارتقا با سه سال سابقه برای فرد فراهم می‌شود.

به شدت نیازمند قضات قوی، فرهیخته و دانشمند هستیم

«حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری» رئیس دیوان عالی کشور: ما امروز به شدت نیازمند تربیت یافتگانی در دانشگاه علوم قضایی هستیم که قبل از اینکه به علم برسند تزکیه کرده باشند، شخصیت قاضی باید در دانشگاه ساخته شود، قضاوت امر خطیری است که با جان و مال و ناموس مردم در ارتباط است و از این جهت وظیفه سنگینی برعهده قاضی است.

محدودیتی برای حضور بانوانِ مجرد در حج وجود ندارد

«علیرضا بیات» رئیس سازمان حج و زیارت: با توجه به اینکه ۵۴ درصد از زائران خانم‌ها هستند، حدود ۶۰ کاروان در سال جدید به‌صورت آزمایشی دستیار خانم هم خواهند داشت که این دستیار خانم، همسر مدیر کاروان یا همسر معاون کاروان است و هزینه‌های تکلیفی را هم خودشان پرداخت کرده‌اند. محدودیتی برای اعزام خانم‌های متأهل، مجرد و همراه محارم مانند سال‌های دور وجود ندارد.

۴۰ درصد آزمایش‌های پزشکی غیرضروری است

«علیرضا رییسی» معاون بهداشت وزارت بهداشت: حدود ۴۰ درصد آزمایش‌های انجام شده در کشور غیرضروری است و الکترونیکی شدن فرآیند صدور نسخه هم در برخی موارد موجب افزایش انجام آزمایش‌های غیرضروری شده است. نیازهای القایی در بخش دارو و آزمایشگاه‌ها در حال افزایش است و امید می‌رود با اجرای برنامه پزشک خانواده، این روند کنترل شود.

تاخیر ۷ ماهه در پرداخت افزایش حق اضافه‌کاری پرستاران

«احمد نجاتیان» رئیس کل سازمان نظام پرستاری: شورای حقوق و دستمزد در دی ماه ۱۴۰۳ مصوبه افزایش مبلغ اضافه کار کارکنان بالینی بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی را تصویب کرد و مقرر شد تا دولت از ابتدای آبان ۱۴۰۳ مابه التفاوت افزایش و در سال ۱۴۰۴ تمامی اضافه کار را پرداخت نماید. متأسفانه با گذشت ۷ ماه از این مصوبه در بسیاری از دانشگاه‌های علوم پزشکی افزایش میزان اضافه کار اعمال نشده که به گفته مسئولین مرتبط به دلیل عدم پرداخت سهم دولت بوده است.

گفت‌وگو با امدادگری که با گاری‌اش در بندرعباس سر زبان‌ها افتاد

ناجی در گودال

هر جنازه‌ای یا زخمی‌ای که از آن گودال وحشت بیرون می‌آوردیم، انگار بخشی از آن برای من و خانواده‌ام بود

سید امیرحسین ابطحی | تصاویر آن چند روز هنوز در ذهنش باقی مانده و عملیات هنوز ادامه دارد؛ روزهایی که دیگر هیچ چیزی شبیه روزهای گذشته نبود. هیچ چیزی شبیه آنچه در ذهنش از یک حادثه طبیعی یا آتش‌سوزی تصور می کرد. آن روز، بندرعباس و اسکله شهید رجایی، از هر لحظه‌اش یک فریاد بی‌صدا بیرون می آمد. علی آزادی، امدادگر هلال‌احمر بندرعباس، هنوز صدای آن فریادها، صدای فریادهایی که هیچگاه شنیده نمی‌شد، در گوشش می‌پیچد. چشمانش هنوز از آن لحظات و روزهای سیاه، غمگین و پر از دود و خاک است. علی آزادی، امدادگر هلال‌احمر بندرعباس، که در تصاویر منتشرشده در فضای مجازی با گاری جنازه‌ها و مصدومان دیده می‌شود، از شرایط دشوار حادثه و احساسات غم‌انگیز در صحنه عملیات امدادی روایت می کند.

هر لحظه زندگی و مرگ در دستان ما بود

علی، با یادآوری زمان اعلام حادثه به ایسنا می گوید: وقتی که اولین خبر را شنیدیم، دلم دریای بندر شد و به توفان رفته بود، ولی وقتی وارد محل حادثه شدیم، تنها چیزی که دیدیم، دودی غلیظ و سرخ بود. سرخ از آتش، از خون، از درد. در دل آتش، در دل همان بحران، هیچ‌چیزی جز تصویرهایی از مرگ و آسیب وجود نداشت. سکوت میان فریادها، میان سرفه‌هایی که به دل دود و خاک نمی‌رسیدند، مرگ بود که در آن فضا جولان می‌داد.

علی با بغضی که در گلویش شکل می گیرد، از لحظات پر از درد یاد می کند: هر بار که جنازه‌ای را به گاری می گذاشتیم، احساس می کردم که یک بخشی از خودم را گذاشته‌ام. لحظه به لحظه، دل‌نگرانی‌های من بیشتر می‌شد. نمی‌توانستم از ذهنم بیرون کنم که آیا ممکن است یک نفر از آشنایانم اینجا باشد؟ آیا کسی از خانواده‌ام اینجا قربانی شده؟ هر جنازه‌ای که می‌بردیم، هر زخمی‌ای که از آن گودال وحشت بیرون می‌آوردیم، انگار بخشی از آن برای من و خانواده‌ام بود.

او ادامه می‌دهد: در همان ابتدای ورود به حادثه و در دل این بحرانی‌ترین لحظات، وقتی شروع به جابه‌جایی جنازه‌ها و مصدومان کردیم، نمی‌توانستم باور کنم که اینجا جایی است که باید در آن زندگی و مرگ را در دستان خود نگه داریم. برای لحظه‌ای احساس کردم که هر کسی که روی گاری می‌افتد، یا مصدوم است یا بی‌جان. انگار همه چیز به هم ریخته بود و من، ما، مجبور بودیم در دنیای میان زندگی و مرگ قدم برداریم. در اولین روز وقوع حادثه، تنها چیزی که برای علی آزادی و همکارانش اهمیت داشت، این بود که به هر طریقی جان مردم را نجات دهند و تا آخرین لحظه در کنارشان بمانند. او از لحظات سختی که در صحنه حادثه به چشم می‌دید، این گونه می گوید: روز اول که از وقوع حادثه مطلع شدیم، تیم واکنش سریع هلال‌احمر وارد عمل شد. آتش‌نشانان در حال اطفای حریق بودند و در کنار این عملیات، وظیفه حمل مصدومان و جنازه‌ها بر دوش ما بود. بسیاری از اجساد را از همان ابتدا تا اکنون بیرون آوردیم. شرایط بسیار دشوار بود، فضا پر از دود و آتش بود و برای بیرون آوردن جنازه‌ها از گاری استفاده می کردیم. فضای حادثه نه تنها برای او که برای همه امدادگران و مردم بندرعباس یک کابوس بی‌پایان بود. هر لحظه، هر برخوردی با زخمی‌ها و اجساد، علی آزادی را به یاد عزیزان خود می‌انداخت. او ادامه می‌دهد: هر قسمت از صحنه حادثه که می‌رفتیم، احساس می کردیم که بخشی از خانواده و برادرانمان در اینجا حضور دارند. این حادثه نه تنها استان، بلکه تمام کشور را به عزا کشاند. ما وقتی به مصدومان نگاه می کردیم، در چهره آنها، حتی در فریادهایشان، چیزی از اعضای خانواده‌ام را می‌دیدیم.

در آتش و دود، تنها هدف نجات بود

او از جزئیات عملیات‌های امداد در آن روزها می گوید که با دست‌های زخمی، با دستانی که به سختی نفس می کشیدند، جنازه‌ها و مصدومان را از گودال‌ها بیرون می‌آوردند و اظهار می کند: برخی از جنازه‌ها به قدری سوخته بودند که تشخیص‌شان سخت بود. اما چیزی که سخت‌تر از همه بود، نگاه‌های بی‌صدای کسانی بود که هنوز امید به زندگی داشتند. چشمانشان پر از ترس، پر از سوالات بی‌جواب.

علی، برای لحظه‌ای سکوت می کند و سپس ادامه می‌دهد: در آن لحظات، فقط یک چیز برای ما مهم بود، نجات هر انسانی که می‌توانستیم. اما آنچه هیچگاه از یادم نمی‌رود، آن صحنه‌هایی است که در آن وضعیت بحرانی، هر چند لحظه یک‌بار، مجبور به انتخاب‌هایی می‌شدیم که انسان بودن را به چالش می‌کشید. هیچ چیزی در آن لحظات راحت نبود. آزادی، با دستانی که هیچگاه از خاک و خون پاک نمی‌شد، همچنان در شیفت‌های مختلف شبانه‌روز مشغول به امدادرسانی بود.

او در ادامه می گوید: از روز اول تا روز بعد، در شیفت‌های مختلف مشغول به کمک‌رسانی بودیم و در همین شرایط، حدود ۳۹ تا ۴۰ مصدوم را از منطقه حادثه بیرون آوردم. هر بار که به یک مصدوم نگاه می کردم، از خودم می‌پرسیدم آیا این فرد در این شرایط، کسی در خانه‌اش انتظارش را می کشد؟

گمشدگان و دردهای جاودان

اما بزرگترین درد، در کنار همه دردهای آن فاجعه برای علی آزادی، به آن دسته از همسایگان و آشنایانش برمی گردد که در این حادثه مفقود شدند. این غم هنوز با اوست: بسیاری از همسایگان و آشنایان ما در حادثه بودند و هنوز مفقود هستند و نتوانستیم آنها را پیدا کنیم. هیچ چیزی در این دنیا مثل این درد، این لحظه‌هایی که جان به لب می‌آید و به امید یک معجزه نگاه می کنی، وجود ندارد. هنوز هم این غم در دل من و همکارانم باقی مانده. علی آزادی که در آن روزها، بار سنگین از دست دادن و جراحت را به دوش می کشید، حالا به همراه دیگر امدادگران هلال‌احمر همچنان در تلاش است تا در کنار خانواده‌های مصیبت زده باشد و مرهمی باشد برای جراحت‌های روحی که به مراتب سخت‌تر از آسیب‌های جسمی است. با پاهای خسته، میان شعله‌های خاموش شده، آوار روی آوار، جرأت و دود، چند روز پی در پی کار و جست و جو و برداشتن آوارهای روی زمین که روزی بناهای استواری بودند و اکنون شکست خورده از موج انفجار و شعله‌های آتش شدند و خمیده و تکه پاره بر روی هم افتاده‌اند، ادامه دارد.

این حادثه، برای تمام ملت ایران، به ویژه مردم بندرعباس، یک تراژدی بی‌پایان بود که تا همیشه در یادها باقی خواهد ماند. علی آزادی، همچون دیگر امدادگران این بحران، در کنار همه این غم‌ها، پرچم خدمت‌رسانی را در دست دارد. در دل این فاجعه، علی آزادی و همکارانش هنوز با این درد زندگی می کنند. این حادثه نه فقط برای آنها، بلکه برای هر کسی که در آن لحظات وحشتناک شاهد از دست دادن انسان‌ها بود، یک زخم عمیق باقی گذاشت. او با عجله‌ای که باید سریع‌تر به میدان برود برای جست‌وجوی افرادی که هنوز زیر آوار شاید مانده باشند، در آخرین جمله‌اش با آن لهجه شیرین بندری‌اش که با ما گپ می‌زد، می گوید: ما به عنوان امدادگر، هیچ وقت نخواستیم تنها ناجی باشیم، بلکه همدلی کردیم با کسانی که عزیزان خود را از دست داده بودند، با کسانی که در آن لحظات جانشان در دستان ما بود. این درد، این یادها، در ذهن ما خواهد ماند تا ابد.

گزارش

سرقت ۳۰ میلیاردی آقای نظافتچی

رئیس پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری یک نظافتچی سارق در محله پاسداران خبر داد و گفت: این متهم با سوءاستفاده از اعتماد صاحبکارش، اقدام به سرقت ۳۰ میلیارد ریال پول و طلا کرده بود که با تلاش و هوشیاری پلیس دستگیر شد. سردار علی قاسم‌پور، در تشریح این خبر اظهار داشت: با مراجعه یکی از شهروندان و گزارش وقوع سرقت، مبنی بر این که از منزلش مقادیر وجه نقد و طلا به ارزش ۳۰ میلیارد ریال به سرقت رفته است، تیمی از ماموران کلانتری ۱۰۲ پاسداران، برای بررسی پرونده وارد عمل شدند. این مقام انتظامی عنوان داشت: در این پرونده مالباخته به ماموران کلانتری گفت که مدتی پیش یک خانم نظافتچی را برای نظافت منزلش با معرفی یکی از آشنایان استخدام کرده است و این خانم نظافتچی پس از مدتی حضور در منزل و انجام امورات خانه از جمله آشپزی و نظافت، چند روز پیش به ناگهان از منزل رفته و دیگر برنگشته است. سردار قاسم پور افزود: مالباخته عنوان داشت که پس از رفتن این خانم به وضعیت مشکوک شده و در بررسی‌هایی که به صورت اتفاقی از کمد اموال با ارزش خود داشته متوجه شده که مقداری طلا و جواهر و وجه نقد به ارزش ۳۰ میلیارد ریال به سرقت رفته است و در حال حاضر به این نظافتچی مشکوک است. سردار قاسم‌پور تصریح کرد: با این شکایت ماموران کلانتری ۱۰۲ پاسداران مشخصات و هویت این نظافتچی را مورد استعلام قرار دادند و در نهایت مشخصات و چهره این زن به دست آمد و متعاقبا با بررسی‌های تکمیلی مخفیگاه وی نیز شناسایی شد که با هماهنگی از سوی مرجع قضایی تیمی از ماموران عملیاتی به محل اعزام شدند. رئیس پلیس پیشگیری پایتخت اظهار داشت: با حضور ماموران در محل، متهم که چاره‌ای جز تسلیم نداشت به جرم خود اعتراف و در بازرسی از مخفیگاه وی اموال مسروقه مالباخته که هنوز به فروش نرفته بود، کشف و به همراه متهم به کلانتری منتقل شد.

سردار قاسم‌پور بیان داشت: متهم که زنی ۵۳ ساله بود در بازجویی‌های انجام شده علت سرقت را مشکلات مالی اعلام کرد و اذعان داشت که گمان می کرده به این زودی دستگیر شود و قصد داشته با فروش اموال مسروقه از تهران به شهرستان محل زندگی خود برود و آنجا زندگی کند اما پلیس قبل از هرگونه اقدامی او را شناسایی و دستگیر کرده است. سردار قاسم‌پور در پایان با اشاره به این که متهم با شکایت مالباخته راهی دادسرا شد، گفت: اموال مسروقه پس از صورتجلسه و حسب دستور قضایی به مالک بازپس داده شد، به شهروندان توصیه کرد: از نگهداری اموال با ارزش در خانه و از ورود افراد ناشناس تحت عنوان نظافتچی به منزل خود خودداری نمایند.

مرد جوان که دختر مورد علاقه‌اش را به قتل رسانده بود
شب قبل از اعدام، با خواب مادر مقتول از قصاص نجات یافت

مادر داغدار: به حرمت امام رضا از خون دخترم گذشتم

شرط بخشش این بود که قاتل هزینه جهیزیه ۸ عروس و داماد و اعزام ۸ زوج به زیارت امام رضا را پرداخت کند

مادر مقتول که تصمیم داشت قاتل فرزندش را به مجازات برساند، زمانی که خواب دید قاتل خواهان طلب بخشش و ضمانت امام رضا(ع) است، به یک شرط از قصاص گذشت کرد. او شرط کرد به حرمت امام رضا (ع)، قاتل ۸ جهیزیه تهیه کرده و ۸ عروس و داماد را به زیارت امام هشتم بفرستد. خرداد سال ۹۴ پسر جوانی به مقابل کلانتری در یکی از شهرستان‌های مرکزی رفت و به نگهبان گفت: ساعاتی قبل دختر مورد علاقه‌ام را به قتل رسانده و از جنایتی که مرتکب شده‌ام به شدت پشیمانم. مدت‌هاست که دلباخته المیرا شده‌ام اما او هیچ احساسی به من نداشت. این اواخر هم متوجه شدم که او قصد ازدواج با شخص دیگری دارد. روز گذشته به سراغ المیرا رفتم و از او خواستم با من ازدواج کند. اما المیرا بازهم مخالفت کرد و ناگهان شروع به داد و فریاد کرد و از من خواست دیگر با او کاری نداشته باشم. صدای فریادهای او باعث شد تا دستم را روی دهانش بگیرم تا داد نزند، اما به خودم که آمدم متوجه شدم دیگر نفس نمی‌کشد.

جسدی در خودرو

او ادامه داد: هر چه او را صدا زدم جوابی نشنیدم. ساعت ۷ عصر بود که المیرا سوار خودروام شد و این اتفاق رخ داد و تمام شب گذشته من کنار جسد او بودم و گریه می کردم. ۱۲ ساعتی از قتل گذشته بود که به یکی از دوستانم زنگ زدم و ماجرا را گفتم. او هم از من خواست خودم را معرفی کنم. گرچه خودم نیز این تصمیم را داشتم اما جرات نداشتم و با صحبت‌های دوستم دل را به دریا زدم و خودم را معرفی کردم. با اظهارات مسعود، بلافاصله تیم جنایی وارد عمل شده و به سراغ جسد المیرا که داخل خودرو و در نزدیکی کلانتری بود رفتند. متهم جوان در ادامه بررسی‌ها به بازسازی صحنه قتل پرداخت و با تکمیل تحقیقات پرونده برای صدور حکم به دادگاه کیفری ارسال شد.

حکم قصاص

مسعود زمانی که در جایگاه ویژه متهمان قرار گرفت از اولیای دم درخواست بخشش کرد و گفت: واقعا نمی‌خواستم المیرا را بکشم و حتی راضی نبودم یک مو از سرش کم شود. من عاشقانه او را دوست داشتم و تمام هراسم این بود که او را از دست دهم. باتوجه به درخواست اولیای دم برای قصاص و اعترافات مسعود به جنایت، قضات دادگاه حکم بر اشد مجازات داده و با تایید این حکم در دیوانعالی کشور، پرونده برای اجرا به دادسرا ارسال شد. از زمانی که پرونده به دادسرا ارجاع شد، چندین جلسه صلح و سازش برگزار شد تا اولیای دم از قصاص قاتل پسرشان گذشت کنند. اما آنها خواهان قصاص بوده و از قاضی اجرای احکام درخواست کردند حکم قاتل فرزندشان را اجرا کنند.

خواب نجات بخش

باتوجه به درخواست اولیای دم، نام مسعود در لیست محکومان به قصاص قرار گرفت و زمانی که او برای اجرای حکم به محوطه انتقال داده شد، پسر جوان به دست و پای اولیای دم افتاد و از آنها طلب بخشش کرد. التماس‌های مسعود و صحبت‌های خیرین و واحد صلح و سازش که در محل حضور داشتند، باعث شد تا اولیای دم به قاتل مهلت دهند و مسعود به سلولش منتقل شد. با پایان مهلت بخشش، بار دیگر نام پسر جوان در لیست محکومان به قصاص قرار گرفت، مسعود به انفرادی منتقل شد و قرار بر آن بود که سحرگاه روز بعد در زندان به دار مجازات آویخته شود. اما ساعاتی بعد در سلول باز شد و سرباز زندان به او گفت بخشیده شدی. مسعود که باورش نمی‌شد چنین اتفاقی برایش رخ داده است، لحظاتی بعد در مقابل اولیای دم قرار گرفت و مادر مقتول به او گفت: در تمام این مدت تصمیم به اجرای حکم داشتم و حتی دفعه اول که مهلت دادم احساس پشیمانی داشتم. تا اینکه امشب قبل از اینکه به اینجا بیایم خوابی دیدم که باعث شد تصمیمم را تغییر دهم. خواب دیدم در حرم امام رضا هستم و مسعود در نزدیکی من ایستاده و با صدای بلند گریه می کند و می گوید امام رضا (ع) تو ضامن خیلی‌ها شدی، مرا هم ضمانت کن و زندگی را به من ببخش.

شرطی برای بخشش

او ادامه داد: با دیدن این خواب ناگهان از خواب بیدار شدم و به همسرم گفتم باید قاتل را ببخشیم. مخصوصا اینکه او در تمام این مدت در زندان کارهای خداپسندانه زیادی انجام داده بود و به شدت از کاری که کرده بود ابراز پشیمانی داشت. فقط یک شرط دارم. زن میانسال در رابطه با شرطی که برای قاتل فرزندش داشت، گفت: می خواهم قاتل به نیت امام هشتم، جهیزیه ۸ عروس را بدهد و آنها را برای ماه عسل به مشهد بفرستد. عامل جنایت نیز با شنیدن شرط مادر مقتول گفت: نه تنها شرط او را قبول دارم بلکه نذر کردم که به محض اینکه آزاد شوم به پابوس امام بروم و از او به خاطر بخشیدن من و ضمانتی که کرده است تشکر کنم.

ماجرای دو برادر که با تعقیب چندروزه زنی ۷۵ ساله در مسیر بازگشت از استخر، او را ربودند، به قتل رساندند و گردنبندش را دزدیدند

قتل برای گردنبند ۱۱۰ میلیون تومانی

دو برادر جنایتکار که زن سالخورده‌ای را ربوده و پس از سرقت النگوهایش او را به قتل رسانده و جنازه‌اش را به آتش کشیدند، با رای دادگاه به قصاص و حبس محکوم شدند. دی ماه سال ۱۴۰۲ خبری مبنی بر فقدان یک زن حدودا ۷۵ ساله در تهران به پلیس آگاهی تهران بزرگ مخابره شده و بر اساس آن رسیدگی به این پرونده در دستور کار تیمی از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. در همین راستا نیز کارآگاهان در گام نخست اقدام به تحقیق از بستگان و نزدیکان این فرد کردند و در جریان پرس‌وجو از دختر این زن متوجه شدند که او صبحگاه اواخر آذرماه سال جاری به سمت یک استخر در شمال تهران رفته اما پس از آن دیگر به خانه بازنگشته است.

کارآگاهان در گام بعدی با استفاده از روش‌های میدانی و اطلاعاتی گسترده در محدوده تردد فقدانی، متوجه شدند که این زن پس از خروج از استخر و عزیمت به سمت منزل سوار بر یک دستگاه خودروی سواری با دو سرنشین مرد شده است. در این خودرو علاوه بر راننده یک نفر نیز در صندلی عقب نشسته بود.

ماموران با بررسی و رصدهای اطلاعاتی متوجه شدند که خودروی حامل فقدانی با سرعت بالا به سمت شهرستان پردیس در شمال شهر تهران رفته و در آنجا دیگر اثری از آنان یافت نشده است. در ادامه کارآگاهان با استفاده از شیوه‌های نوین کشف جرم موفق شدند با استفاده از سرنخ‌های به دست آمده هویت راننده و سرنشین خودرو را شناسایی کرده و پس از مراقبت‌های شبانه‌روزی هر دو متهم را در یکی از خیابان‌های شمال شهر تهران مورد شناسایی قرار دهند.

متهمان هنگام دستگیری این افراد قصد فرار از دست پلیس را داشتند به همین دلیل نیز تعقیب و گریزی میان پلیس و متهمان شکل گرفت، اما در نهایت این افراد دستگیر و به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ انتقال داده شدند.

این افراد در ابتدا منکر حقایق شدند، اما پس از اینکه برخی شواهد و قرائن را مشاهده کردند ناگزیر لب به اعتراف بازکرده و گفتند پس از اینکه سوژه را شناسایی کردند، چندین روز او را زیر نظر داشته و تعقیب می کردند تا اینکه یک روز صبح تصمیم گرفتند، او را پس از بازگشت از استخر سوار بر ماشین کرده و گردنبند قیمتی‌اش را که در گردنش دیده بودند به سرقت ببرند.

متهمان در همان بازجویی‌های ابتدایی این افراد در ادامه به تشریح روز ربودن این پیرزن پرداخته و معترف شدند که او را به نزدیکی شهرستان پردیس برده و در آنجا تمامی اموال با ارزش وی شامل سه عدد النگو و مقداری وجه نقد را به سرقت بردند. پس از آن نیز این زن را به قتل رسانده و جسدش را سوزانده‌اند. در ادامه نیز جسد را به یکی از رودخانه‌ها انداخته‌اند.

در حالی که متهمان انگیزه خود از ارتکاب این جنایت را سرقت گردنبند به ارزش ۱۱۰ میلیون تومان اعلام کردند. در ادامه برای آنان پرونده‌ای تشکیل شد و دو متهم برای ادامه روند رسیدگی به جرم به همراه پرونده متشکله روانه دادسرا شدند.بعد از طی روال قانونی پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهمان که دو برادر جوان هستند پای میز محاکمه رفتند.

در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی اولیای دم تقاضای قصاص مقتول را کردند.سپس یکی از برادران که به مباشرت در قتل عمدی متهم است در دفاع از خود گفت:«ما قصد قتل زن میانسال را نداشتیم و قصد ما فقط سرقت بود.روز حادثه سر راه او قرار گرفتیم و به عنوان مسافربر سوارش کردیم.در ابتدا من در صندلی کنار راننده نشسته بودم اما در را باز کرده و به مقتول گفتم که چون دندان درد دارم و شما از من بزرگتر هستید جلو بنشینید تا راحت باشید؛من هم عقب می‌نشینم که اگر خواستم دراز بکشم.»

متهم ادامه داد:«با این بهانه من روی صندلی عقب رفتم و کمی که در مسیر پیش رفتیم با شوکر ضربه‌ای به پهلوی زن زدم. او در را دو بار باز کرد و می‌خواست خودش را بیرون بیندازد. اگر از دست ما فرار می کرد برایمان دردسر بزرگی درست می‌شد و از ترس این دردسر با چاقو به پهلوی او ضربه‌ای زدم که منجر به مرگ شد. سپس برای خلاصی از جسد آن را به باغی حوالی بومهن منتقل کرده و آتش زدیم. روز بعد باز هم بقایای جسد را به آتش کشیدیم.»قضات دادگاه بعد از اعلام ختم جلسه مباشر در قتل را به قصاص و برادرش را به اتهام معاونت در قتل و جنایت بر میت به ۲۵ سال حبس محکوم کردند.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

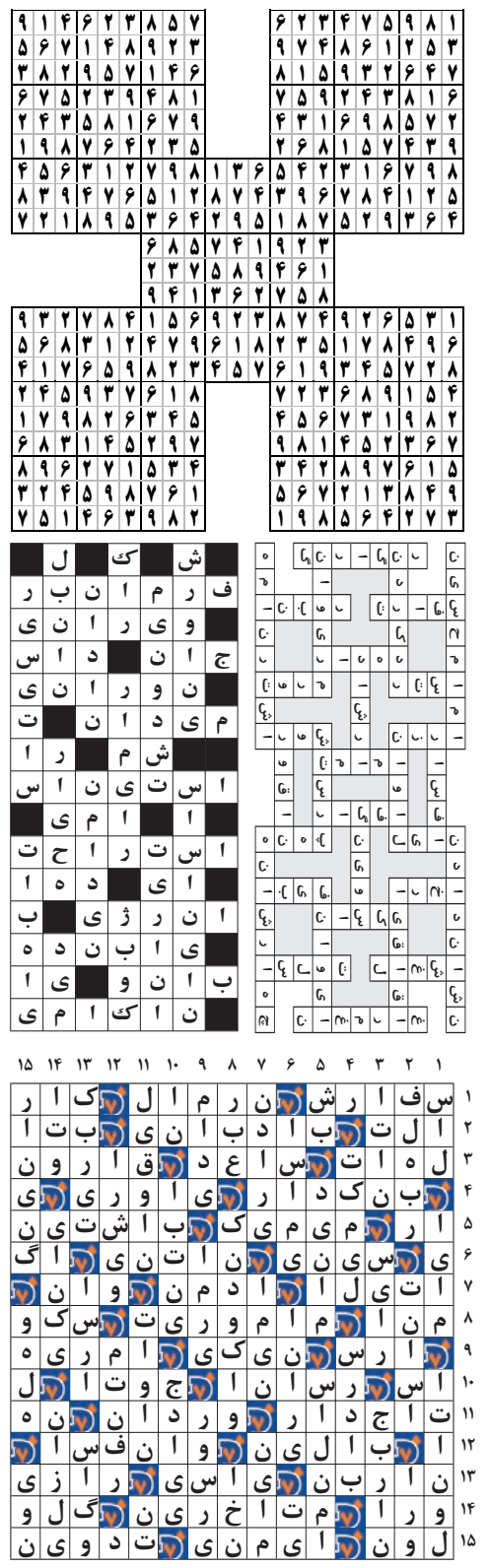

سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

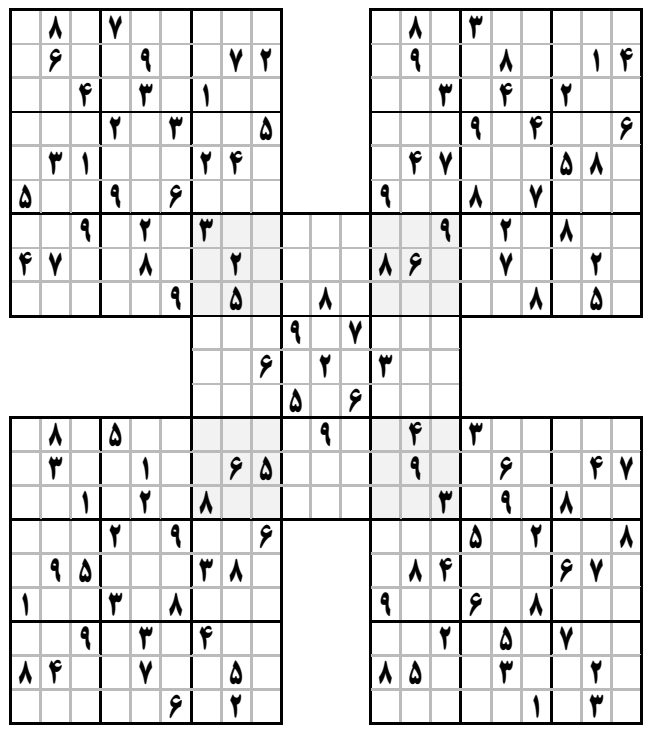

جدول شرح در متن

لغت‌یابی

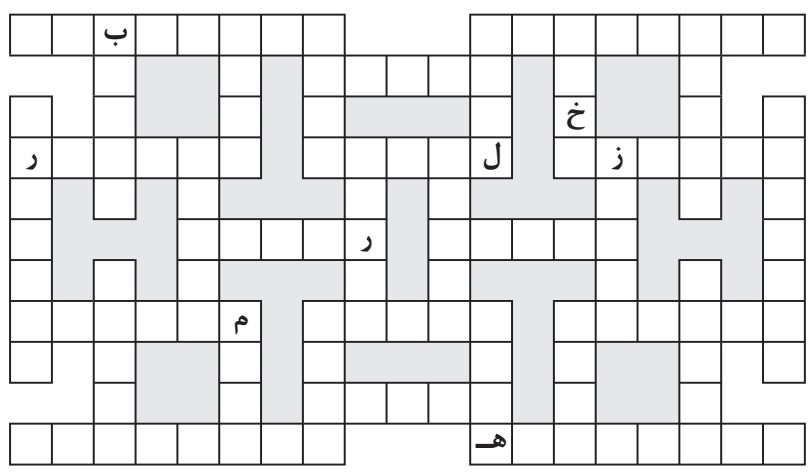

توضیح
کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: ارلن، سیما، کوسه، متان، نابل، نسخه، نگاه، یوتا

۵ حرفی: اکابر، انسان، براوو، روشنا، ریواس، زورکی، سد کرج، سیاحت، کنونی

۶ حرفی: آزیریس، امروزه، میرابی، همجوار

۷ حرفی: لاتین، موازی، ناسزا، نیوتن، یاران

۸ حرفی: آینده بشر، ایندیانا، پوست کندن، دانش نامه، پاراوان، ظرفشویی

جدول کلمات متقاطع

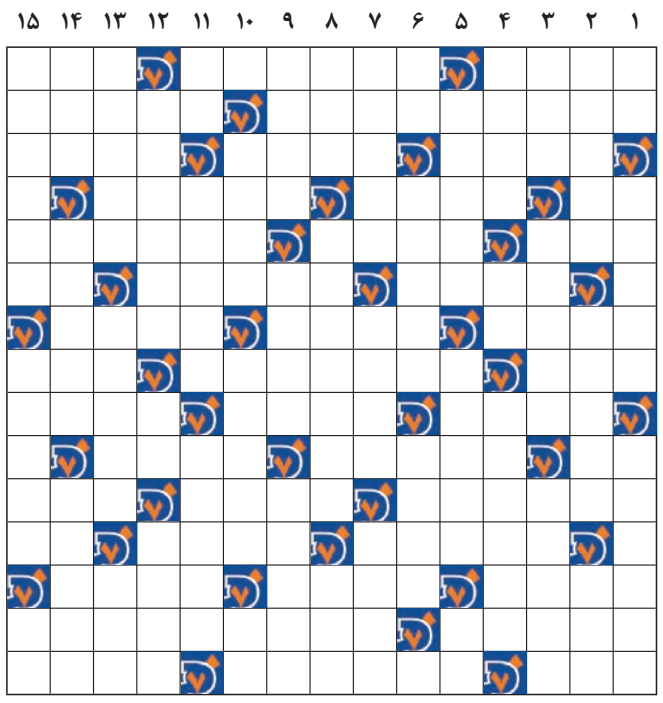

افقی

۱- مقوای نازک- مثل یکدیگر- زنگ چهارپایان
۲- ورزش دارحلقه- توطئه
۳- جای ترسناک- مصلحت- سنگ انداز
۴- بخیه درشت- برقرار و دایر- جریمه و غرامت
۵- زهد دروغین- واصل شد- از استان‌های کشورمان
۶- رزق- پوشیده- یک خودمانی
۷- عجز و التماس- عاقبت اندیش- وطن و میهن
۸- محتوی صندوق انتخابات- پاک و مقدس- نژادی از فارسی زبانان
۹- چوپان- گل دندان نشین- دشت و بیابان
۱۰- تعداد روزهای ماه اسفندر در سال کبیسه- مایوس- آتشزنه مدرن
۱۱- بخشی از خانه- مثل و مانند- از حروف یونانی
۱۲- گیاهی علفی و خودرو از خانواده گندمیان- اشاره به دور- رود فرانسه
۱۳- غیرمطلق- سنن و رسوم- زرنگ و باهوش
۱۴- گیاهی دارویی از خانواده آلاله- معادل فارسی الکتروتراپی
۱۵- آینده- دستورات- بوی خوش

عمودی

۱- خمیده- از شهرهای مذهبی عراق- تقویم
۲- مصونیت- از واحدهای اندازه‌گیری- در دست داور
۳- گله- سرپرست رعایا- دومین شهر بزرگ هندوستان پس از دهلی نو
۴- کرم کدو- کلام شگفتی- تجزیه و تحلیل
۵- استانی در ایران- شاعر قرن ششم هجری- سطح دست
۶- معاون هیتلر- شوریده حال و آشفته- سنگ طلق
۷- عهده دار- مسئول- ثانوی- سخنوران
۸- طایفه- کنایه از شخص آب زیرکاه- علامت تجاری
۹- سخنان پرمعنا- بزرگان- باقیمانده
۱۰- وضع و کیفیت- پیدا کردن- رود آرام
۱۱- حیوان وحشی- مقابل خروجی- نامناسب
۱۲- عمومی و همگانی- ناپسند- در امان و محفوظ
۱۳- خداترسی- برچسب قیمت- از سبک‌های موسیقی
۱۴- درس کشیدنی- بهانه- سرود و نغمه
۱۵- بخش عمده کاسه سر را تشکیل می‌دهند- درخشان- هنوز بیگانه

مرگ مهاجران ایرانی در غربت و انتقال جسد از کشورهای خارجی به داخل، چه چالش‌ها و هزینه‌هایی دارد؟

هزینه‌های میلیاردی تابوتی در پرواز

- انتقال جسد از کشورهای خارجی نیازمند مجوزهای پزشکی، کنسولی و گمرکی است
- مراحل انتقال شامل آماده‌سازی، مومیایی، خرید تابوت و هماهنگی با شرکت‌های هواپیمایی است

حمید رجبی
روزنامه‌نگار

مهاجرت اغلب با چالش‌هایی همراه است. یکی از این چالش‌ها، مرگ در غربت و تصمیم برای انتقال جسد از کشور به کشوری دیگر است؛ چراکه این کار در کنار مراحل اداری متعدد، هزینه نسبتا زیادی برای خانواده متوفی ایجاد می‌کند. البته این ممکن است برای یک توریست و گردشگر نیز اتفاق بیفتد که این چالش برای خانواده یا نزدیکان او نیز وجود دارد. شاید بسیاری از افرادی که در دنیا اقدام به مهاجرت می‌کنند، در سال‌های اول زندگی جدید خود، به یکی از زوایای پنهان این کار فکر نمی‌کنند اما در نهایت زمانی فرا می‌رسد که یا خود یا اطرافیان باید یک تصمیم بزرگ بگیرند. زمانی که شخص مهاجر درخواست کرده باشد پس از مرگ، جسدش در کشور و زادگاه خودش دفن شود یا اینکه خانواده او چنین تصمیمی را گرفته باشند. انتقال جسد (که در اصطلاح بین‌المللی به آن ریپاتریشن گفته می‌شود) تقریبا از همه کشورها با حساسیت و طی مراحل اداری و پزشکی مختلف همراه است، به همین دلیل مشقت‌های فراوانی خواهد داشت.

فرآیند انتقال

همانطور که اشاره شد، این انتقال مراحل مختلفی دارد که در ادامه مهمترین آنها را مرور می‌کنیم.

۱ اخذ گواهی فوت رسمی که توسط پزشک یا مرجع رسمی کشور محل فوت انجام می‌شود.

۲ صدور مجوز انتقال جسد و دریافت مجوزهای لازم از مقامات محلی (مثلا اداره بهداشت، پلیس یا سازمان قضایی) چراکه در برخی کشورها باید گواهی شود که فوت طبیعی بوده و جسد بیماری واگیردار ندارد.

۳ جسد باید توسط یک مرکز مجاز تحت اقدامات بهداشتی (مثل مومیایی کردن یا بسته‌بندی ویژه) آماده شود. معمولا جسد در تابوت مخصوص حمل بین‌المللی (ضد نشت و هوابندی شده) قرار داده می‌شود.

۴ ترجمه گواهی فوت و سایر مدارک به زبان کشور مقصد (با تایید رسمی/مهر نوتاری) موردی اجباری است.

۵ گرفتن مجوز کنسولی از سفارت کشور مقصد که با مراجعه به سفارت یا کنسولگری کشور مقصد برای گرفتن مجوز حمل جسد انجام می‌شود.

۶ مجوز صادرات جسد توسط مرجع رسمی مثل اداره مهاجرت، وزارت بهداشت یا گمرک نیز الزامی است.

۷ هماهنگی با شرکت‌های حمل جسد یا شرکت‌های هواپیمایی که مجوز حمل جسد دارند همچنین تهیه بلیت پرواز مخصوص حمل جسد (معمولا در بخش باربری خاص).

۸ تشریفات در کشور مقصد که در بدو ورود جسد، باید گمرک و بهداشت مرزی جسد را بررسی کنند.

باید توجه داشت که بسته به کشورها، ممکن است مدارک بیشتر یا کمتری نیاز باشد (مثلا در موارد بیماری‌های خاص یا مرگ مشکوک).

×مراجعه به وزارت امور خارجه

اگر خانواده یا بستگان فرد فوت شده در ایران باشند و بخواهند جسد متوفی به ایران بازگردانده شود، باید به اداره سجلات و احوال شخصیه که در ساختمان شماره ۳ وزارت امور خارجه در تهران واقع شده است، مراجعه و با قرار دادن وثیقه یا پذیرفتن تعهدات مالی درخواست حمل جنازه به ایران را ارائه کنند. سپس وزارت امور خارجه در ایران مجوز پرداخت هزینه‌های کفن و دفن را به سفارت ایران در کشور مبدا انتقال می‌دهد و فرایند حمل جنازه رسما آغاز می‌شود. باید توجه داشت که شرکت‌های کفن و دفن در کشور مبداء گواهی بهداشتی، گواهی حمل و نقل و گواهی مومیایی شدن را ارائه می کنند.

شرایط و هزینه انتقال از آمریکا به ایران

به دلیل اینکه بخش زیادی از مهاجران ایرانی، کشور مقصد خود را آمریکا در نظر می گیرند، شرایط انتقال جسد از این کشور به ایران و همچنین هزینه‌های جانبی آن را محاسبه کرده‌ایم.

مراحل انتقال جسد از آمریکا به ایران تفاوت زیادی با شرایط کشورهای دیگر ندارد فقط اینکه باید گواهی فوت رسمی از ایالت محل فوت تهیه شود و حتما باید شرکت‌های خدمات تدفین (Funeral Home) این کار را انجام دهند. معمولا دفاتر ترجمه رسمی مورد تأیید سفارت ایران، کار ترجمه رسمی مدارک به فارسی را انجام می‌دهند.

هزینه حدودی انتقال جسد از آمریکا به ایران (سال ۲۰۲۵)

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، انتقال جسد از کشور آمریکا به ایران، هزینه‌های متعددی را ایجاد می کند که در ادامه ابتدا جزئیات و در نهایت هزینه کلی این انتقال تشریح خواهد شد.

آماده‌سازی جسد (مومیایی، تابوت فلزی) ۲۵۰۰ تا ۴۵۰۰ دلار، مدارک قانونی (گواهی فوت، مجوز حمل، ترجمه رسمی) ۲۰۰ تا ۵۰۰ دلار، خدمات Funeral Home (هماهنگی حمل، آماده‌سازی مدارک) ۱۵۰۰ تا ۳۵۰۰ دلار، هزینه حمل بار هوایی (پرواز بین‌المللی) ۳۰۰۰ تا ۶۰۰۰ دلار، هزینه‌های فرودگاه و ترخیص در ایران ۲۰۰ تا ۵۰۰ دلار.

بنابراین مجموع تقریبی کل هزینه‌ها حدود ۷۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ دلار بسته به شرایط (ایالت مبداء، شرکت حمل، نوع تابوت، خط هوایی) است.

به دلیل اینکه هیچگونه پرواز مستقیم از آمریکا به ایران و بلعکس وجود ندارد، معمولا برخی شرکت‌های هواپیمایی (مثل قطر ایرویز، ترکیش ایرلاینز، امارات، یا لوفت‌هانزا) حمل جسد به ایران را انجام می‌دهند. به همین دلیل هزینه انتقال جسد افزایش خواهد داشت.

متوفی بیمه دارد؟

اگر متوفی بیمه مسافرتی بین‌المللی یا بیمه انتقال جسد داشته باشد (مثل بیمه‌های سفر ویژه یا بعضی بیمه‌های درمانی)، این هزینه‌ها تا حد زیادی از طرف بیمه پرداخت می‌شود.

بعضی خانواده‌ها به جای انتقال جسد کامل، درخواست خاکستر کردن و انتقال خاکستر می‌کنند که بسیار ارزان‌تر است (حدود ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار).

بیایید فرض کنیم جسد از ایالت کالیفرنیا (مثلا شهر لس‌آنجلس) قرار است به ایران (فرودگاه امام خمینی) منتقل شود.

حالا هزینه‌ها را دقیق‌تر محاسبه می کنیم. تخمین دقیق هزینه انتقال جسد از لس‌آنجلس (کالیفرنیا) به تهران (ایران) در سال ۲۰۲۵ به این شرح است: صدور گواهی فوت رسمی (Death Certificate) ۵۰ تا ۱۲۰ دلار، ترجمه رسمی گواهی فوت + تایید دفتر حافظ منافع ایران ۱۵۰ تا ۳۰۰ دلار، آماده‌سازی جسد (مومیایی و آرایش، گواهی بهداشت) ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ دلار، خرید تابوت فلزی ضدنشت (مورد تایید برای پرواز) ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار، دریافت مجوز حمل جسد (Transit Permit) از کالیفرنیا ۵۰ تا ۱۰۰ دلار، خدمات Funeral Home (حمل جسد به فرودگاه، تنظیم مدارک، بارگیری) ۲۰۰۰ تا ۳۵۰۰ دلار، هزینه باربری هوایی (مثلا با قطر ایرویز، امارات یا ترکیش ایرلاینز) ۳۰۰۰ تا ۴۵۰۰ دلار، هزینه‌های ترخیص جسد در فرودگاه امام خمینی (مالیات + ترخیص + آمبولانس) ۲۰۰ تا ۴۰۰ دلار؛ بنابراین مجموع کلی تخمین: حدود ۹۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ دلار خواهد بود که در بیشترین حالت برابر با پول ملی ایران و با محاسبه دلار ۸۲ هزار تومانی، به رقم ۱ میلیارد و ۱۴۸ میلیون تومان خواهیم رسید.

منبع قیمت‌ها: Peyman Memorial Funeral Services

وقتی صادرات دست رابطه است، دانش‌آموختگان خانه‌نشین می‌شوند

جوانان، قربانیان ساختار پوسیده صادراتی

- تجارت خارجی ایران هنوز بر اساس روابط سنتی و تجربه‌های شخصی اداره می‌شود
- جوانان و استارتاپ‌ها کمتر فرصت مشارکت در تصمیم‌های صادراتی کشور را دارند

رضا رهسپار
هفت صبح

تجارت خارجی ایران همچنان در مدار سنتی و الگوهای دیرینه باقی مانده است. بخش قابل توجهی از تعاملات بین‌المللی بازرگانان ایرانی به روابط فردمحور، تجربه‌های شخصی و روش‌های غیررسمی متکی است. در چنین فضایی، نیروهای جوان، استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان کمتر مجال نقش‌آفرینی می‌یابند. این در حالی است که در اقتصاد جهانی، نقش داده، فناوری و هوش مصنوعی در طراحی مسیرهای صادراتی، تحلیل بازار و خلق مزیت رقابتی به شدت پررنگ شده است.

در اقتصادهای نوظهور و توسعه‌یافته، پیوند منسجم میان دانشگاه، صنعت و سیاست‌گذار اقتصادی به‌عنوان زیرساخت تحول‌آفرین در تجارت شناخته می‌شود. نمونه‌های موفق در این زمینه، دانشگاه‌هایی هستند که در دل خوشه‌های صنعتی فعال‌اند، پژوهش‌هایی انجام می‌دهند که مستقیما به نیازهای بازار پاسخ می‌دهند و در نهایت منجر به صادرات محصول یا فناوری می‌شوند. در مقابل، ساختار آموزش عالی در ایران عمدتا نظری باقی مانده و نظام ارزیابی آن بر محور تعداد مقالات متمرکز شده است. از سوی دیگر، صنایع نیز نگاه محدودی به پژوهش و نوآوری دارند و با کمینه کردن بودجه‌های تحقیق و توسعه، از مسیر آزمون‌وخطاهای فناورانه فاصله گرفته‌اند.

فاصله مزمن میان دانشگاه و صنعت

در بسیاری از دانشگاه‌های کشور، دفاتر ارتباط با صنعت یا به شکل تشریفاتی عمل می کنند یا درگیر مسائل اداری‌اند. نبود نیروی متخصص برای مذاکره، تنظیم قرارداد و هدایت پروژه‌ها در چارچوب استانداردهای اقتصادی باعث شده این دفاتر عملا نقشی در پیوند میان دانش و بازار ایفا نکنند. در نقطه مقابل، پارک‌های علم و فناوری نیز در سال‌های اخیر عمدتا به فضاهای استیجاری برای استارتاپ‌ها بدل شده‌اند. خروجی این پارک‌ها، نه در قالب محصول فناورانه صادرات‌محور بلکه در شکل پروژه‌های کوچک خدماتی باقی مانده است.

در صنعت نیز ترجیح اغلب بنگاه‌ها بر واردات فناوری آماده و استفاده از راه‌حل‌های غیر بومی است. این رویکرد، توان پژوهشی داخلی را تضعیف می کند و به چرخه معیوبی می‌انجامد که در آن، جوانان متخصص و کارآزموده جایگاهی در تصمیم‌گیری‌های بزرگ اقتصادی ندارند. این همان چیزی است که ظرفیت تجارت خارجی بخش صنعت کشور را به شدت محدود می کند.

کارکرد پلتفرم‌های بین‌المللی؛ فرصت نادیده گرفته‌شده

ابزارهای تحلیل بازار و داده‌محور مانند ترید مپ (Trade Map) از سوی نهادهایی چون مرکز تجارت بین‌المللی راه‌اندازی شده‌اند تا کشورهای در حال توسعه مسیرهای دقیق‌تری برای حضور در بازار جهانی بیابند. ترید مپ با ارائه آمارهای دقیق از صادرات و واردات کشورها، تغییرات تعرفه‌ها، ظرفیت‌های مغفول‌مانده و روند تقاضای کالاها در بازارهای هدف، امکانی برای طراحی استراتژی صادراتی بر پایه داده فراهم می کند. این ابزار در بسیاری از کشورها در اختیار اتاق‌های بازرگانی، سازمان‌های توسعه تجارت و دانشگاه‌ها قرار دارد تا دانش‌آموختگان جوان با استفاده از آن تحلیل بازار انجام دهند و مسیرهای نو برای صادرات طراحی کنند.

در ایران، آشنایی بسیار محدودی با این ابزارها وجود دارد. نه در دوره‌های دانشگاهی به این دانش‌ها پرداخته می‌شود، نه زیرساختی در بخش دولتی برای دسترسی سیستماتیک به این اطلاعات فراهم شده است. در نتیجه، بسیاری از تصمیم‌ها در حوزه صادرات، همچنان مبتنی بر روابط، تجربه‌های محدود و تحلیل‌های غیرعلمی است.

نکته تاسف آور آنکه چند سال است ایران، غایب اطلاعات مندرج در تریدمپ است. در حالی که کشورهای عقب افتاده آفریقایی نیز در این سایت، اطلاعات خود را به اشتراک می گذارند.

اصلاح نهادهای میانجی و بازی‌سازی مجدد

برای خروج از این وضعیت، باز تعریف کارکرد نهادهای میانجی همچون دفاتر انتقال فناوری، اتاق‌های مشترک بازرگانی و پارک‌های علم و فناوری ضروری است. این نهادها باید به جای نقش‌های اجرایی سنتی، به طراحان مدل‌های جدید مشارکت علمی و اقتصادی تبدیل شوند. جذب جوانان با توانمندی تحلیل داده، مدیریت پروژه‌های صادراتی و توسعه نرم‌افزارهای هوشمند تجاری از مهم‌ترین ماموریت‌های آینده این نهادهاست.

افزون بر این، باید قواعد بازی تغییر کند. تا زمانی که نظام ارتقاء اعضای هیات علمی بر تعداد مقالات و نه دستاوردهای صنعتی استوار است، پیوند دانشگاه و تجارت برقرار نمی‌شود. در سمت صنعت نیز اعطای مشوق‌های مالیاتی و امتیازات صادراتی به شرکت‌هایی که از ظرفیت دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان بهره می‌برند، یک ضرورت است. آن هم نه فقط در بخش تکنولوژی ساخت، بلکه در زمینه‌هایی همچون بازاریابی بین‌المللی، تامین مالی خارجی یا مشترک و دانش حقوقی فراملی.

از خودکفایی شعاری تا تعامل راهبردی

تجربه تاریخی ایران و برخی کشورها مانند شوروی سابق نشان می‌دهد که اصرار بر خودکفایی در غیاب تعامل بین‌المللی و تبادل فناوری، به انزوا و عقب‌ماندگی فناورانه منجر می‌شود. تولید ملی زمانی معنا دارد که مبتنی بر فناوری روز، شناخت بازار جهانی و مشارکت فعال در زنجیره ارزش بین‌المللی باشد. جوانان ایرانی با دانش روز، انگیزه بالا و تسلط بر ابزارهای دیجیتال، سرمایه بزرگی برای این هدف هستند اما تنها در صورتی که ساختار تصمیم‌گیری تجاری به آنها اجازه ورود دهد.

مسیرهای بازسازی ظرفیت تجارت دانش‌بنیان

علی فراهانی
هفت صبح

گذار از تجارت سنتی به تجارت دانش‌بنیان نیازمند اراده سیاسی، اصلاح نهادی و تغییر ذهنیت تصمیم‌گیران اقتصادی است. این گذار، نه از مسیر پروژه‌های کوتاه‌مدت یا بخشنامه‌های مقطعی، بلکه از طریق برنامه‌ریزی بلندمدت، سرمایه‌گذاری متمرکز بر آموزش کاربردی و فعال‌سازی ظرفیت دانشگاه‌ها و شرکت‌های فناوری‌محور محقق می‌شود.

در مرحله نخست، باید بانک‌های اطلاعاتی دقیق از ظرفیت‌های صادراتی کشور، نقاط ضعف و قوت رقبا و تحلیل بازارهای هدف ایجاد و در دسترس دانشگاه‌ها، شرکت‌های نوآور و اتاق‌های بازرگانی قرار گیرد. این بانک‌های اطلاعاتی باید به‌صورت منظم به‌روزرسانی شوند و از ابزارهای هوش مصنوعی برای تحلیل روندها استفاده کنند.

در گام بعدی، لازم است نهادهای آموزشی به جای تکرار مطالب نظری، به تربیت تحلیلگر بازار، طراح محصول صادراتی و مدیر پروژه بین‌المللی بپردازند. دانشجویان باید مهارت استفاده از ابزارهایی مانند ترید مپ، تسلط به زبان تجارت جهانی، آشنایی با قواعد سازمان تجارت جهانی و مذاکره با طرف‌های خارجی را در محیط واقعی تمرین کنند. این اتفاق در صورتی رخ می‌دهد که دانشگاه از انزوا خارج شود و در تعامل فعال با صنعت و بازارهای جهانی قرار گیرد.

حکمران و سیاست‌گذار باید از مدل‌های نظارتی و دستوری فاصله بگیرد و با مشارکت نهادهای مدنی و بخش خصوصی، بستری برای شکوفایی استعدادها فراهم آورد. طراحی مشوق‌هایی برای صادرات کالاهای فناورانه، اعطای مجوزهای سریع به شرکت‌های نوپا در حوزه تجارت بین‌الملل و حمایت حقوقی و بیمه‌ای از قراردادهای خارجی شرکت‌های دانش‌بنیان از جمله این اقدامات است.

فرصت تاریخی برای بازسازی ساختار تجارت

اقتصاد ایران در آستانه یک انتخاب تاریخی قرار دارد؛ یا در مسیر تکرار الگوهای گذشته، با نرخ پایین بهره‌وری، زنجیره‌های معیوب صادرات و واردات، و اتکای مزمن به خام‌فروشی باقی بماند، یا با اعتماد به نسل جوان و فناوری، وارد مسیر بازسازی ساختار تجارت خارجی شود. نشانه‌های اولیه این تحول در برخی تلاش‌های پراکنده دیده می‌شود اما تا شکل‌گیری یک جریان ملی، همچنان فاصله وجود دارد.

در جهانی که رقابت اقتصادی به‌جای مرزهای جغرافیایی در سطح داده، نوآوری و زنجیره تأمین معنا پیدا کرده، ایران نیز ناگزیر از بازاندیشی در نقش سنتی خود در تجارت است. اگر این بازاندیشی با رویکردی آینده‌نگر، فناورانه و جوان‌محور همراه شود، مسیر تازه‌ای در اقتصاد ملی گشوده خواهد شد؛ مسیری که در آن دانش، تحلیل و فناوری بر تجربه صرف و رابطه‌های شخصی غلبه می کند و صادرات دیگر امری تصادفی یا محفلی نخواهد بود، بلکه حاصل برنامه‌ریزی علمی و تعامل با جهان است.

دیدگاه

تجربه‌ای تاریخی از دخالت آمریکا در بازار ارز ژاپن

کابوس پلازا باز می گردد؟

توافق پلازا باعث افزایش شدید ارزش ین و سقوط صادرات ژاپن شد

فرشید فرحناکیان
دکترای حقوق نفت و گاز

به‌عنوان نمادی از همکاری ظاهری؛ اما پرهزینه، بین دو کشور در آن زمان از تصویری تاریخی از رونالد ریگان (رئیس‌جمهور وقت آمریکا) و یاسوهیرو ناکاسونه (نخست‌وزیر وقت ژاپن) استفاده می‌شود. دقیقاً ۴۰ سال پیش، زیر نور لوسترهای سالن رقص نیویورک، «توافق پلازا» امضا شد که موجی مالی را به راه انداخت و باعث شد ارزش ین ژاپن در عرض فقط ۱۶ ماه به میزان ۴۶ درصد افزایش یابد. صادرات فروپاشید و رشد اقتصادی خیره‌کننده ۵ درصدی ژاپن به خاکستر تبدیل شد. بانک‌ها وحشت‌زده شدند و شروع به چاپ پول کردند که این امر باعث تورم بی‌رویه در بازار سهام و املاک شد و حبابی ناپایدار ایجاد کرد. سپس بازار سقوط کرد، ارزش زمین‌ها ۸۰ درصد کاهش یافت، پس‌انداز یک نسل کامل در یک‌شب بخار شد، بیکاری گسترده و تورم منفی فلج‌کننده‌ای به دنبال داشت. مردم ژاپن مجبور شدند سه دهه طولانی از «دهه‌های گمشده» را تحمل کنند که در آن رونق اقتصادی از بین رفت. شیگرو ایشیبا (نخست‌وزیر فعلی ژاپن)! اکنون واشنگتن دوباره در حال تلاش برای تکرار همان ترفند است. آیا روح ناکاسونه (نخست‌وزیر وقت ژاپن) را حس می کنید که آستین‌هایتان را گرفته است؟

توافق پلازا (Plaza Accord) در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۵ در هتل پلازا در نیویورک بین کشورهای گروه پنج (G5) شامل ایالات‌متحده، ژاپن، آلمان غربی، فرانسه و بریتانیا امضا شد. هدف این توافق کاهش ارزش دلار آمریکا نسبت به ین ژاپن و مارک آلمان بود تا کسری تجاری ایالات‌متحده کاهش یابد. در آن زمان، اقتصاد آمریکا به دلیل کسری تجاری بالا (۳.۵ درصد تولید ناخالص داخلی) و رکود اقتصادی اوایل دهه ۱۹۸۰ تحت‌فشار بود. این توافق باعث شد که ارزش ین ژاپن به‌طور چشمگیری افزایش یابد (۴۶ درصد در ۱۶ ماه) که تأثیرات مخربی بر اقتصاد ژاپن گذاشت.

ژاپن در دهه ۱۹۸۰ یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان بود و با رشد اقتصادی ۵ درصدی، به‌ویژه از طریق صادرات، در اوج شکوفایی قرار داشت؛ اما افزایش ارزش ین باعث شد که کالاهای ژاپنی در بازارهای جهانی گران‌تر شوند و صادرات این کشور به‌شدت کاهش یابد. برای جبران این ضربه، بانک مرکزی ژاپن سیاست‌های پولی انبساطی را در پیش گرفت و نرخ بهره را کاهش داد. این سیاست‌ها منجر به ایجاد یک حباب اقتصادی در بازار سهام و املاک شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰، این حباب ترکید و ارزش املاک تا ۸۰ درصد سقوط کرد. نتیجه این فروپاشی، دوره‌ای طولانی از رکود اقتصادی بود که به «دهه‌های گمشده» (Lost Decades) معروف شد. در این دوره، رشد تولید ناخالص داخلی ژاپن به‌طور متوسط تنها ۱.۱۴ درصد در سال (بین ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳) بود، درحالی‌که سایر کشورهای صنعتی رشد بسیار بالاتری داشتند. این رکود با بیکاری گسترده، تورم منفی (Deflation) و از بین رفتن پس‌انداز مردم همراه بود.

ایالات‌متحده ممکن است دوباره از تاکتیک‌های مشابه برای فشار اقتصادی بر ژاپن استفاده کند، همان‌طور که در دهه ۱۹۸۰ با نخست‌وزیر وقت، یاسوهیرو ناکاسونه، انجام داد. ارجاع به «روح ناکاسونه» یک استعاره است که نشان‌دهنده شباهت شرایط کنونی با گذشته و هشداری برای تکرار تاریخ است.

یادآوری این توافق، ترکیبی از تاریخ، هشدار سیاسی و تحلیل اقتصادی است. توافق پلازا و پیامدهای آن برای ژاپن به‌عنوان یک نمونه تاریخی استفاده می‌شود تا نشان دهد چگونه تصمیمات اقتصادی بین‌المللی می‌توانند تأثیرات عمیق و بلندمدتی بر یک کشور داشته باشند. تجربه تلخ ژاپن، نشان می‌دهد که ایالات‌متحده همیشه از ابزارهای اقتصادی برای تضعیف رقبای خود استفاده می کند. این موضوع می‌تواند به‌عنوان هشداری برای ژاپن تفسیر شود که ممکن است هدف مجدد فشارهای مشابه از سوی آمریکا قرار گیرند. جلوگیری از تکرار چنین سناریویی برای ژاپن صرفاً با مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی آمریکا میسر خواهد شد.

نگاه دیگران

برآورد خسارت ۴ میلیارد دلاری در بندر رجایی

موسسه استرالیایی Baird Maritime بدون ارایه مستندات و جزئیات، رقم خسارت اقتصادی انفجار در بندر شهید رجایی را ۴ میلیارد دلار برآورد کرده است. رقمی که هنوز از سوی مقامات کشورمان تایید یا رد نشده است.

سایت Baird Maritime اخیراً گزارشی درباره انفجار مهیب در بندر شهید رجایی منتشر کرده است. بر اساس این گزارش، انفجار در بندر شهید رجایی یکی از مراکز مهم دریایی ایران، منجر به تلفات انسانی و اقتصادی گسترده‌ای شده است. این انفجار که جان ۷۰ نفر را گرفت و بیش از ۱۲۰۰ نفر را زخمی کرد، آسیب‌های قابل توجهی به زیرساخت‌های بندر وارد کرده و ضرر اقتصادی آن حدود ۴ میلیارد دلار برآورد شده است که معادل ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران می‌باشد. این مسئله به‌ویژه نگران کننده است زیرا بندر شهید رجایی نقش استراتژیکی در اقتصاد ایران ایفا می کند و حدود ۶۰ درصد از تجارت دریایی کشور و بیش از نیمی از فعالیت‌های بارگیری و تخلیه کالا را به خود اختصاص می‌دهد.

با توجه به اینکه این بندر برای واردات و صادرات ایران حیاتی است و ۷۰ درصد از واردات و ۳۰ درصد از صادرات غیرنفتی کشور از طریق آن انجام می‌شود (گزارش‌های داخلی، ۵۵ و کمتر از ۴۰ درصد است)، اختلال در فعالیت‌های آن می‌تواند پیامدهای اقتصادی بلندمدت جدی داشته باشد. یک مطالعه علمی پیش‌تر هشدار داده بود که چنین اختلالاتی به طور قابل توجهی بر زنجیره‌های تأمین داخلی، به‌ویژه در صنایعی مانند تولید مواد شیمیایی و خودروسازی تأثیر می‌گذارد.

اگرچه انفجار از یک مخزن ذخیره مایعات در محل آغاز شده بود، مقامات اعلام کرده‌اند که تمام آتش‌سوزی‌های شناخته‌شده مهار شده‌اند و عملیات در بسیاری از مناطق بندر از سر گرفته شده است. با این حال هنوز میزان کامل خسارات و تأثیرات اقتصادی بلندمدت آن به‌طور کامل ارزیابی نشده است. این حادثه آسیب‌پذیری‌های زیرساخت‌های حیاتی و پیامدهای گسترده‌ای که چنین حوادثی بر اقتصاد یک کشور دارد را نمایان می کند. Baird Maritime یک ناشر خصوصی استرالیایی است که در زمینه صنعت دریانوردی و حمل‌ونقل دریایی فعالیت می کند. این موسسه به‌طور تخصصی به اخبار، تحلیل‌ها و گزارش‌های مرتبط با کشتی‌ها، بنادر، امنیت دریایی و صنایع مرتبط می‌پردازد. این شرکت همچنین مجله‌هایی مانند Work Boat World و Fishing Boat World را منتشر می کند که به‌طور تخصصی به بخش‌های مختلف صنعت دریانوردی می‌پردازند.

رقم خسارت ۴ میلیارد دلار که در برخی گزارش‌ها مطرح شده، تاکنون از سوی مقامات ایرانی تایید یا رد نشده است و ممکن است تنها برآوردی اولیه باشد.

سلاحی به نام مهربانی؛ حیوانات شهری با غذای انسانی چاق، بی‌مهارت و در معرض خطر شده‌اند

گربه‌هایی که از موش می‌ترسند

- کلاغ‌ها و سگ‌های شهری با مشکلات گوارشی و ضعف ایمنی روبه‌رو هستند
- گربه‌ها با تغذیه دستی تا ۶۵ درصد توانایی شکار خود را از دست داده‌اند

لیلا مهداد
هفت‌صبح

تعلل شکارچی‌ها حوصله شکار را سر می‌برد و به سمت آنها حمله‌ور می‌شود تا کمی به ماجرا هیجان بدهد، شکارچی‌ها پا به فرار می‌گذارند. ویدیویی چند دقیقه‌ای از تقابل دو گربه با یک موش که واقعیت تلخی را به رخ تماشاگر می‌کشد؛ اینکه گربه‌ها دیگر شکارچی موش‌ها نیستند.

به شکارش زل زده اما جرأت نزدیک شدن، ندارد. شکار بی‌هیچ ابایی از شکارچی با قدم‌های کوتاهش به این سو آن سو می‌رود. شکارچی یک قدم پیش می‌گذارد و دوباره پا پس می‌کشد. دقایقی بعد شکارچی‌ها دو تا می‌شوند اما طعمه شکار راحت برای خودش جست و خیز می‌کند.

حذف شکار از حافظه ژنتیکی گربه‌ها!

غذا دادن به حیوانات شهری مانند گربه‌ها، سگ‌ها و کلاغ‌ها در تهران چرخه طبیعی حیات‌شان را مختل می‌کند. متاسفانه گونه‌هایی مانند گربه‌های ولگرد و کلاغ‌ها به‌جای شکار به رژیم‌غذایی غنی از کربوهیدرات (نان، برنج) و پروتئین‌های فرآوری‌شده (پسماند گوشت) روی آورده‌اند و این یعنی اینکه نسل‌های جوان این حیوانات هم فرصت یادگیری تکنیک‌های شکار از والدین‌شان را از دست می‌دهند. بهزاد نوربخش‌نیا، دامپزشک هم معتقد است اگرچه غذا دادن به حیوانات شهری با نیت انسانی انجام می‌شود، اما پیامدهای اکولوژیک گسترده‌ای دارد. این دامپزشک به «هفت‌صبح» می‌گوید: «وابستگی حیوانات به غذای دستی، غریزه شکار را در گونه‌هایی مانند گربه‌ها کاهش می‌دهد، بنابراین ما شاهد چاقی مفرط و بی‌میلی آنها به شکار موش هستیم، بنابراین همین مسئله سبب شده تعادل زنجیره غذایی برهم بخورد.» البته مطالعات روی گربه‌های شهری هم نشان می‌دهد نسل‌های متوالی تغذیه دستی سبب شده گربه‌ها تا ۶۵درصد توانایی شکار موش‌ها را از دست بدهند، درواقع این رویه موجب حذف این رفتار از حافظه ژنتیکی آنها شده است.

عادتی اشتباه و اختلال اکوسیستمی بی‌شمار!

برخی از مطالعات نشان از این دارند که غذا دادن به حیوانات سبب شده الگوی مهاجرت در میان برخی از گونه‌ها تغییر پیدا کند. به عنوان نمونه کبوترهای چاهی که پیش از این مهاجرت فصلی داشتند، به دلیل دسترسی دائمی به غذا در شهرها ساکن شده‌اند. درواقع داده‌های ماهواره‌ای کاهش ۴۰درصدی مسافت مهاجرت را ثبت کرده‌اند. یک دسته از تحقیقات هم بر این مسئله تاکید دارند که جمعیت‌های حیوانات تغذیه‌شده دارای تنوع ژنی کمتری هستند. به عنوان نمونه بررسی‌ها روی سنجاب‌های پارک لاله، کاهش ۲۵درصدی تنوع آللی- تنوع ژنی- را نشان می‌دهد. مطالعاتی روی سگ‌های پارک جمشیدیه هم نشان می‌دهد این جمعیت با کاهش ۳۰درصدی آنزیم‌های گوارشی پروتئین روبه‌رو هستند. درواقع غذا گرفتن از دست انسان‌ها متابولیسم آنها را تحت‌تاثیر قرار داده است. گربه‌های برج میلاد هم با افزایش ۴برابری زادآوری دست به گریبان‌اند. کلاغ‌های میدان انقلاب هم با ضعف سیستم ایمنی درگیر شده‌اند. نتایجی که نشان می‌دهند، شهروندان ناخواسته و با نیت‌های خیرخواهانه با این حیوانات سر دشمنی دارند. هرچند نوربخش‌نیا معتقد است این اختلال اکوسیستمی تنها به حیوانات شهری محدود نمی‌شود و بی‌شک سلامت شهروندان هم به خطر می‌افتد. او خطر اصلی را انتقال بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان می‌داند و می‌گوید: «توکسوپلاسموز و هاری دو نمونه بارزند. یک گربه ناقل هاری می‌تواند حتی با یک خراش کوچک، جان کودکانی را که با آن بازی می‌کنند، تهدید کند.»

نتایج جالب یک تحقیق

غذا دادن به حیوانات شهری به ظاهر مهربانانه است، در حالی که در واقعیت موجب تخریب سیستماتیک سازوکارهای تکاملی این حیوانات می‌شود که طی میلیون‌ها سال شکل گرفته است. براساس نظر کارشناسان این مداخله نه تنها تعادل اکولوژیک را برهم می‌زند، بلکه این موجودات را به موجوداتی وابسته و ناکارآمد تبدیل می‌کند. به‌عنوان نمونه شکار در میان گربه‌های شهری طی سه نسل ۷۲درصد کاهش داشته یا روباه‌های شهری ۴۵درصد کمتر از توله‌های‌شان مراقبت می‌کنند. هرچند مطالعات میدانی نشان می‌دهد مادران کلاغ در پارک جمشیدیه تهران، جوجه‌ها را پس از ۱۴روز رها می‌کنند، در حالی که در طبیعت این پروسه ۳۵روزه است. این در حالی است که برخی همچنان معتقدند غذا دادن به حیوانات حمایت از آنهاست.

محبت یا ویرانی ژنتیک، رفتار و بقای نسل‌های آینده حیوانات

اگرچه نوربخش‌نیا بر این باور است این نگرش دوگانگی دارد. این دامپزشک عنوان می‌کند: «حامیان حیوانات، غذا دادن را نوعی کمک می‌دانند، اما اغلب جامعه می‌دانند این کار هم بر حیوانات و هم بر انسان‌ها اثر منفی می‌گذارد. گربه‌ها ذاتاً شکارچی هستند و دخالت در غرایزشان، هرم طبیعت را ویران می‌کند.» او معتقد است تغذیه نامناسب می‌تواند بر نسل آینده این حیوانات تأثیر بگذارد. این دامپزشک بیان می‌کند: «تغذیه نامناسب توسط انسان‌ها نه تنها بر حیوانات کنونی، بلکه بر ژنتیک، رفتار و بقای نسل‌های آینده تأثیرات ویرانگری دارد. برخی از غذاهایی که به حیوانات داده می‌شود حاوی سالمونلاست که عامل مسمومیت و کمبود کلسیم در این حیوانات می‌شوند.»

دخالت نابجا و چرخه بیماری و انقراض گونه‌ها

نوربخش‌نیا ادامه می‌دهد: «به عنوان نمونه گربه باردارِ دچار سوءتغذیه، ممکن است فرزندانی با فلجی یا مشکلات حرکتی به دنیا بیاورد.» این دامپزشک می‌گوید: «برای مدیریت این بحران نیاز داریم از غذاهای استاندارد مخصوص هر گونه استفاده کنیم.» او ادامه می‌دهد: «شهرداری باید ایستگاه‌های تغذیه کنترل‌شده ایجاد کند، البته آموزش شهروندان درباره خطرات غذا دادن غیراصولی باید در اولویت باشد.» نوربخش‌نیا اظهار می‌کند: «طبیعت، سیستم خودتنظیم‌گری دارد. با دخالت نابجا، نه‌تنها به حیوانات کمک نمی‌کنیم، بلکه چرخه‌ای از بیماری و انقراض گونه‌ها را کلید می‌زنیم.»

مدیریت هوشمندانه میان ترحم انسانی و تعادل اکولوژیک

گزارش ۲۰۲۵ فدراسیون بین‌المللی حقوق حیوانات (IFAW) نشان می‌دهد رویکرد «تغذیه آگاهانه + کنترل جمعیت + آموزش همگانی» توانسته در ۱۵ کلانشهر جهان نرخ مرگ‌ومیر حیوانات خیابانی را ۴۰درصد کاهش دهد. در ایران هم پروژه پایلوت «شیراز؛ شهر دوستدار حیوانات» اجرایی شد. این پروژه با هدایت شهرداری شیراز و مشارکت ۱۲ نهاد مردم‌نهاد حیوان‌حامی، به عنوان الگویی پیشرو در خاورمیانه شناخته شد. درخصوص نتایج این پروژه باید گفت شاهد کاهش ۳۵درصدی جمعیت سگ‌های خیابانی از ۹هزار و ۲۰۰ به ۶هزار قلاده طی ۲سال بودیم. بنابر گفته‌های مریم یاران، فعال و دوستدار حیوانات و محیط‌زیست، حیوانات شهری حق حیات دارند و غذا دادن به آنها مسئولیت اخلاقی است. یاران معتقد است انسان با شهرسازی‌های بی‌رویه محل زیست حیوانات را تصرف کرده، بنابراین موجوداتی که شکار حیوانات شهری می‌شدند کوچ کرده‌اند. او به «هفت‌صبح» می‌گوید: «ما زیستگاه طبیعی این حیوانات را خراب کردیم.» این فعال و دوستدار حیوانات و محیط‌زیست ادامه می‌دهد: «حیوانات شهری هم نیازمند بقا هستند، بنابراین کمک به حیوانات بی‌پناه تکلیف انسانی است.» یاران اظهار می‌کند: «بحث غذا دادن به حیوانات نیازمند تفکیک بین موقعیت‌های اضطراری (مانند نجات حیوان زخمی) و روال‌های روزمره است.» او بر این باور است با مدیریت هوشمندانه می‌توان میان ترحم انسانی و تعادل اکولوژیک هماهنگی ایجاد کرد.

تغذیه باید همراه با برنامه‌های استریل ization و بازپروری باشد

مریم یاران در پاسخ به این انتقاد که غذا دادن به حیوانات سبب می‌شود آنها به انسان‌ها وابسته شوند، می‌گوید: «تغذیه باید همراه با برنامه‌های استریل ization و بازپروری باشد.» یاران در باب ایجاد اختلال در زنجیره غذایی هم بیان می‌کند: «این عمل فقط برای گونه‌های آسیب‌دیده از فعالیت‌های انسانی ضروری است.» این فعال و دوستدار حیوانات و محیط‌زیست عنوان می‌کند: «غذا دادن به حیوانات شهری باید اصولی باشد. به عنوان نمونه سگ‌های بی‌خانمان روزانه به ۵۵-۷۰ کیلوکالری غذا نیاز دارد. در غذا دادن به سگ‌های بی‌خانمان باید از غذاهای حاوی سیر و پیاز پرهیز شود.» او ادامه می‌دهد: «گربه‌های شهری هم نیازمند ۴۰-۵۰ کیلوکالری هستند. به این حیوانات نباید شیر گاو داده شود. پرندگان مهاجر هم نیاز به دانه‌های غنی‌شده دارند. نکته قابل تامل اینکه باید از دادن نان‌های کپک‌زده جدا خودداری شود.»

نکته

جریمه ۵میلیونی برای تغذیه غیرمجاز سگ‌های ولگرد

شهرداری تهران طبق ماده ۲۰ آیین‌نامه حفظ بهداشت عمومی، تغذیه حیوانات در میادین اصلی، ورودی مترو و اطراف بیمارستان‌ها را ممنوع اعلام کرده، البته در برخی شهرها مانند اصفهان، تغذیه غیرمجاز سگ‌های ولگرد طبق مصوبه ۱۴۰۲ شورای شهر تا ۵میلیون تومان جریمه دارد. هرچند یک استثنا وجود دارد؛ تغذیه در زمستان با هماهنگی سازمان دامپزشکی و پناهگاه‌های مجاز بلامانع است.

تهرانگرد

خانه مقدم؛ از اشیای آنتیک تا معماری بی‌نظیر

گران‌ترین خانه تهران اینجاست

تزئینات ایوان این خانه برگرفته از کاخ الحمرا در اسپانیا است

مرضیه موسوی
هفت‌صبح

«محمدتقی خان احتساب‌الملک» رئیس اداره احتسابیه تهران و از رجال دوره قاجار، اولین صاحب این خانه بود؛ خانه‌ای در خیابان سپه که این روزها به عنوان موزه مقدم و گران‌قیمت‌ترین خانه تهران می‌شناسیم. این خانه بعدها در اختیار «محسن مقدم» که استاد باستان شناسی دانشگاه تهران بود قرار گرفت. محسن مقدم و همسرش «سلما» بازسازی این خانه را انجام دادند و با تزئینات مختلفی در گوشه و کنار خانه، آن را به یکی از دیدنی‌ترین خانه‌های شهر تهران تبدیل کردند.

موزه مقدم تنها خانه تاریخی تهران است که برج قلعه مانندی گوشه آن جا خوش کرده. جزئیات زیادی که در تزئینات این خانه به کار رفته است، چشم هر بیننده را به خود خیره می‌کند. این خانه با دو حیاط زمستانه و تابستانه و حیاط سرایداری ساختمان‌های مختلفی را در خود جا داده است. محسن مقدم در طول سال‌های زندگی در این خانه، مجموعه‌های بی‌نظیری از پیپ و قلیان و آثار سفالی و اشیای قدیمی دیگر جمع‌آوری کرده است. بخشی از این مجموعه‌ها را می‌توانید روی دیوارهای این خانه ببینید. مثل اتاقی که با انواع صدف تزیین شده است. انواع کاشی‌ها و ستون‌ها و تزئینات دیگری مثل حجاری روی سنگ، در گوشه و کنار خانه به کار رفته که هر کدام از خانه و عمارتی قدیمی سر از این خانه در آورده است.

کاشیکاری‌های بی‌نظیری در دیوارهای حیاط و حوض‌خانه و تالارهای این خانه به چشم می‌بینید. نقش‌های این کاشی‌ها قصه‌های مختلفی از آداب و رسوم گذشته تهران و ایران روایت می‌کند. پارچه‌های تکه دوزی شده و نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و سفالینه‌های تاریخی در تالارهای خانه جا گرفته است.

حوض حمام فتحعلیشاه

ایوان خانه موزه مقدم علاوه بر تزئینات کاشی‌کاری، حوض مرمر کوچکی دارد که از حمام فتحعلیشاه سر از حیاط این خانه در آورده است. تزئینات این ایوان برگرفته از کاخ الحمرا در اسپانیا است و آب این حوض کوچک، روانه باغ ایرانی و باغ ژاپنی این خانه می‌شود.

دیوار طاقی شکلی دو حیاط اصلی این خانه را از هم جدا می‌کند؛ دیواری که برگرفته از معماری چهل ستون، به دیوار تجدد شهرت دارد و طراحی و اجرای آن هنر دست هوشنگ سیحون است.

سالن زمستانی، با شومینه و تزئیناتی مثل آیینه کاری و گچبری و ستون‌های زیبا، یکی از خیره‌کننده‌ترین بخش‌های این خانه است. معماری این خانه آنقدر جزئیات فراوان دارد که حتی اگر در تالارها هم اشیائی برای نمایش گذاشته نشده باشد، باز می‌توان ساعت‌ها در این خانه قدیمی قدم زد و از دیدن معماری خانه به وجد آمد. همین تزئینات ارزشمند است که این خانه را به گران‌قیمت‌ترین خانه تهران مشهور کرده است.

معماری قرون وسطی در خانه اربابی

محسن مقدم، استاد دانشگاه تهران بود. او را به عنوان بنیانگذار دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران می‌شناسیم. محسن مقدم همان فردی است که آرم دانشگاه تهران را طراحی کرد. همچنین لباس فارغ‌التحصیلی دانشگاه تهران و تزئینات به کار رفته روی آن، طرحی از محسن مقدم است و با الهام از نمادهای اصیل ایرانی طراحی شده است. در گوشه‌ای از تالار زمستانه این خانه بخشی از افتخارات و مدال‌های محسن مقدم هم به چشم می‌خورد. بعد از فوت محسن مقدم و همسرش سلما، این خانه در اختیار دانشگاه تهران قرار گرفت. یکی از دیدنی‌های این خانه گلخانه‌ای است که حتی دیوارهای آن هم از تزئینات کاشی‌کاری دور نمانده است. خانه مقدم تنها خانه تهران است که در آن می‌توانید سراغی از برج بگیرید؛ ساختمانی که به ساختمان اربابی معروف است و با بهره‌گیری از معماری قرون وسطی در اروپا ساخته شده است. این عمارت که نمای بیرونی آن شبیه رخ بازی شطرنج است، از خیابان امام خمینی هم پیداست.

محسن مقدم و همسرش سلما در حیاط تابستانه این خانه، باغی معروف به باغ ژاپنی ساخته‌اند؛ باغی که چیدمان آن الهام گرفته از باغ‌های ژاپنی است. این خانه دیدنی، کتابخانه‌ای هم در دل خود جا داده است.

شناسه آگهی : ۱۹۲۱۴۶۶ نوبت دوم

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان مازندران (سهامی خاص)

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه (یک مرحله‌ای) شماره مناقصه ۱۱۶۲۴

شرکت گاز استان مازندران در نظر دارد از طریق فراخوان ارزیابی کیفی نسبت به برگزاری مناقصات ذیل اقدام نماید . بدینوسیله از کلیه شرکتهای مشاورواجد شرایط که مایل به شرکت در این ارزیابی هستند دعوت می گردد از ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ ساعت ۱۰ الی ۱۴۰۴/۰۲/۱۸ ساعت ۱۲:۰۰ اسناد ارزیابی کیفی را از سامانه WWW.SETADIRAN.IR دریافت نمایندو تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۱ ساعت ۱۲:۰۰ اسناد فوق را از طریق سامانه ارسال نمایند . بدیهی است شرکت گاز استان مازندران پس از بررسی اسناد و مدارک واصله و اطلاعات مندرج در پرسشنامه در چارچوب ضوابط و مقررات نسبت به ارزیابی کیفی مشاوران اقدام و از شرکتهای واجد شرایط جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه فوق دعوت بعمل خواهد آورد .ضمناً ارائه مدارک و پرسشنامه های تکمیل شده در سایت هیچگونه حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد . خواهشمند است ، آدرس ، کدپستی و تلفن به وضوح مشخص گردد . در صورت عدم پاسخگویی یا خرابی فکس مسئولیت آن بر عهده مناقصه گر می باشد .

عنوان و مشخصات کلی پروژه ها :

ردیف	موضوع مناقصه	شماره فراخوان سامانه ستاد	مبلغ تضمین	مبلغ برآورد	حداقل امتیاز کیفی
۱	گازرسانی به صنایع و مجتمع های مسکونی در قالب حفره خالی در سطح استان مازندران به روش pc	۲۰۰۴۰۹۱۵۷۸۰۰۰۰۱۵	۱۲,۹۳۴,۲۱۴,۰۰۰	۲۵۸,۶۸۴,۲۶۳,۷۰۵	۶۵
۲	باقیمانده خطوط تغذیه و توزیع گاز و ایستگاههای تقلیل فشار (TBS مجموعه روستاهای واحد – تلوچال –اجابیت و طبرسو) شهر کلاردشت و گویتر مرزن آباد – تجدید مناقصه	۲۰۰۴۰۹۱۵۷۸۰۰۰۰۲۵	۱,۹۵۰,۶۶۹,۰۰۰	۳۹,۰۱۳,۳۷۸,۶۰۵	۷۰

۱- محل تامین اعتبار : سایر منابع /منابع داخلی
۲- مدت اعتبار پیشنهادها : سه ماه می باشد و این مدت حداکثر برای یک بار قابل تمدید می باشد .
۳- نوع تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار : تضمین معتبر براساس آیین نامه تضامین معاملات دولتی مصوبه هیات وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ و اصلاحات بعد از آن در خصوص کارهای پیمانکاری
۴- توزیع اسناد : از شنبه ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ الی چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۳/۲۱ ساعت ۱۰:۰۰
۵- مهلت ارائه پیشنهاد : تا شنبه ساعت ۱۰:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۳۱ (ضمنا"اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کارتا پایان وقت اداری همان روز ثبت و تحویل دبیر خانه کمیسیون مناقصات گردد)
۶- زمان گشایش پیشنهادات : یکشنبه ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ ساعت ۰۹:۰۰ صبح
۷- ضمنا: هرگونه تغییر در زمان های یاد شده از طریق سامانه اعلام می گردد .
۸-شرایط متقاضی :
-داشتن گواهی صلاحیت در رشته تاسیسات و تجهیزات برای ردیف ۱ و رشته تاسیسات و تجهیزات یا نفت و گاز برای ردیف ۲ از سازمان برنامه و بودجه با ظرفیت آزاد و مجاز
-داشتن توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات طبق ضوابط کارفرما
-داشتن کد اقتصادی از وزارت اقتصادی و دارایی
- ثبت نام و اخذکد اطلاع رسانی پایگاه ملی مناقصات با مراجعه به سایت http : // iets.mporg.ir
-ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹برای پیشنهادهای بالای ۱۰برابر نصاب معاملات متوسط باشد الزامی است. با رعایت ماده ۴ آیین نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی.
- « حداقل نصاب پیشنهاد دهنده در این مناقصه ها برای ردیف ۱ سه مناقصه گر و برای ردیف ۲ به هر تعداد مناقصه گر می باشد» (ملاک تعیین تعداد مناقصه گر، بعد از تایید صحیح بودن محتویات پاکت الف می باشد).
- قیمتها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.(در صورتیکه کالا مشابه تولید داخل دارد)
متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند « ۸» فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند ،
می‌توانند درمهلت تعیین شده فوق الذکر جهت در یافت اسناد به سایت اعلام شده مراجعه نمایند .
- شرکت کنندگان در مناقصه، میبایست شماره ثابت و شماره فکس دفتر خود را در سامانه ستاد ارائه نمایند در غیر اینصورت مسئولیت عدم اطلاع رسانی در مواقع ضروری به عهده آن شرکت می‌باشد و حق هیچگونه اعتراضی نخواهند داشت.
- به پیشنهادات شرکت های دارای هیات مدیره مشترک موثر در انجام مناقصه تر تیب اثر داده نخواهد شد.
- جهت کسب اطلاعات بیشتر در سایت شرکت گاز استان مازندران به آدرس www.nigc-mazandaran. ir
و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور به آدرس http : // iets.mporg.ir مراجعه نمایید .
-اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه
- مرکز تماس : ۴۱۹۳۴-۰۲۱ و ۵۷۸۹۵۰۰۰-۰۲۱
- دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۹۵۱۹۳۷۶۸

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۱۴
۹۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۵۶۵۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ منضم به نامه شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۵۶۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه و بلامعارض خانم اعظم جعفری ورزنه بشماره شناسنامه ۶۱۶ و کد ملی ۰۳۸۴۴۷۴۷۸۰ فرزند رضا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۴۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۹۴ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ده تهران محرز شده لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام نامبرده صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴
۱۰۵۳۸ م الف سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران - محمد علی ابراهیمی
شناسه آگهی ۱۹۱۱۷۴۸

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لواسانات
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۴۸۰۰۰۲۰۳ مورخ ۱۴۰۴/۱/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لواسانات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین ناهید به شناسنامه شماره ۴۱۰۴۱ کد ملی ۰۳۸۰۴۱۲۳۳۰ صادره قم فرزند محمدعلی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی با کاربری باغات و کشاورزی به مساحت ۴۸۶/۵۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۸۱ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در قریه ترک مزرعه بخش ۱۱ تهران حوزه ثبت ملک لواسانات انتقال ملک از مالک رسمی آقای هادی نجاتی شهدین و خانم اعظم السادات شجاعت محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: یک شنبه ۱۴۰۴/۲/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۴/۲/۲۹
۱۰۸۴۵ م الف رئیس اداره ثبت اسناد و املاک لواسانات - نصراله رادپور
شناسه آگهی ۱۹۲۰۲۵۹

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۵۲۵۸ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند. رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۹۲۸ تقاضای خانم طاهره کلاهدوز به شماره شناسنامه ۴۴۵ و کد ملی ۰۹۳۷۷۰۲۲۳۴ صادره از مشهد فرزند عباس در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده که مقدار سه سهم مشاع از ۲۱ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۱۹۸ متر مربع از پلاک شماره ۲۶۷ - اصلی واقع در اراضی چینیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید.
شناسه آگهی: ۱۹۱۲۲۰۹
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۱۴
جواد پورمند
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان
از طرف غلامرضا قاسمی

شکاف بر تاج سلطنت

پرنس هری پس از شکست قضایی، از نادیده گرفته شدن توسط پدر و دوری برادر می‌نالد

رامتین لطیفی
روزنامه‌نگار

در پیچ‌وخم کاخ‌های سلطنتی، جایی که دیوارهای سنگی رازهای خاندان را در خود پنهان کرده‌اند، داستان پرنس هری، پسر کوچک دایانا، دوباره دل‌ها را به تپش درآورده است. روز جمعه، دوم مه ۲۰۲۵، هری در دادگاه تجدیدنظر لندن بار دیگر در نبردی حقوقی برای بازگرداندن حفاظت کامل پلیس در بریتانیا ناکام ماند. این تصمیم که ریشه در خروج او و همسرش مگان مارکل از وظایف سلطنتی در سال ۲۰۲۰ دارد، نه‌تنها امنیت خانواده‌اش را به مخاطره انداخته، بلکه شکاف عمیق میان او و پدرش، پادشاه چارلز سوم را آشکارتر کرده است.

هری، در گفت‌وگویی احساسی با بی‌بی‌سی در کالیفرنیا، جایی که با مگان و دو فرزندش، آرچی و لیلیبت، زندگی می‌کند، از آرزوی آشتی با خاندان سلطنتی سخن گفت: «دلم برای آشتی با خانواده‌ام تنگ است. زندگی گرانبهاست. نمی‌دانم پدرم تا کی در کنار ماست.» اما چارلز که در فوریه ۲۰۲۴ با تشخیص سرطان روبه‌رو شد، به گفته هری، به دلیل این مناقشات امنیتی با او گفت‌وگو نمی‌کند و مدت مدیدی است که در قهر به سر می‌برد. هری با اندوه افزود: «این مسئله می‌توانست با درایت پدرم حل شود، نه با دخالت مستقیم، بلکه با کناره‌گیری از این ماجرا و سپردن کار به کارشناسان.» او شکست قضایی را «نیرنگی کهنه از سوی نهادهای قدرت» خواند و مدعی شد کاخ سلطنتی در این تصمیم دست داشته است.

این نبرد حقوقی که هزینه‌ای بالغ بر ۱.۵ میلیون پوند برای هری و دولت بریتانیا در پی داشت، از تصمیم کمیته راوک در سال ۲۰۲۰ سرچشمه می‌گیرد که حفاظت خودکار هری را پس از مهاجرت او و همسرش به آمریکا لغو کرد. قاضی جفری ووس، با اذعان به دلخوری هری، این تصمیم را منطقی دانست و استدلال کرد که شرایط خاص هری که دیگر عضو فعال خاندان سلطنتی نیست، رویکردی متفاوت را ایجاب می‌کند. هری اما این را تبعیضی ناعادلانه می‌بیند و می‌گوید: «بدترین کابوس‌هایم به حقیقت پیوست. این تصمیم هر روز بر من، همسرم و فرزندانم سایه می‌افکند.» او از نخست‌وزیر و وزیر کشور خواست فرآیند راوک را بازنگری کنند اما وزارت کشور با دفاع از نظام امنیتی خود، از ارائه جزئیات خودداری کرد.

رابطه هری و چارلز که زمانی با لقب «پسر عزیز بابا» گرما و مهری دلنشین داشت، اکنون در سایه سوءتفاهم‌ها سرد شده است. منابع نزدیک به کاخ به «سان» گفته‌اند که چارلز از واکنش‌های علنی هری و ادعای بی‌توجهی او به اصل بی‌طرفی پادشاه «سرخورده و دل‌آزرده» است. هری معتقد است پدرش می‌توانست این اختلاف را رفع کند اما کاخ تأکید دارد که چارلز، به‌عنوان رئیس تشریفاتی دولت، در تصمیمات راوک دخالتی ندارد. این تیرگی با انتشار کتاب «اسپیر» در سال ۲۰۲۳ که هری در آن از زخم‌های خانوادگی پرده برداشت، ژرف‌تر شد. او در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفت: «برخی از اعضای خاندان سلطنتی هرگز مرا به خاطر این کتاب یا کارهای دیگرم نخواهند بخشید.»

در این میان، شایعه‌ای کهن همچنان سایه‌ای تاریک بر هویت هری می‌افکند: آیا او واقعا پسر چارلز است یا فرزند جیمز هویت، معشوق دایانا؟ این گمانه که از شباهت چهره و موهای سرخ هری و هویت سرچشمه گرفت، سال‌ها دایانا را رنجاند. ریچارد دالتون، آرایشگر دایانا، در کتابش به نام «همه‌چیز درباره مو» تأکید کرد: «این شایعه بی‌اساس است. هری پیش از رابطه دایانا با هویت به دنیا آمد.» هویت نیز در ۲۰۱۷ به شبکه‌ای استرالیایی گفت: «من پدر هری نیستم. این شایعه فقط برای فروش روزنامه‌هاست و برای هری دردناک.» هری نیز در «اسپیر» از طعنه‌های چارلز درباره این شایعه گلایه کرده و می‌نویسد: «پدرم می‌گفت: شاید پدر واقعی‌ات در بیمارستان روانی باشد! و می‌خندید.» این شوخی‌ها، هرچند به ظاهر سبک، زخمی ژرف بر دل هری نشاندند.

فراز و نشیب رابطه هری و چارلز، از روزهای شاد اسکی در کودکی تا دوری امروز، گویی قصه‌ای است از پیوندهای گسسته و آرزوهای بر باد رفته. هری که خاطرات مادرش را در سینه دارد، از تکرار سرنوشت دایانا هراس دارد و واهمه دارد که همراه با همسر و فرزندانش در حادثه‌ای مشابه که خیلی دقیق صحنه‌سازی شده، کشته شود. او می‌گوید بدون امنیت، نمی‌تواند فرزندانش را به سرزمین مادری‌اش بیاورد: «اندوهبار است که نمی‌توانم وطنم را به آنها نشان دهم.» در این میان، ویلیام، برادر بزرگ‌تر نیز درهای آشتی را بسته است. هیلاری فوردویچ، کارشناس سلطنتی، به «فاکس نیوز» گفت: «شکاف میان ویلیام و هری عمیق‌تر شده. ویلیام که پاسداری از تاج‌وتخت را در اولویت دارد، هری را به خاطر انتقادهای علنی‌اش از اندرونی خاندان سلطنتی نمی‌بخشد.» هری، با دلی آکنده از حسرت، همچنان در پی حقیقت و آشتی است.

چهره روز

جاستین بیبر، ستاره ۳۱ ساله پاپ با ثروت ۳۰۰ میلیون دلاری، به دلیل ولخرجی‌های بی‌حساب در آستانه بحران مالی قرار دارد، چیزی که دوستان صمیمی و نزدیکان او را نگران کرده است. بیبر که از سال ۲۰۲۱ آلبومی منتشر نکرده و پس از لغو تور «جاستیس» در ۲۰۲۲ به دلیل بیماری، ۹۰ میلیون دلار را از دست داده، حالا با بدهی ۲۰ میلیون دلاری به برگزارکننده تور مواجه است. به علاوه، بیبر هزینه‌های گزافی صرف جت‌های خصوصی، مهمانی‌های پرزرق‌وبرق و هدایای گران‌قیمت مثل حلقه ۷۰۰ هزار دلاری برای همسرش یا خرید ساعت ۳۰۰ هزار دلاری رولکس برای خودش می‌کند. سبک زندگی لوکس این زوج، شامل شش خانه مجلل و سفرهای مداوم، با درآمد ناچیز فعلی همخوانی ندارد و اگر اصلاح نشود، دیر یا زود آنها را به ورطه ورشکستی می‌کشاند.

عکس روز

سایه تند سیاست بر صلح جهانی

استفن میلر، معمار سیاست‌های تند مهاجرتی، گزینه اصلی مشاور امنیت ملی ترامپ است

استفن میلر، معاون رئیس دفتر کاخ سفید و مغز متفکر سیاست‌های جنجالی مهاجرتی دونالد ترامپ، به‌عنوان نامزد پیشتاز برای پست مشاور امنیت ملی آمریکا مطرح شده است. این خبر پس از برکناری مایک والتز از این سمت در روز پنجشنبه و انتصاب او به‌عنوان سفیر پیشنهادی سازمان ملل اعلام شد. میلر ۳۹ ساله، از معتمدان قدیمی و وفادار ترامپ است که با پیشبرد سیاست‌های سختگیرانه‌ای چون اخراج فوری مهاجران غیرقانونی بدون تشکیل دادگاه، نقشی محوری در کاخ سفید ایفا کرده است.

او در خانواده‌ای لیبرال در سانتا مونیکای کالیفرنیا بزرگ شد اما از ۱۶ سالگی به محافظه‌کاری گرایش یافت. پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه دوک در سال ۲۰۰۷، با چهره‌هایی چون جف سشنز همکاری کرد و در سال ۲۰۱۶ به کمپین انتخاباتی ترامپ پیوست. میلر سخنرانی‌های مهمی، از جمله سخنرانی کنوانسیون ملی جمهوری‌خواهان را به رشته تحریر درآورد و در دولت اول ترامپ، سیاست‌های مهاجرتی بحث‌برانگیزی چون جداسازی خانواده‌های مهاجر در مرز را پیش برد. در دولت دوم ترامپ، میلر نه‌تنها معاون رئیس دفتر است، بلکه شورای امنیت داخلی را با کارآمدی قابل توجهی مدیریت کرده و با مارکو روبیو، وزیر امور خارجه و سرپرست موقت مشاور امنیت ملی آمریکا، همکاری تنگاتنگی دارد. منابع کاخ سفید می‌گویند این هم‌افزایی، میلر را به گزینه‌ای ایده‌آل برای این نقش بدل کرده است. یک منبع داخلی تأکید کرد: «اگر استفن این شغل را بخواهد، بعید است ترامپ مخالفت کند.» بااین‌حال، برخی منابع معتقدند عشق و علاقه عمیق میلر به سیاست‌های مهاجرتی ممکن است او را از پذیرش این نقش بازدارد، زیرا این پست تمرکز او را از موضوع مورد علاقه‌اش منحرف می‌کند.

در مورد سیاست خارجی، میلر مواضعی سرسختانه دارد. درباره ایران، او از حامیان سیاست فشار حداکثری است و در اظهاراتی در سال ۲۰۲۰، مذاکرات دیپلماتیک با تهران را «تسلیم» خواند. میلر خواستار تشدید تحریم‌ها و انزوای جهانی ایران بوده و هرگونه گفت‌وگو را رد می‌کند، موضعی که می‌تواند مذاکرات فعلی را به بن‌بست بکشاند. در مورد اوکراین، میلر از مذاکرات صلح با شرط واگذاری مناطق اشغالی به روسیه حمایت می‌کند، دیدگاهی که هم‌راستا با طرح‌های پیشنهادی مشاوران ارشد ترامپ است. درباره غزه، او از سیاست‌های جنایتکارانه اسرائیل دفاعی قاطعانه کرده و خواستار قطع کمک‌های مالی به آژانس آنروا شده است. در برابر چین، میلر ملی‌گرایی اقتصادی را ترویج می‌دهد و در سال ۲۰۲۳ پیشنهاد ممنوعیت ویزای تحصیلی برای دانشجویان چینی را مطرح کرد تا نفوذ پکن در آمریکا محدود شود.

انتصاب احتمالی میلر، با سابقه مواضع تندش در مهاجرت و اظهارات جنجالی علیه قضات و مخالفان سیاسی، می‌تواند سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا را به سوی رویکردی تهاجمی‌تر سوق دهد. این انتخاب، به‌ویژه با دیدگاه‌های ضدایرانی، ضدچینی و مواضع بحث‌برانگیز درباره اوکراین و غزه، واکنش‌های گسترده‌ای در داخل و خارج آمریکا برمی‌انگیزد. تأثیر این تصمیم بر مذاکرات صلح اوکراین، ثبات در خاورمیانه و روابط با چین، تنش‌های ژئوپلیتیکی را تشدید خواهد کرد.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

ینگه دنیا

حکایت مضحک حسرت‌های ملوکانه

نگاهی به ماجرای جشن تولد ۷۹ سالگی ترامپ با همراهی رژه بزرگ نظامی

در روز ۱۴ ژوئن ۲۰۲۵، خیابان‌های واشنگتن دی‌سی شاهد رژه‌ای خواهد بود که نه‌تنها دویست‌وپنجاهمین سالگرد ارتش آمریکا را گرامی می‌دارد، بلکه آرزوی دیرینه دونالد ترامپ برای نمایش اقتدار نظامی را به واقعیت بدل می‌کند. این روز که با هفتادونهمین زادروز رئیس‌جمهور آمریکا مصادف است، قرار است با حضور ۶ هزار و ۶۰۰ سرباز، ۱۵۰ خودروی زرهی، ۵۰ هلیکوپتر و حضوران هزاران غیرنظامی، به صحنه‌ای از شکوه و عظمت تبدیل شود. اما آیا این رژه می‌تواند با مراسم‌های پرطمطراق روسیه و چین رقابت کند و حسرت ترامپ را التیام بخشد؟

برنامه‌ای با طعم تاریخ و تولد

این رژه که از پنتاگون در آرلینگتون ویرجینیا آغاز و تا نشنال مال در قلب پایتخت امتداد می‌یابد، مسیری حدود چهار مایل را طی خواهد کرد. طبق اسناد برنامه‌ریزی ارتش که در ۲۹ و ۳۰ آوریل ۲۰۲۵ تدوین شده‌اند، این رویداد شامل سربازانی از ۱۱ لشکر و یگان، خودروهای زرهی استریکر، برادلی، توپخانه پالادین، هویتزر و تانک نیز خواهد بود. هفت گروه موسیقی ارتش، چتربازان تیم شوالیه‌های طلایی، نمایش‌های تجهیزات از جنگ انقلاب تا جنگ‌های مدرن و بازسازی‌های تاریخی از دوره‌های مختلف، به این مراسم رنگ و بویی حماسی می‌بخشند. روز با پرش چتربازان، کنسرت موسیقی کانتری و آتش‌بازی باشکوه به پایان می‌رسد. سخنگوی ارتش، استیو وارن، این رویداد را «جشن ملی» خواند که با هدف «آشنایی آمریکایی‌ها با ارتش و سربازانشان» طراحی شده است. هدر هاگان، دیگر سخنگوی ارتش، افزود: «با توجه به اهمیت این نقطه عطف ۲۵۰ ساله، ارتش در پی بزرگ‌تر کردن جشن با نمایش‌های بیشتر و تعامل با جامعه است.» کاخ سفید نیز تأیید کرد این رژه، یکی از اولین رویدادهای جشن ۲۵۰ سالگی استقلال آمریکا در سال ۲۰۲۶ خواهد بود که با فرمان اجرایی ترامپ در ژانویه برای تشکیل «کارگروه ۲۵۰» برنامه‌ریزی شده است.

آرزویی از پاریس تا واشنگتن

الهام این رژه به سال ۲۰۱۷ بازمی‌گردد، زمانی که ترامپ در مراسم روز باستیل در پاریس، کنار امانوئل ماکرون، شیفته رژه نظامی فرانسه شد. او همان‌جا اعلام کرد آمریکا باید «از آن پیشی بگیرد». اما تلاش اولش در دوره نخست ریاست‌جمهوری به دلیل هزینه تخمینی ۹۲ میلیون دلاری و نگرانی‌های مقامات واشنگتن درباره آسیب به خیابان‌ها ناکام ماند. موریل بوزر، شهردار دی‌سی که در سال ۲۰۱۸ این طرح را به سخره گرفت، حالا نیز هشدار می‌دهد که تانک‌ها می‌توانند به جاده‌ها آسیب بزنند و خواستار بودجه‌ای برای تعمیرات شده است. برای کاهش این نگرانی‌ها، ارتش برنامه‌ریزی کرده که خودروهای سنگین از نزدیکی بنای لینکلن به رژه بپیوندند تا از پل‌های حساس عبور نکنند.

رقابت با مسکو و پیونگ‌یانگ؟

رژه‌های نظامی در روسیه، به‌ویژه مراسم روز پیروزی در میدان سرخ و نمایش‌های کره شمالی، با حضور انبوه سربازان، موشک‌ها و تجهیزات پیشرفته، معیاری برای قدرت‌نمایی نظامی این کشورها هستند. رژه چین در سالگرد انقلاب کمونیستی نیز با نظم و عظمتش شهرت دارد. رژه پیشنهادی ترامپ با ۶ هزار ۶۰۰ سرباز و تجهیزات مدرن، از نظر او با این رژه‌ها قابل‌مقایسه است اما

به گفته کارشناسان، بعید است به نظم و هماهنگی رژه‌های آن کشورها برسد. برخلاف مسکو یا پکن که رژه‌ها نمادی از کنترل متمرکز هستند، مراسم واشنگتن بیشتر به جشنواره‌ای مردمی با نمایش‌های متنوع شبیه است. بااین‌حال، حضور گسترده سربازان، هلیکوپترها و بازسازی‌های تاریخی می‌تواند حسرت ترامپ را برای یک نمایش جهانی تسکین دهد، هرچند هزینه‌های گزاف و لجستیک پیچیده همچنان موضوع بحث است.

چالش‌ها و انتقادها

هزینه این رژه که ده‌ها میلیون دلار خواهد بود، انتقادهایی را برانگیخته، به‌ویژه در زمانی که دولت ترامپ، با هدایت ایلان ماسک در «دپارتمان کارایی دولت»، بودجه‌های فدرال را کاهش داده و هزاران شغل را حذف کرده است. برخی کاربران در شبکه ایکس این تناقض را نکوهش کرده‌اند، با اشاره به قطع بودجه تحقیقات پزشکی، از جمله سرطان کودکان، در برابر هزینه‌های گزاف این مراسم. نگرانی‌های امنیتی نیز مطرح است، زیرا این رویداد به‌عنوان «رویداد ویژه امنیتی ملی» طبقه‌بندی شده و نیازمند هماهنگی گسترده با پنتاگون، سرویس پارک ملی، و وزارت امنیت داخلی است.

کیوسک

نیویورک‌پست، عکس و تیتر اصلی خود را به قصد ترامپ برای کاهش ۱۶۳ میلیارد دلاری بودجه آمریکا از طریق کاهش برنامه‌هایی مانند «تنوع، برابری، شمول» و حمایت‌های مالی از سازمان ملل اختصاص داد.

واشنگتن‌پست، تیتر اصلی خود را به قطع بودجه دو رسانه برجسته عمومی آمریکایی، ان‌پی‌آر(NPR) و پی‌بی‌اس(PBS) با امضای یک فرمان اجرایی توسط دونالد ترامپ اختصاص داد.

بلوزون

جرمی آلن وایت و ایزابلا روسلینی؛ در انتظار عشق و بحران

جرمی آلن وایت، ستاره برنده گلدن گلوب برای بازی در سریال «خرس»، کنار ایزابلا روسلینی، نامزد اسکار برای بازی در فیلم سینمایی «مجمع کاردینال‌ها» و مندی پتینکین، بازیگر سریال «میهن»، در فیلم «عروس رنگ‌شده» (The Painted Bride) به کارگردانی جرمایا زیگار، خالق «اخاذی» و سریال «مأموریت»، نقش‌آفرینی می‌کنند. این درام احساسی داستان الیشا (جرمی آلن وایت) را روایت می‌کند؛ پدری فداکار که روزها آشپزی و شنا می‌کند و شب‌ها پروژه‌ای هنری برای تقدیم به پسر خردسال و پدر در حال مرگش می‌سازد. اما بحرانی ناگهانی در بالتیمور، زندگی او را به ورطه فروپاشی می‌کشاند. به گفته زیگار، فیلم با تلفیق لایو-اکشن و انیمیشن استاپ-موشن، کاوشی است در مردانگی، عشق و میراث خانوادگی. شایعاتی هم مبنی بر عشق آتشین جرمی و روسلین در فیلم منتشر شده که انتظارها برای تماشای این اثر را مضاعف کرده است. منابع نزدیک به پروژه می‌گویند جرمی برای ایفای این نقش، ماه‌ها با هنرمندان و روانشناسان کار کرده و «عروس رنگ‌شده» می‌تواند او را به ستاره‌ای بزرگ‌تر بدل کند.

حاشیه

میکروفن به جای دستکش برای تایسون

بازگشت مرد آهنین به رینگ

بازگشت مایک تایسون، اسطوره پیشین سنگین‌وزن آمریکایی به دنیای بوکس، این بار نه با دستکش‌های مبارزه بلکه پشت میکروفون است. روزنامه مارکای اسپانیا گزارش داد که تایسون به عنوان تحلیلگر در رویداد «فیتال فیوری» شرکت می‌کند، جایی که دو بوکسور آمریکایی، رایان گارسیا و رولاندو رولی رومرو، در وزن میانه در تایمز اسکوئر نیویورک به رقابت خواهند پرداخت. در حالی که ضربات مشت در رینگ خواهد بود، تایسون دستمزد قابل‌توجهی برای تحلیل‌های زنده و اظهارنظر در مورد این مبارزه هیجان‌انگیز بین گارسیا و رومرو دریافت خواهد کرد. اگرچه مبلغ دقیق دستمزد تایسون به‌طور رسمی اعلام نشده اما وب‌سایت «سیلیبریتی تالنت اینترنشنال» اشاره کرده که تایسون بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار دلار دریافت خواهد کرد. قهرمان سابق جهانی پیش‌تر از حضور خود در این رویداد خبر داده و در پلتفرم ایکس نوشت: «نمی‌توانم صبر کنم! من در تایمز اسکوئر به عنوان تحلیلگر حضور خواهم داشت» و نقش خود در ارائه رویداد اصلی که به طور جهانی از طریق کانال‌های «دی ای زد ان» پخش خواهد شد، تأیید کرد.

همه چیز درباره جام‌دار جدید فوتبال ایران

تراکتور چگونه قهرمان شد

گروه ورزش | به قهرمان تازه فوتبال ایران خوش‌آمد بگویید: تراکتور. تیمی پرطرفدار که در یک ماراتن ۱۷ دوره‌ای سرانجام توانست جام قهرمانی را به‌دست بیاورد. این باشگاه از سال ۱۳۸۸ که بعد از هشت سال دوری و حضور در لیگ یک دوباره به لیگ‌برتر بازگشت تبدیل به یک مدعی بالقوه قهرمانی شد؛ هرچند هربار دستش به جام نرسید.

تولد یک تیم

از دوره نهم لیگ‌برتر بود که فوتبال ایران با یک پدیده جالب و جدید مواجه شد. هوادارانی که متفاوت‌تر از تمام طرفدارانی که فوتبال ایران به خود دیده بود، روی سکوها بودند. آنها در هر شهری از ایران ورزشگاه را پر می‌کردند. در تهران پرسپولیس و استقلال گاهی از سیل هواداران مشتاقی که تیم‌شان را پرطرفدارترین نه در ایران که در جهان حتی بالاتر از منچستریونایتد می‌دانستند، مستاصل و شگفت‌زده شدند. تراکتور از همان زمان بافشار همین پرشورها به این نتیجه رسید که باید قهرمان شود. هزینه زیادی هم کرد، دلارهای زیادی هم خرج شد، ستاره‌های بزرگی به تبریز رفتند، مربیان مطرح و نامداری آمدند اما سرانجام این کاری بود که به‌دست دراگان اسکوچیچ و لشگر سربازان سرشناس و باتجربه‌اش رقم خورد. و البته یک تیم مدیریتی که با پختگی و زیرکی محمدرضا زنوزی مالک باشگاه از ابتدا چیده شد و در طول مسابقات با دستکاری مهره‌ها تقویت شدند. حالا باد به پرچم تراکتور می‌وزد. تیمی که بعید است به این راحتی ستاره‌هایش و مرد کروات روی نیمکت را از دست بدهد؛ مطمئنا برای حضور قدرتمند در لیگ نخبگان فصل بعد به‌طرز چشم‌گیری تقویت خواهد شد. پس این قهرمانی بیشتر نه پایان که می‌تواند آغاز یک فصل جدید برای تراکتور باشد. برای تیمی که از فصل بعد رقبای بزرگ و قدرتمند برای گرفتن عنوان قهرمانی‌اش دست به هرکاری خواهند زد.

۳ بازی که تراکتور را قهرمان کرد

هفته ۶: برد یک بر صفر مقابل سپاهان (رقابت مستقیم)
هفته ۲۵: برد ۲-۱ مقابل استقلال (شکست رقیب سنتی)
هفته ۲۸: برد ۴ برصفر مقابل شمس‌آذر (قطعی شدن قهرمانی)

سیستم تاکتیکی: ۴-۴-۲ با دو شماره ۶
دفاع فشرده: کمترین گل خورده در نیم فصل دوم (۶ گل در ۱۳ بازی)
حمله انفجاری: ۶ بازی با ۳ گل یا بیشتر
قدرت خانه و بیرون: رکورد بی‌نقص
خانگی: ۹ برد، ۲ تساوی و ۳ باخت (۷۳درصد امتیاز ممکن)
بیرون: ۱۱ برد، ۲ تساوی و ۱ باخت (۸۳درصد امتیاز ممکن)
بدون شکست:
تراکتور در ۱۱ بازی آخرش در لیگ‌برتر هیچ شکستی نداشته است.

۵ هفته طلایی

تراکتور در ۵ هفته هشتم تا دوازدهم تمام بازی‌ها را برنده شد و این هفته‌ها نقش مهمی در قهرمانی این تیم بازی کردند.

روحیه جنگندگی؛ برگشت‌های تاریخی
این تیم در ۱۵ دقیقه پایانی بازی‌ها ۱۲ گل زده و فقط ۲ گل خورده و ۴۷ امتیاز را در این دقایق کسب کرده که نشان از روحیه جنگندگی و عدم پذیرش شکست دارد.
پیروزی پس از عقب افتادن (مثل ۲-۱ مقابل فولاد)

محمد نادری و شجاع خلیل‌زاده:
با ۹۷ بازی با پیراهن تراکتور نادری و خلیل‌زاده رکورددار بیشترین بازی با پیراهن این تیم در میان تمام همبازیان‌شان هستند.

دروازه‌بان کلیدی:
علیرضا بیرانوند با ۱۶ کلین شیت رکورددار بسته نگه داشتن دروازه در لیگ‌برتر امسال است.

شروع و ثبات
تراکتور با کسب ۲۲ امتیاز امتیاز از ۱۰ بازی نخست، با نتایجی مانند برد ۳-۱ مقابل چادرملو و پیروزی ۴برصفر مقابل هوادار نشان داد که در این فصل یک مدعی درجه یک قهرمانی است.

تاکتیک‌های هوشمندانه و انعطاف‌پذیر
مربی تراکتور با استفاده از دو روش ۳-۴-۳ تا ۴-۲-۳-۱ و انعطاف‌پذیری تاکتیکی حریفانش را در این فصل غافلگیر کرد.

حمایت بی‌وقفه هواداران
تراکتور با میانگین بیش از ۴۲ هزار نفر تماشاگر در بازی‌های خانگی، رکورددار لیگ‌برتر این فصل است. بازی مقابل پرسپولیس در هفته سوم و سپس استقلال در هفته ۲۵ با حضور ۹۰هزار هوادار همراه بود. این حمایت، بازیکن دوازدهم تراکتور در این فصل موفق بود.

خط حمله مرگبار و دفاع فولادین
تراکتور با ۵۱ گل زده (بهترین رکورد لیگ) و تنها ۱۵ گل خورده، ترکیبی بی‌نقص از حمله و دفاع را ارائه داد.
امتیازگیری در خانه: ۳ برد از ۴ بازی خانگی اول با میانگین ۲.۵ گل زده در هر بازی.
اوج‌گیری در نیم‌فصل دوم: این تیم در نیم فصل دوم فقط یک شکست داشت و ۲ بار نیز مساوی کرد.
تغییر تاکتیکی: استفاده از ۴-۲-۳-۱ در بازی‌های خارج از خانه (مانند هفته ۷ و ۱۱) که کنترل میانه میدان را افزایش داد.

زمستان ۰۳ تا بهار ۰۴:
در سه ماه پیاپی از اواسط بهمن ماه تا اردیبهشت ماه این تیم هیچ شکستی را تجربه نکرد و در ۹ بازی ۷ برد و فقط دو مساوی کسب کرد.

یادداشت

لیست کسانی که باید از اسکوچیچ عذرخواهی کنند؛ فردوسی‌پور، تاج، طارمی و پسر معاون اول رئیس‌جمهور

این فقط یک قهرمانی نیست، یک بیانیه است

امید ذاکری‌نیا
دبیر ورزش

داستان دراگان اسکوچیچ را می‌توان به‌عنوان یک الگوی موفقیت، تبدیل به کتاب کرد. او را یک‌بار کاملا از بین بردند اما بازگشت و قهرمان شد. حالا آن بالا ایستاده و معلوم نیست منتقدان قسم‌خورده‌اش و فداییان کی‌روش کجا هستند. راستی، از کارلوس کی‌روش چه خبر؟

بدمان بیاید یا نه، عذرخواهی در فرهنگی که امروز بر جامعه حاکم است، جایی ندارد. انگار هیچ‌کس حاضر نیست تبعات کاری را که انجام می‌دهد، بپذیرد اما چه اشکالی دارد یک‌بار در فوتبال این کار را نهادینه کنیم؟ و شروعش می‌تواند با عذرخواهی از دراگان اسکوچیچ باشد. در صف اول هم باید عادل فردوسی‌پور و حواریونش، پیشکسوتان منتقد، مهدی طارمی و تیمش و رسانه‌هایی که اجازه ندادند تیم ملی با او به جام جهانی برود، قرار بگیرند. همان‌هایی که نه‌تنها اسکو را در اوج بی‌رحمی برای رسیدن به اهداف و برنامه‌های‌شان ذبح کردند، بلکه تیم ملی را هم نابود ساختند. اگر از گور برخاسته‌ها قدرتی مضاعف دارند، اسکوچیچ باید حالا در اوج باشد.

شاید تصورش آسان باشد اما شکست دادن تیم فردوسی‌پور و کارلوس کی‌روش کار واقعا سختی است. برانکو و علی کریمی با آن پشتوانه مردمی که داشتند، در نهایت با این تیم مساوی کردند. پوکرفیسِ ماجرا اما خوب از پس همه‌چیز برآمد. باید اسکوچیچ را برای مبارزه در راه موفقیت و ایمان به معجزات زندگی، الگوی خود قرار دهیم. او را زمانی حتی دلال‌هایش هم گردن نمی‌گرفتند. چندبار تا نیمکت استقلال و پرسپولیس رسید اما هربار پیشکسوتان با تندترین الفاظ مانع شدند تا میانمایه‌ها و دغل‌بازها بیایند.

کسانی از اسکوچیچ انتقاد می‌کردند و او را کوچک می‌دانستند که رزومه خودشان پُر از شکست و سقوط است. دراگان اما امسال توانست با تراکتور دو هفته زودتر با میانگین امتیازی ۲،۱۴ به مقام قهرمانی برسد اما جالب است که میانگین امتیازی او در تیم‌ملی ایران به مراتب بهتر هم بوده؛ ۲،۵۶ امتیاز برای هر مسابقه آماری خیره‌کننده است آن‌هم در حالی که می‌دانیم این امتیازات نه در بازی‌های دوستانه و غیررسمی با تیمی محلی از آفریقا یا شرق دور که در مسابقات دشوار مقدماتی جام‌جهانی بعد از فاجعه مارک ویلموتس به‌دست آمده است. راستی مهدی تاج که با افتخار اسکوچیچ را برکنار کرد تا با کی‌روش بتواند برابر انگلیس و آمریکا قد علم کند، چه نظری دارد. بی‌شک نام او و حتی پسر معاون اول سابق رئیس‌جمهور هم می‌تواند در کنار فردوسی‌پور و طارمی و دیگران در نامه رسمی عذرخواهی به دراگان اسکوچیچ وجود داشته باشد.

جالب است؛ تا دیروز کسی نمی‌توانست و جرات نمی‌کرد از اسکوچیچ خوب بگوید یا بنویسد، چون به دلالی و فساد متهم می‌شد اما امروز، نه‌تنها با این اتهامات مواجه نمی‌شود، بلکه خیلی‌ها می‌توانند پشت این قهرمانی پنهان شوند. شاید خود اسکو هم با یک مصاحبه پرزرق‌وبرق و کمی خوش‌وبش! آن اتفاقات را فراموش کند. اما فوتبال ایران فراموش نمی‌کند.

مستطیل سبز

لحظه دردناک در چمن سبز

دروازه‌بان ضربه مغزی شد

دروازه‌بان تیم هایدنهایم، کوین مولر، روز جمعه در جریان دیدار برابر بوخوم در هفته سی‌ودوم بوندس‌لیگا، دچار ضربه مغزی شد؛ این خبر را باشگاه هایدنهایم در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد.

در دقیقه ۴۹ بازی، این دروازه‌بان باتجربه ۳۴ ساله در برخوردی هوایی با ابراهیما سیسوکو، هافبک مالی تیم بوخوم، به شدت آسیب دید و پس از برخورد، بی‌هوش روی زمین افتاد.

در بیانیه باشگاه آمده است: «مولر پس از برخورد، هوشیاری‌اش را از دست داد و حدود ۱۰ دقیقه تحت درمان فوری در زمین ورزشگاه فویث آره‌نا قرار گرفت. سپس با برانکارد از زمین خارج شد. هنوز مدت زمان دوری او از میادین مشخص نیست.»

پس از خروج مولر، فرانک فیلر به عنوان جانشین وارد زمین شد. این بازی در نهایت با تساوی بدون گل به پایان رسید؛ نتیجه‌ای که برای هایدنهایم در مسیر تلاش برای فرار از سقوط، بسیار حیاتی بود.

گزارش

رونالدو و مسی سلاطین فضای مجازی

اینستاگرام زیرپای ستاره‌های فوتبال

با وجود آنکه اینستاگرام و پلتفرم‌هایی از این دست در سال‌های اخیر ستاره‌های خاص خودشان را یافته‌اند اما کماکان این بازیکنان محبوب فوتبال هستند که در صدر پرمخاطب‌ترین‌ها قرار دارند. فضای مجازی و اینستاگرام در حال حاضر به بخش مهمی از زندگی روزمره انسان‌ها در سراسر جهان بدل شده به‌طوری که افرادی که بیشترین دنبال‌کننده را دارند، قادرند روزانه به صدها میلیون مخاطب ارتباط و دسترسی داشته باشند.

مجله فوربس طی گزارشی لیستی از ۱۰ نفر که بیشترین تعداد دنبال‌کننده را در اینستاگرام دارند، منتشر کرده که به این شرح است:

۱-کریستیانو رونالدو ۶۵۲ میلیون دنبال‌کننده

اسطوره فوتبال جهان، کریستیانو رونالدو و کاپیتان تیم النصر، بیشترین دنبال‌کننده را در اینستاگرام دارد. او لحظات خانوادگی، ویدیوهایی از تمریناتش و قراردادهای تبلیغاتی خود را به اشتراک می‌گذارد و هر پستش میلیون‌ها بازدید و لایک دریافت می‌کند. بر اساس گزارش هوپراچ کیو در سال ۲۰۲۴، او به‌طور متوسط حدود ۳.۴۳ میلیون دلار از هر پست تبلیغاتی در اینستاگرام درآمد دارد و چهره تبلیغاتی برندهایی مانند نایک، کلییر و باینس است.

۲-لیونل مسی ۵۰۵ میلیون دنبال‌کننده

لیونل مسی حساب کاربری اینستاگرام خود را ساده نگه می‌دارد و بیشتر بر فوتبال و به اشتراک‌گذاری لحظات با خانواده تمرکز دارد. بر اساس این گزارش، او به‌طور متوسط ۲.۶ میلیون دلار از هر پست تبلیغاتی کسب می‌کند و با برندهایی مانند آدیداس، بادوایزر و هاردراک کافه همکاری دارد.

۳- سلنا گومز ۴۲۰ میلیون دنبال‌کننده

۴- دواین جانسون «راک» ۳۹۴ میلیون دنبال‌کننده

۵- کایلی جنر ۳۹۳ میلیون دنبال‌کننده

۶- آریانا گرانده ۳۷۵ میلیون دنبال‌کننده

۷- کیم کارداشیان ۳۵۷ میلیون دنبال‌کننده

۸- بیانسه ۳۱۱ میلیون دنبال‌کننده

۹- کلوئه کارداشیان ۳۰۳ میلیون دنبال‌کننده

۱۰- جاستین بیبر ۲۹۴ میلیون دنبال‌کننده

سوژه

اشک‌های ستاره چلسی مقابل دوربین

به خاطر پسرم...

مارک کوکوریا، ستاره باشگاه چلسی، در یک مصاحبه تلویزیونی به همراه همسرش کلودیا رودریگز، در حالی که درباره احساسات‌شان نسبت به تشخیص اوتیسم پسرشان ماتئو صحبت می‌کردند، اشک ریخت.

کوکوریا در فصل دوم برنامه «Married To The Game» که از پلتفرم «آمازون پرایم» پخش می‌شود، با چشمانی اشک‌آلود درباره فشارهای روحی ناشی از تشخیص اوتیسم در فرزندشان صحبت کرد. این مدافع چپ ۲۶ ساله چلسی سه فرزند دارد: ماتئو، ریو و کلودیا.

او در حالی که گریه می‌کرد، توضیح داد که تشخیص اوتیسم برای ماتئو مدت کوتاهی پس از انتقال او از برایتون به چلسی در سال ۲۰۲۲ (انتقالی به ارزش ۶۵ میلیون پوند) اعلام شد و گفت: «پزشکان به من گفتند که پسرت مبتلا به اوتیسم است اما خانواده‌ها هیچ‌وقت برای چنین چیزی آماده نیستند. باید خیلی چیزها یاد بگیریم.»

همسرش، کلودیا رودریگز، نیز گفت: «متوجه شدیم برخی چیزها در مورد پسرمان با دیگر بچه‌ها فرق دارد. از مدرسه حمایتی دریافت نکردیم و بدترین ماه‌های زندگی‌مان را گذراندیم. هر روز با هم ماتئو را به مدرسه می‌بردیم، آن زمان من باردار ریو هم بودم، و هر روز با گریه به خانه برمی‌گشتیم.» او همچنین درباره شرایط پسرشان هنگام تعطیلات گفت: «در طول فقط یک هفته، تغییرات زیادی اتفاق می‌افتد. برای ماتئو سخت است که در مکان‌های مختلف باشد، زمان‌بندی متفاوتی داشته باشد، غذای متفاوتی بخورد و از روتین عادی مدرسه و درمانش خارج شود. این برایش دشوار است. همیشه باید به ماتئو فکر کنی. گاهی می‌خواهی کارهایی انجام بدهی اما نمی‌توانی، چون مناسب ماتئو نیست.»

ویدیو با صحنه‌ای احساسی پایان می‌یابد که در آن کلودیا رودریگز همسرش را در آغوش می‌گیرد و او را دلداری می‌دهد، در حالی که کوکوریا همچنان گریه می‌کند و دستش را گرفته است. حساب رسمی آمازون پرایم این ویدیو را به اشتراک گذاشت و باعث موجی از واکنش‌های احساسی از سوی هواداران شد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح ۰۳:۳۵ | طلوع آفتاب ۰۵:۰۹ | اذان ظهر ۱۲:۰۱ | غروب آفتاب ۱۸:۵۳ | اذان مغرب ۱۹:۱۲

تحقیقات می‌گوید نسل جدید غمگین‌تر از نسل‌های دیگرند

اضطراب و اندوه نسل زد

منحنی شادی دیرینه پس از سال‌ها عوض شده و این موضوع محققان را گیج کرده است

زینب کاظم‌خواه
مترجم

برای مدت طولانی، اعتقاد بر این بود که «فرود منحنی شادی» معروف، حدود ۴۰ سالگی، یعنی همان «بحران میانسالی» که بسیار مورد بحث قرار گرفته است، ظاهر می‌شود. نکته شگفت‌انگیز: محققان متوجه یک فروپاشی عاطفی بسیار زودتر شده‌اند. منحنی شادی دیگر از شکل U کلاسیک پیروی نمی‌کند که در حدود سنین ۴۰-۵۰ سالگی کاهش قابل توجهی داشته باشد، بلکه در نوجوانی یا حتی پیش از نوجوانی شروع به سقوط می‌کند. چگونه می‌توان این پدیده را توضیح داد؟

جوانی قرار است آن دوره طلایی باشد که در آن هر چیزی ممکن است، دوره‌ای که ما با انرژی کشف، آزادی و گاهی عشق نوپا پیش می‌رویم اما واقعیت برای جوانان امروز کاملا متفاوت است. بحران‌های اقتصادی، وضعیت اضطراری آب و هوا، درگیری‌های ژئوپلیتیکی، فشار اجتماعی مداوم...

محققان می‌گویند «این نسل با سطح بی‌سابقه‌ای از عدم قطعیت روبه‌رو است». بزرگ شدن در جهانی که معیارهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی دائما در حال تغییر هستند، نوعی استرس مزمن ایجاد می‌کند. وقتی به نظر می‌رسد زمین زیر پای‌مان سفت نیست، غیرممکن است که خود را در آینده‌ای پایدار تصور کنیم.

امروز محققان دریافته‌اند آن منحنی شادی که مدت‌ها به شکل U قابل پیش‌بینی بوده، در حال مسطح شدن است، زیرا شادی در اوایل زندگی نسبت به گذشته رو به کاهش است.

این تحقیق مطالعات شکوفایی جهانی، با همکاری میان محققان دانشگاه هاروارد و بیلور است، اطلاعاتی که توسط گالوپ از بیش از ۲۰۰ هزار نفر در ۲۲ کشور را جمع‌آوری و تحلیل کرده است. آنها کشف کردند که به طور متوسط، جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله ناراضی بودند، در حالی که با سلامت روانی و جسمی ضعیف، برداشت‌های منفی از شخصیت خود، یافتن معنا در زندگی، امنیت مالی و کیفیت روابط‌شان دست و پنجه نرم می‌کردند. محققان با استفاده از معیار شکوفایی هاروارد - ترکیبی از شادی و رضایت از زندگی، سلامت جسمی و روانی، معنا و هدف، شخصیت و فضیلت و روابط اجتماعی نزدیک - میزان شکوفایی هر شرکت‌کننده در زندگی خود را تعیین کردند. اکنون، آنها دریافتند که منحنی شکوفایی تا حدود ۵۰ سالگی، زمانی که دوباره شروع به افزایش می‌کند، مسطح است. محققان دریافتند که این موضوع در چندین کشور، از جمله بریتانیا و استرالیا، صادق است - اما شکاف رفاه جوانان و بزرگسالان مسن‌تر در ایالات متحده بیشترین بود.

تایلر جی. وندرویل، نویسنده اصلی این مطالعه و مدیر برنامه شکوفایی انسانی هاروارد، به نیویورک تایمز گفت: «این یک تصویر کاملا واضح است. آیا ما به اندازه کافی در رفاه جوانان سرمایه‌گذاری می‌کنیم؟»

چرا نسل زد اینقدر ناراضی است؟

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که رضایت از زندگی و شادی در میان بزرگسالان جوان در دهه گذشته به طور پیوسته رو به کاهش بوده است. در ایالات متحده، نظرسنجی رفتارهای پرخطر جوانان (YRBSS) افزایش چشمگیر اضطراب و افسردگی را در میان نسل زد آمریکایی، به‌ویژه دختران جوان، گزارش کرده است. در سال ۲۰۲۳، ۵۳ درصد از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی، در مقایسه با ۲۸ درصد از پسران، احساس مداوم غم یا ناامیدی را گزارش کردند. نویسندگان مطالعه شکوفایی جهانی نوشتند: «جوانان به خوبی گذشته عمل نمی‌کنند. اگرچه علل احتمالا متنوع هستند اما نگرانی‌های مربوط به سلامت روان در بزرگسالان جوان به وضوح رو به افزایش است.»

یک نظرسنجی ملی در سال ۲۰۲۳ از دانشگاه هاروارد نیز نشان داد که بزرگسالان جوان (۱۸ تا ۲۵ ساله) نسبت به نوجوانان از میزان بالاتری از اضطراب و افسردگی رنج می‌برند. این مطالعه به این نتیجه رسید که عوامل زیر باعث کاهش سلامت روان نسل زد می‌شوند:

- **فقدان معنا و جهت:** این نظرسنجی نشان داد که بیش از نیمی (۵۸ درصد) از بزرگسالان جوان گزارش دادند که در ماه گذشته فاقد «معنا یا هدف» در زندگی خود بوده‌اند و نیمی از آنها نیز گزارش دادند که سلامت روان آنها تحت تأثیر منفی «نمی‌دانم با زندگی‌ام چه کنم» قرار گرفته است.
- **نگرانی‌های مالی:** ۵۶ درصد از بزرگسالان جوان نگران رفاه مالی خود بودند.
- **فشار برای موفقیت:** نیمی از بزرگسالان جوان ابراز کردند که فشار موفقیت بر سلامت روان آنها تأثیر منفی گذاشته است.
- **احساس اینکه دنیا در حال فروپاشی است:** ۴۵ درصد از بزرگسالان جوان گزارش دادند که «حس عمومی مبنی بر اینکه همه چیز در حال فروپاشی است» باعث کاهش سلامت روان آنها شده.
- **تنهایی و انزوای اجتماعی:** تقریبا نیمی (۴۴ درصد) از بزرگسالان جوان احساس بی‌اهمیت بودن برای دیگران را گزارش کردند، در حالی که ۳۴ درصد گزارش دادند که تنها هستند.
- **مسائل اجتماعی و سیاسی:** مسائل گسترده‌ای مانند تغییرات اقلیمی، خشونت با اسلحه در مدارس و نگرانی‌ها در مورد رهبری سیاسی از جمله موضوعاتی بودند که نسل زد را تحت تأثیر قرار می‌دادند.

بله، گذر از یک دوره غم و اندوه در نوجوانی یا اوایل بزرگسالی دشوار است اما این مطالعه یک نکته اساسی را به ما یادآوری می‌کند این یک شکست شخصی نیست. این احساس ناراحتی، واکنشی انسانی به یک زمینه جهانی ناپایدار است و غم و اندوه در این سن به خودی خود یک هدف نیست. این یک مرحله است، یک گذرگاه که با گذشت زمان، جای خود را به شکلی پایدارتر به آرامش درونی می‌دهد.

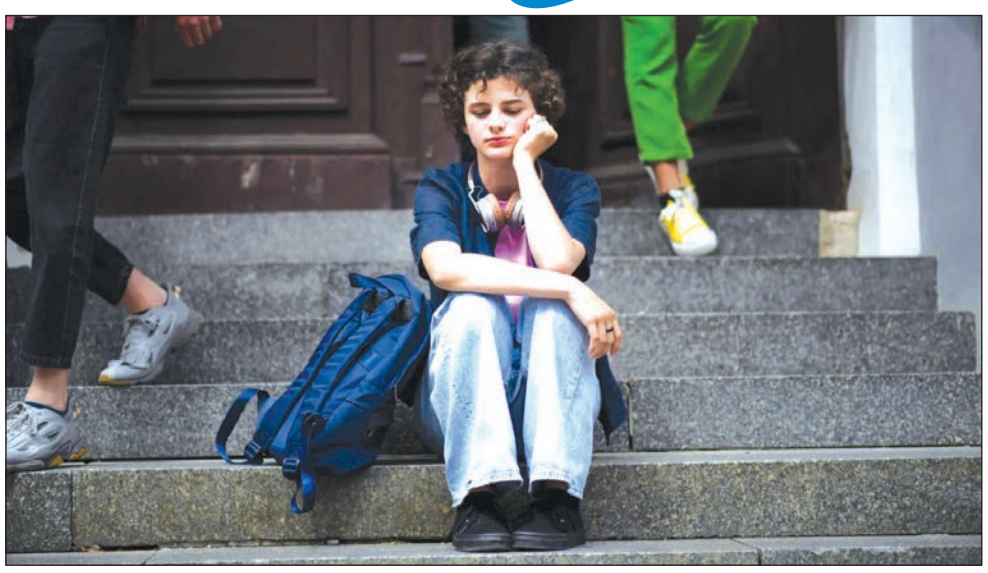

یادداشت

هم‌آوایی زمان

سما بابایی
روزنامه‌نگار

آیین هفتمین سال نوای موسیقی ایران، پس از وقفه‌ای سه‌ساله، خردادماه سال گذشته هم‌زمان با روز جهانی موسیقی در سالن اجتماعات منظومه خِرَد تهران برگزار شد. این رویداد با حضور حدود ۲۵۰ هنرمند موسیقی و همراهی چند موسسه بخش خصوصی برگزار شد.

اهمیت برگزاری این مراسم چنان بود که حسین علیزاده، آهنگ‌ساز برجسته موسیقی ایران، درباره آن اظهار کرد: «مدت‌ها بود چنین صحنه زیبایی با حضور هنرمندان بزرگ موسیقی ندیده بودم.

«سال نوا» نشان داده که می‌توان مأیوس نبود و فعالیت‌هایی انجام داد که تاریخ‌ساز باشد.

» او همچنین به نقش نسل جوان در پیشبرد موسیقی اشاره کرد و گفت: «این خصوصیت نسل جوان است که با وجود تمام محدودیت‌ها، پرطراوت‌تر از همیشه فعالیت کرده‌اند. »

بخش «نکوداشت» این رویداد، شاملِ تجلیل و نکوداشتِ نُه هنرمند برجسته موسیقی ایران؛ احمد پژمان، نوین افروز، رافائل میناسکانیان، مهران روحانی، محمدرضا درویشی، حمید متبسم، آذین موحد، افسانه جهانگیری و نازلی جهانگیری است.

بخش «یادبود» نیز به گرامیداشت یاد هنرمندانی چون مصطفی کمال پورتراب، والودیا تارخانیان، محمدتقی مسعودیه، هرمز فرهت، فرامرز پایور، امیراشرف آریان‌پور و گلنوش خالقی، اختصاص دارد.

همچنین، در بخش «نشان سال نوای موسیقی ایران» از «انجمن فیلارمونیک ایران»، «خانه هنر خرد» و «خانه پایور»، «انتشارات پارت» و «مجموعه شهر صدای پارسیان»، به پاس فعالیت‌های اثرگذارِ فرهنگی و موسیقایی، تجلیل و «نشان سال نوا» به مدیران این مراکز فرهنگی مستقل، اهدا شده است.

در بخشِ «یادنشان» این رویداد نیز، ضمن گرامی‌داشت یاد «فریدون شهبازیان»، موسیقی‌دان و آهنگساز فقید موسیقی ایران، یادبودِ ۱۵ هنرمند موسیقی ایران که در فاصله سال‌نوای شُشم تا پایانِ بهار ۱۴۰۳ درگذشته‌اند برگزار و از تندیسِ یادنشانِ زنده‌یادان؛ داود جعفری امید، امیرتیمور پورتراب، علی اکبرپور، محمد اسماعیلی، منوچهر اسلامی، حسن ناهید، محسن افتاده، محمود جعفری، جمشید عندلیبی، مینو افتاده، حسین زمان، امیرفرشید رحیمیان، لیلی افشار، آیدین الفت و پورنگ پورشیرازی، رونمایی شده است.

برگزاری آیین‌هایی چون «سال‌نوای موسیقی ایران» نه‌تنها تجلیلی از هنر موسیقی است، بلکه به‌منزله پاسداشت هویت فرهنگی و تقویت همبستگی اجتماعی در جامعه ایرانی به‌شمار می‌آید.

این رویدادها، با گردهم‌آوردن هنرمندان و پژوهشگران، بستری فراهم می‌کنند تا یادی از هنرمندانِ بزرگی شود که خود مهم‌ترین میراث موسیقایی کشور هستند.

سلامت روان

عواقب وارد شدن به رابطه جدید بدون فراموش کردن رابطه قبلی

زخم‌های احساسی‌ات را التیام بده

عشق نباید از همان ابتدا دردناک باشد. آیا تا به حال شده که با این فکر که یک دل نه صد دل عاشق شده‌اید و پناهگاه امنی را که به دنبالش بوده‌اید پیدا کرده‌اید؟ اما خیلی زود، خود را در گردبادی احساسی گرفتار می‌بینید، جایی که ترس از رها شدن، حسادت یا نیاز به تأیید، همه چیز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. اگر تا به حال احساس کرده‌اید که با قلبی شکسته انتخاب می‌کنید، تنها نیستید.

بسیاری از زنان - مدرن، مستقل، شجاع - در روابطی قرار می‌گیرند که زخم‌های بهبودنیافته‌شان را منعکس می‌کند. مشکل، عشق ورزیدن نیست، بلکه عشق ورزیدن از جایی است که کمبود وجود دارد، از زخمی که هنوز خونریزی می‌کند و اینجاست که عواقب واقعی شروع می‌شود.

التیام یافتن قبل از عشق ورزیدن فقط یک کلیشه نیست، بلکه یک ضرورت عاطفی است. زیرا وقتی شریک زندگی خود را به خاطر درد دل انتخاب می‌کنیم، اغلب او را آنطور که واقعاً هست نمی‌بینیم، بلکه او را به عنوان یک «تاجی» یا وعده‌ای می‌بینیم که تمام دردهای‌مان را متوقف خواهد کرد و این به ندرت اتفاق می‌افتد.

- **الگوهای گذشته را تکرار می‌کنیم:** آیا متوجه شده‌اید که همان نوع شریک را با چهره‌ای متفاوت جذب می‌کنید؟ اگر با احساس کم‌ارزش بودن بزرگ شده باشید، معمولاً با افرادی همراه می‌شوید که باعث می‌شوند احساس نامرئی بودن کنید. یا اگر با والدینی زندگی کرده‌اید که از نظر احساسی غایب بوده‌اند، به دنبال شریک‌هایی سرد، ناپایدار یا غیرقابل دسترس می‌گردید.

«نحوه برخورد ما با خودمان در کودکی بر نحوه برخورد دیگران با ما در بزرگسالی تأثیر می‌گذارد.» انتخاب بدون بهبودی مانند استفاده از یک نقشه پاره‌شده برای رسیدن به مکانی امن است.

- **وابستگی عاطفی ایجاد می‌شود:** وقتی روی زخم‌های درونی خود کار نکرده‌ایم، می‌توانیم دلبستگی را با عشق اشتباه بگیریم. ما به شریک زندگی خود طوری می‌چسبیم که انگار اکسیژن است، از ترس اینکه او ما را ترک کند، آرامش خود را فدای ذره‌ای توجه می‌کنیم. این عشق سالم نیست؛ اضطرابی است که در لباس محبت پنهان شده است. زنی که التیام نیافته، ممکن است چیزهای غیرقابل قبول را بپذیرد، بی‌تفاوتی یا حتی بدرفتاری را تحمل کند، فقط برای اینکه از تنها ماندن اجتناب کند. اما بودن در یک رابطه سمی، باعث تنهاتر شدنتان می‌شود.
- **امکان یک رابطه پایدار از بین می‌رود:** وقتی زخم‌های التیام نیافته‌ای - طرد شدن، رها شدن، خیانت - را با خود حمل می‌کنید، به راحتی می‌توانید در موقعیت‌های روزمره واکنش بیش از حد نشان دهید: یک تماس از دست رفته به نشانه خیانت تبدیل می‌شود، یک انتقاد به یک حمله شخصی تبدیل می‌شود.

بدون اینکه متوجه شوید، می‌توانید به بدترین دشمن خود تبدیل شوید و افرادی را که واقعاً شما را دوست دارند، از ترس آسیب دیدن دوباره، از خود دور کنید. بنابراین، عشق سالم نه به این دلیل که وجود ندارد، بلکه به این دلیل که زخم‌های شما اجازه نمی‌دهند آن را دریافت کنید، دست نیافتنی می‌شود.

نکات عملی برای عشق ورزیدن از روی کمال، نه به خاطر زخم‌ها

- **با تراپی آشتی کنید:** این یک تجمل نیست؛ بلکه یک سرمایه‌گذاری در رفاه عاطفی شماست. یک فرآیند درمانی به شما امکان می‌دهد تا تاریخچه خود را مرور کنید، الگوهای خود را بشناسید و تجربیات خود را از نو شکل دهید. درمان عاطفی نه‌تنها روابط شخصی شما، بلکه سلامت جسمی و کیفیت زندگی شما را نیز بهبود می‌بخشد.
- **یاد بگیرید که بدون احساس تنهایی، با خودتان تنها باشید:** پرورش عشق به خود به معنای لذت بردن از همراهی با خودتان، ارزش قائل شدن برای خودتان بدون نیاز به تایید دیگران است. در فعالیت‌هایی شرکت کنید که شما را با خودتان پیوند می‌دهد: یک دفتر خاطرات احساسی داشته باشید، پیاده‌روی‌های آگاهانه انجام دهید، کتاب‌هایی بخوانید که روح شما را تقویت می‌کند.
- **زخم‌های خود را بپذیرید اما با آنها زندگی نکنید:** نگاه به گذشته خیلی خوب است اما نه در آنجا ماندن. مشخص کنید کدام تجربیات روش عشق ورزیدن شما را شکل داده‌اند و بدون احساس گناه روی آنها کار کنید. تکرار تاریخ به معنای سرنوشت همیشگی‌تان نیست؛ این یک انتخاب ناخودآگاه است که می‌توانید با آگاهی و کار درونی آن را تغییر دهید.

کافه ستاره ها

چیزهایی که درباره جیمز جویس نمی‌دانیم

از نابینایی تا ترس از رعدوبرق

در دهم ژوئن ۱۹۰۴، در خیابان ناسائو در دوبلین، جیمز جویس ۲۲ ساله (به سختی می‌توانست ببیند، چون عینکش را نزده بود و بینایی‌اش ضعیف بود) نورا بارناکل ۲۰ ساله را دید که در آن زمان خدمتکار جوانی بود که در حال قدم زدن بود. نورا بعدها داستان اولین ملاقاتشان را بارها تعریف کرد؛ هر بار قدری متفاوت‌تر از بار قبل این داستان را گفت. گاهی می‌گفت جویس کلاه ملوانی به‌سر داشت و گاهی می‌گفت کلاه سفید بزرگی به سر داشت و پالتویی بلند که پایین قوزک پایش می‌رسید. جویس پیشنهاد قرار ملاقات داد و بارناکل موافقت کرد اما جویس در زمان مقرر به محل تعیین شده رفت، اما بارناکل سر قرار نیامد. جویس برایش نوشت: «شاید نابینا باشم. مدت زیادی به موهای قهوه‌ای مایل به قرمز دختری نگاه کردم و فهمیدم که تو نیستی. با ناامیدی به خانه برگشتم. دوست دارم یک وقت ملاقات با شما بگیریم اما شاید به درد تو نخورم. امیدوارم آنقدر مهربان باشی که با من وقت ملاقات بگذاری - البته اگر مرا فراموش نکرده باشی!» تقریباً نابینا بودن واقعیت یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان قرن نوزدهم بود. اما یکی از عادات عجیب خالق «اولیس» این بود که در رختخواب روی شکم دراز می‌کشید و با یک مداد آبی بزرگ، در حالی که روپوش سفیدی به تن داشت می‌نوشت. او بیشتر «شب زنده‌داری فینگن‌ها» را با تکه‌های مداد شمعی روی مقوا نوشت. اما این موضوع به خاطر خرافات نبود بلکه او چاره‌ای جز این کار نداشت. از میان بسیاری از افسانه‌های گمراه‌کننده درباره این نویسنده مشهور و شاعر کتاب‌های کودکان این یکی واقعاً درست است: او تقریباً نابینا بود. نزدیک‌بینی دوران کودکی او تا ۲۰ سالگی به مشکلات شدید چشمی تبدیل شد. بدتر از همه، او در ۲۵ سالگی به تب روماتیسم مبتلا شد که منجر به یک بیماری دردناک چشمی به نام التهاب عنبیه شد. تا سال ۱۹۳۰، او ۲۵ عمل جراحی چشم انجام داده بود که هیچ‌کدام بینایی او را بهبود نبخشید. بنابراین مداد شمعی‌های بزرگ به او کمک می‌کردند تا آنچه را که می‌نوشت ببیند و روپوش سفید به انعکاس نور بیشتر روی صفحه در شب کمک می‌کرد. جیمز جویس عادت عجیب و غریب دیگری هم داشت. گزارش‌ها حاکی از آن است که او گاهی لباس‌های غیرمعمول مانند کلاه ملوانی، کلاه لبه‌دار سفید و پالتوی بلند می‌پوشید. جویس در کودکی از رعد و برق می‌ترسید که ناشی از هشدارهای پرهیزگارانه معلم سرخانه کاتولیکش بود که می‌گفت چنین رویدادهای هواشناسی در واقع خشم خدا را بر او آشکار می‌کنند. این ترس تمام عمر نویسنده را آزار می‌داد، هرچند جویس ریشه‌های فوبیای خود را تشخیص می‌داد. وقتی یکی از دوستانش از او پرسید که چرا اینقدر از آب و هوای بد می‌ترسد، جویس پاسخ داد: «تو در ایرلندِ کاتولیک بزرگ نشده‌ای.»

یک دقیقه زندگی

روایت روزنامه‌نگاری در راه بازگشت از تحریریه به خانه

خواب‌هایی که سر ایستگاه اتوبوس دیدم

بابک نبی
هفت صبح

نیمه‌های شب که از تحریریه بیرون می‌آیم، شهر چهره دیگری دارد. هیاهو فروکش کرده، چراغ مغازه‌ها یکی یکی خاموش شده‌اند و خیابان‌ها، آرام‌آرام خمیازه می‌کشند؛ اما ایستگاه اتوبوس هنوز زنده است؛ نه با صدا که با حضور. در دل همین سکوت، آدم‌ها نشسته‌اند، ایستاده‌اند، چمباتمه زده‌اند؛ چشم‌ها نیمه‌باز، پلک‌ها سنگین و نگاه‌ها در آستانه خواب. اینجا، شب نه وقت رویا که وقت چرت‌های کوتاه و بی‌ادعاست.

هر شب، از مسیر تحریریه تا خانه، چند ایستگاه را عوض می‌کنم. کیف‌دستی‌ام پُر است از گزارش‌های نیمه‌تمام، عکس‌هایی که هنوز تیتر نگرفته‌اند و ذهنم پُر از جمله‌هایی است که در ویرایش نهایی حذف شدند اما همین که به ایستگاه می‌رسم، جریان دیگری آغاز می‌شود. جریانی بی‌کلمه، بی‌سطر که در چهره آدم‌ها، در چین پلک‌ها و خم کمرشان ثبت شده. جایی‌ست که خواب، با بی‌پناهی دست می‌دهد و رویا، شکل واقعیت می‌گیرد.

زنی هر شب در همان نیمکت فلزی می‌نشیند. شالی خاکستری دارد و پلاستیکی از سبزیجات در دست. سرش را روی دیوار پشتی تکیه داده و انگار به خواب فرو رفته اما گوش‌هایش هنوز منتظر صدای ترمز اتوبوس‌اند. چشمانش بسته‌اند، ولی بدنش آماده حرکت است. مثل سربازی در مرخصی موقت.

پسر جوانی، با لباس کار خاکی‌رنگ و گوشی در دست، تکیه داده به تابلوی ایستگاه. هر چند دقیقه یک‌بار چشم‌هایش بسته می‌شود، انگشت از روی صفحه می‌لغزد، سرش پایین می‌افتد و بعد، با یک تکان ناگهانی، بیدار می‌شود. گویی می‌ترسد رؤیایش طول بکشد؛ مبادا اتوبوس بیاید و او جا بماند. بعضی‌ها ایستاده چرت می‌زنند. با دستی روی میله فلزی ایستگاه و سری خم‌شده به جلو. مثل درخت‌هایی نیمه‌خواب که فقط در شب‌های شهری دیده می‌شوند. همه این صحنه‌ها را بارها دیده‌ام. هر بار هم، چیزی تازه در آنها پیدا کرده‌ام. خواب‌هایی که فقط چند دقیقه طول می‌کشند اما گاهی بیشتر از ساعت‌ها سخن می‌گویند.

این خواب‌ها، رویاهای روشن و پرجزئیاتی نیستند. هیچ‌کس در آنها پرواز نمی‌کند یا به جشن تولد دوران کودکی‌اش برنمی‌گردد. این خواب‌ها، ساده‌اند. شاید کسی در ذهنش دارد حساب و کتاب می‌کند که باقی‌مانده حقوق را چطور خرج کند. شاید دیگری، دلتنگ کسی‌ست. شاید آن زن با کیسه سبزی، دارد در خوابِ کوتاه خود، طعم ترشی‌های مادری را به یاد می‌آورد.

خودم هم، گاهی همان‌جا، گوشهٔ ایستگاه، چشم بسته‌ام. نه برای خواب، برای فاصله گرفتن. برای آنکه لحظه‌ای از میان تیترها، اخبار و فشار روزنامه‌نگاری، بیرون بزنم. برای چند دقیقه، فقط یک مسافر باشم. نه نویسنده، نه تحلیلگر، نه کسی که باید بداند و بنویسد. فقط کسی که خسته است، نشسته و چشم برهم گذاشته. در این خواب‌های گذرا، چیزی عمیق پنهان است. چیزی از جنس خستگی مشترک. از زیستن در شهری که آرام نمی‌گیرد. از امیدهایی که گاه در ایستگاه‌ها نفس تازه می‌کنند و من، شب‌به‌شب، این خواب‌ها را می‌بینم؛ نه با دوربین، نه روی کاغذ، با چشمانی که آموخته‌اند دیدن را در مکث‌ها.

ایستگاه اتوبوس، جایی‌ست برای تماشا. برای دیدن شهر، در لحظه‌ای که خستگی، نقاب‌ها را کنار می‌زند و خواب‌هایی که آنجا شکل می‌گیرند، شاید ساده‌ترین روایت‌های این زندگی پرهیاهو باشند؛ روایت‌هایی بی‌کلمه که اگر خوب گوش بدهی، صادق‌تر از هر گزارش رسمی‌اند.

عکس روز

یک زن پاکستانی پس از لغو ویزا و تعلیق خدمات ویزا برای شهروندان پاکستانی توسط هند، در پی حمله به گردشگران در نزدیکی پاهالگام در جنوب کشمیر، نزدیک امریتسار هند، قبل از عبور از گذرگاه مرزی آتاری - واگا به پاکستان، کودکی را در داخل اتوبوس در آغوش گرفته است. رویترز

از گوشه و کنار دنیا

کیانو ریوز و بولاک همبازی می‌شوند

کیانو ریوز و ساندرا بولاک در یک فیلم مهیج برای آمازون جلوی دوربین می‌روند.

به نقل از ورایتی، کیانو ریوز و ساندرا بولاک، بازیگران فیلم «سرعت»، یک همکاری دیگر را با حضور در فیلمی مهیج تجربه می‌کنند. هر چند جزئیات داستان هنوز فاش نشده اما استودیو آمازون ام‌جی‌ام از آن به عنوان داستانی برانگیزاننده یاد کرده است. نوآ اوپنهایم نویسنده «جکی» و «روز صفر» فیلمنامه‌نویس این فیلم است. این پروژه که هنوز عنوانی هم برایش انتخاب نشده، توسط خود بولاک و ریوز و مارک گوردون که تهیه‌کننده فیلم «سرعت» در سال ۱۹۹۴ بود، تولید می‌شود.

ریوز و بولاک در فیلم «خانه کنار دریاچه» سال ۲۰۰۶ هم همکاری کرده بودند. ایده ساخته شدن این فیلم توسط گوردون و اوپنهایم به ریوز و بولاک ارائه شد و در ادامه مسیر آنها هم برای ساخته شدن فیلم با آنها همراه شدند.

ریوز که سال پیش با «جان ویک: فصل ۴» دیده شد، تهیه‌کننده اجرایی آن هم بود. بولاک در فیلم‌های «شهر گمشده» برای پارامونت، «نابخشودنی» و «جعبه پرنده» برای نتفلیکس بازی و تهیه‌کنندگی کرد. او برای «نقطه کور» جایزه اسکار را برد و برای بازی در «جاذبه» نامزد دریافت جایزه اسکار شد.

مارک گوردون پیکچرز در حال حاضر تهیه‌کننده فیلم «نارنیا» به کارگردانی گرتا گرویگ برای نتفلیکس است. این کمپانی تولید «نجات سرباز رایان»، «روز پس از فردا»، «بازی مالی» و «میهن‌پرست» و نیز سریال‌هایی چون «آناتومی گری»، «ذهن‌های جنایتکار» و «تازه‌کار» را در کارنامه دارد و در زمینه تولیدات نمایشی هم بسیار فعال است.